

کانون‌های تفکر آمریکا

کدموضوعی: ۳۳۰
شماره مسلسل: ۱۴۶۱۰
دی‌ماه ۱۳۹۴

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۴	مقدمه
۶	فصل اول - کلیات
۱۱	فصل دوم - ویژگی‌های کانون‌های تفکر
۲۰	فصل سوم - ساختار سازمانی و نیروی انسانی
۲۴	فصل چهارم - گرایش‌های سیاسی و فلسفی
۲۶	فصل پنجم - کانون‌های تفکر ایالتی و شبکه‌ها
۳۶	فصل ششم - بازاریابی، روابط عمومی و مشارکت عمومی
۴۵	فصل هفتم - سنجش میزان نفوذ و تأثیرگذاری کانون‌های تفکر
۵۰	فصل هشتم - منابع مالی کانون‌های تفکر
۵۶	فصل نهم - روند جاری پیش روی کانون‌های تفکر
۶۵	فصل دهم - کانون‌های تفکر جهانی ایالات متحده
۶۷	فصل یازدهم - معرفی ۲۵ کانون تفکر برجسته ایالات متحده آمریکا
۸۵	نتیجه‌گیری
۸۹	منابع و مآخذ



کانون‌های تفکر آمریکا

چکیده

کانون‌های تفکر بازیگران قدیمی و مهم در تدوین سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ایالات متحده آمریکا بوده‌اند. خاستگاه و منشأ کانون‌های تفکر در این کشور را می‌توان در سنت‌های عصر ترقی‌خواهی مانند اقدامات نوع‌دوستانه بنگاه‌های اقتصادی، جدایی کامل حوزه‌های قانونگذاری و اجرایی در حکومت، تمایل به وارد کردن دانش به عرصه تصمیم‌گیری‌های حکومتی و گرایش به اعتماد به بخش خصوصی برای یاری رساندن به عقلانیت حکومت مشاهده کرد.

باور بسیاری از پژوهشگران بر این است که خاستگاه کانون‌های تفکر کشور ایالات متحده طی جنگ جهانی دوم بوده است. در آن زمان این واژه به محلی گفته می‌شد که گروهی از افراد خبره نظامی و غیر نظامی برای مدیریت جنگ در آن گردهم می‌آمدند. این واژه تا پیش از دهه ۱۹۷۰ نیز به آن گروه از مؤسساتی که بر سیاستگذاری‌های مربوط به امور خارجی و راهبردهای دفاعی و همچنین موضوعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متمرکز بودند، اطلاق می‌شد.

با بررسی پیشینه کانون‌های تفکر در آمریکا می‌توان چهار دوره مشخص را برای رشد کانون‌های تفکر در این کشور شناسایی کرد:

(الف) پایان جنگ جهانی اول،

(ب) پایان جنگ جهانی دوم،

(پ) آغاز دهه ۱۹۶۰،

(ت) دهه ۱۹۸۰.

درور^۱ در تعریف کانون‌های تفکر آنها را «سازمان‌های سیاست‌پژوه، طراح و تحلیلگر» معرفی می‌کند، در حالی که ویور^۲ آنها را «سازمان‌های غیر انتفاعی فعال در زمینه سیاستگذاری عمومی» تعریف کرده است. فیشر^۳ نیز از کانون‌های تفکر به‌عنوان «خبرگان سیاسی» و «سازمان‌های ارائه‌کننده مشاوره در زمینه سیاستگذاری» نام می‌برد.

کانون‌های تفکر در ایالات متحده یکی از شکل‌های زیر را دارند:

- کانون‌های تفکر سنتی،

- کانون‌های تفکر و اقدام،

1. Dror, 1984.

2. Weaver, 1989.

3. Fischer, 1991.

- کانون‌های اقدام.

در بسیاری از کشورها کانون تفکر به‌طور سنتی و رسمی وابسته به حکومت‌ها، احزاب سیاسی و بنگاه‌های اقتصادی‌اند و بودجه آنها نیز به‌طور کامل از همین راه تأمین می‌شود. برخلاف این رویه در ایالات متحده گرایش به سوی کانون‌های تفکر مستقل، بدون وابستگی و غیرحکومتی است که از فکر، بودجه و امور قانونی مستقلی برخوردارند.

کانون‌های تفکر مستقل شامل کانون‌های تفکر آکادمیک - چند تخصصی و آکادمیک - تک تخصصی، سازمان‌های پیمانکاری پژوهشی، کانون‌های تفکر مدافع‌های و بنگاه سیاست می‌شوند. میان کانون‌های تفکر و سازمان‌های دیگر چهار گونه وابستگی حزبی، حمایت دولتی، خصوصی - انتفاعی و وابسته به دانشگاه وجود دارد.

در ایالات متحده، عرف کانون‌های تفکر بزرگ این گونه است که توسط یک رئیس یا افسر (مدیر) ارشد اجرایی اداره شود. فرد مزبور ضمن اینکه ویتترین و چهره عمومی مؤسسه است، در عین حال به‌عنوان سخنگوی ارشد، کسب‌کننده بودجه و استراتژیست نیز مطرح است.

رئیس کانون تفکر به‌طور مستقیم پاسخگوی هیئت امنا یا هیئت رئیسه بوده و به آنها ارائه گزارش می‌کند. بیشتر رؤسای کانون‌های تفکر زمان کاری خود را در بیرون از مؤسسه و برای اموری چون گفتگو، جلسات، جذب و فراهم آوردن بودجه مورد نیاز می‌گذرانند و امور اجرایی را به دیگر مدیران ارشد می‌سپارند. این رؤسا از سوی یک یا چند معاون رئیس یا مدیران پژوهشی پشتیبانی می‌شوند.

در ایالات متحده در میان جامعه کانون‌های تفکر نظام طبقه‌بندی پیچیده‌ای برای انواع متفاوتی از کارکنان تمام وقت و اعضای وابسته وجود دارد که مؤسسه‌ای از مؤسسه دیگر متفاوت است. به‌رغم این دامنه گسترده از عناوین، کارکنان پژوهشی عموماً با عناوینی چون پژوهشگر، تحلیلگر و پژوهشگر ارشد و غیره نامبرده می‌شوند.

از نظر گرایش‌های سیاسی و فلسفی نیز کانون‌های تفکر را می‌توان به‌طور کلی در دسته‌بندی‌های محافظه‌کار، لیبرترین، میانه‌رو، ترقی‌خواه / لیبرال قرار داد.

در طول دو دهه گذشته کنگره و کاخ سفید مسئولیت‌های قابل توجهی را به ایالت‌ها واگذار کرده‌اند که از این سیاست‌ها به‌عنوان فدرالیسم نو یاد می‌شود. این تغییرات همراه با واگذاری قدرت سیاسی، اختیار قانونگذاری و مسئولیت مالی برای ایالت‌ها بوده است. در نتیجه این اقدامات امروز ایالت‌ها قدرت بیشتر و مسئولیت‌های بزرگ‌تر از پیش دارند. این تغییرات از چشم کانون‌های تفکر چپ و راست دور نمانده است. شمار رو به رشدی از کانون‌های تفکر و مؤسسه‌های اهداکننده کمک‌های مالی لیبرال و محافظه‌کار تصمیم گرفته‌اند منابع خود را به جای کاخ سفید در دولت‌های محلی (ایالت‌ها) متمرکز کنند.



به لطف درخواست‌های رو به رشد مطالعات و تحلیل‌های ایالتی که از سال ۱۹۷۰ آغاز شد تعداد زیادی از کانون‌های تفکر ایالتی برای کمک به دولت‌های محلی تأسیس شدند.

امروز واشنگتن دی سی خانه ۳۹۶ مؤسسه سیاست‌های بخش عمومی است و مابقی ۱۴۳۴ سازمان مشابه دیگر در ایالات متحده در میان ۵۰ ایالت آن گسترده شده‌اند.

کانون‌های تفکر اغلب افرادی که دارای تجربه بازاریابی و روابط عمومی بوده و در این کار حرفه‌ای‌اند را برای تسهیل نشر و توزیع اطلاعات به کار می‌گیرند. همچنین روش‌های گسترده‌ای را برای توزیع، انتشار اطلاعات و مواردی چون: گردهمایی‌ها، همایش‌ها و جلسات، انتشارات، رسانه‌ها و ارتباط با سازمان‌های دولتی استفاده می‌کنند.

دونالد ایلسون، می‌گوید: برای فهم بهتر مفهوم نفوذ و تأثیرگذاری و همچنین چگونگی سنجش آن ضرورت دارد در آغاز نحوه کار کانون‌های تفکر را بشناسیم و پس از آن مسیرهای نفوذ و تأثیرگذاری را شناسایی کرده و در نهایت سنجش آنها را با شاخص‌های مستقیم و غیرمستقیم انجام دهیم. گام‌هایی را که برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و دولت طی می‌شود عبارتند از: بیان مسئله، تدوین سیاست، پیاده‌سازی و اجرای سیاست.

در سال‌های اخیر برخی از تغییرات پیرامون جامعه کانون‌های تفکر ایجاد شد و به‌طور مؤثری توانایی ایفای نقش آنها را با چالش‌ها و فرصت‌های جدید روبرو کرد. در پی بروز این دگرگونی‌ها در سال ۲۰۰۴ طی برنامه کانون‌های تفکر و جامعه^۱ از ۳۴ کانون تفکر پیشرو آمریکایی دعوت شد تا در یک مطالعه زمینه‌یابی، در خصوص بررسی این دگرگونی‌ها مشارکت کنند که ۲۳ مؤسسه برای همکاری در پژوهش فوق‌العاده آمادگی کردند. در پاسخ‌های داده شده از سوی این مؤسسه‌ها انبوهی از دگرگونی‌ها در جامعه کانون‌های تفکر طی ۵ تا ۱۵ سال گذشته معرفی شدند که این پاسخ‌ها به‌طور کلی در ۶ گروه زیر جای می‌گیرند:

۱. تغییر در منابع مالی و تأمین بودجه،
۲. گسترش و تکثیر سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد-NGO) به‌طور کلی و کانون‌های تفکر به‌طور اخص،
۳. ظهور رسانه‌های ۲۴×۷^۲ طی پیشرفت و توسعه فناوری‌ها به‌ویژه تسلط اینترنت،
۴. سیاست‌هایی که به‌طور فزاینده‌ای وابستگی حزبی پیدا کرده‌اند،
۵. ظهور متخصصان (متخصصانی که به تنهایی کار می‌کنند و عضو کانون‌های تفکر نیستند) و کانون‌های تفکر کوچک،
۶. جهانی شدن.

1. The Think Tanks and Civil Society Program

۲. رسانه‌هایی که ۲۴ ساعته در تمام ۷ روز هفته خدمات ارائه می‌کنند.

مقدمه

بیش از صد سال است که ایالات متحده خانه کانون‌های تفکر بوده است. البته برخی نیز زمان شکل‌گیری آن را جنگ جهانی اول و دوم می‌دانند. دلایل شکل‌گیری چنین مؤسسه‌هایی را ساختار و نظام سیاسی حکومت ایالات متحده، وجود سنت‌های نوع‌دوستانه در میان بنگاه‌های اقتصادی و فرهنگ عمومی در زمینه برپایی نهادهای دانشگاهی، علمی و پژوهشی در قالب موقوفه‌ها و اهدای کمک‌های مالی به این نهادها و به‌منظور عقلانی کردن تصمیمات اتخاذ شده از سوی حکومت در زمینه سیاست‌های بخش عمومی و امور خارجی می‌دانند.

امروزه کانون‌های تفکر به‌عنوان مؤسسه‌های برنامه‌ریزی و مشاوره‌ای در نظام تصمیم‌گیری سیاسی ایالات متحده جایگاه تثبیت شده و محکمی دارند و در این کشور همواره در حاشیه و کنار فرآیند رسمی سیاستگذاری فعال بوده‌اند.

کانون‌های تفکر در آمریکا ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که در سایر کشورها کمتر به چشم می‌خورد. مانند:

- **میزان بالای استقلال و عدم وابستگی** آنها به نظام حکومتی و دولت و همچنین در بسیاری نمونه‌ها حتی به احزاب سیاسی،

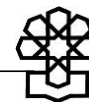
- **نحوه تأمین مالی و بودجه** این مؤسسه‌ها که عمدتاً از طریق اهدای کمک‌های مالی از سوی بنیادها، بنگاه‌های تجاری، شرکت‌های خصوصی و اشخاص و انجام فعالیت‌های مشارکتی تأمین می‌شود و به روشنی دلیل استقلال و عدم وابستگی این کانون‌های تفکر را توضیح می‌دهد.

- **ساختار و نوع فعالیت‌های** بسیاری از آنها که شبیه به بنگاه‌های اقتصادی خصوصی است و همچنین نگاه مشتری‌گرایانه این مؤسسه‌ها به مصرف‌کنندگان محصولات پژوهشی و مطالعاتی وجود ۱۸۳۰ مؤسسه در سراسر این کشور،

- **تنوع، بزرگی و حجم سازمانی و بودجه بالا**

نکته دیگری که در خصوص کانون‌های تفکر در ایالات متحده جلب نظر می‌کند تنوع بسیار این مؤسسات است. درحالی که در کشورهای دیگر حداکثر سه نوع کانون تفکر یعنی کانون‌های تفکر آکادمیک، مدافع‌ای و پیمانکاری را می‌توان مشاهده کرد.

در آمریکا مؤسسه‌هایی وجود دارند که طیفی از کانون‌های تفکر منحصر به این کشورند نیز مانند کانون‌های تفکر آکادمیک پیمانکاری یا مدافع‌ای پیمانکاری و... که به این نوع مؤسسات کانون‌های تفکر ترکیبی گفته می‌شود.



ضمن اینکه هریک از کانون‌های تفکر سه‌گانه بالا نیز به زیرشاخه‌هایی تقسیم می‌شوند. مانند: کانون‌های تفکر آکادمیک تک‌تخصصی، چندتخصصی، انواع کانون‌های تفکر پیمانکاری و همچنین مدافع‌های.

بنابراین برای شناخت کانون‌های تفکر آمریکا ضروری است که آنها را از سه بُعد مورد مطالعه قرار داد:

۱. نوع وابستگی آنها (حزبی، دولتی، خصوصی و انتفاعی، دانشگاهی، ترکیبی، شخصی).
۲. نوع فعالیت، ساختار سازمانی و مأموریت (آکادمیک، پیمانکاری پژوهشی، مدافع‌های، بنگاه سیاست).
۳. گرایش سیاسی و فلسفی (محافظه‌کار، لیبرترین و میانه‌رو، ترقی‌خواه یا لیبرال).

در آمریکا جامعه کانون‌های تفکر با ویژگی‌هایی که برای آنها ذکر شد، صنعتی را به وجود آورده‌اند که مواد خام آن داده، اطلاعات و دانش، خط تولید آن مؤسسه‌های پژوهشی و مشاوره‌ای و برون‌داد و خروجی آن انواع گزارش‌ها، کتب، مقالات، گردهمایی‌ها، همایش‌ها و جلسات هستند و هدف آن نیز ضمن انجام امور نوع‌دوستانه یا کسب سود، فراهم کردن فکر و عقلانیتی مستقل، مجزا، بی‌طرف همراه با امکان دسترسی به طیف وسیعی از پژوهشگران، متخصصان، کارشناسان، تحلیلگران، سیاستمداران کهنه‌کار و مدیران صنعتی و اقتصادی و همچنین ارتباط مستقیم با اقشار مختلف مردم به منظور تأثیرگذاری بر سیاستگذاران و مدیران ارشد دولتی است.

در گزارش حاضر سعی شده است پس از ارائه شرح مختصری در خصوص پیشینه کانون‌های تفکر در آمریکا و همچنین معرفی معنی و مفهوم کانون تفکر از نگاه محققان آمریکایی، این مؤسسات از سه بُعد، نوع وابستگی، فعالیت و مأموریت و همچنین گرایش سیاسی و فلسفی‌شان، طبقه‌بندی شده و مورد بررسی قرار گیرند.

پس از این مرحله وضعیت استقرار و چگونگی توزیع این مؤسسات در گستره کشور آمریکا و بررسی آنها از ابعاد فوق شرح داده شده است.

سپس وضعیت بودجه و روش‌های تأمین مالی آنها و همچنین نحوه ارائه محصولات و حضور در رسانه‌ها و عرصه جامعه و همچنین شیوه‌های تأثیرگذاری و نفوذ بر ذی‌نفعان بررسی شده و معیارهایی برای سنجش و ارزیابی وضعیت و میزان این تأثیرات ارائه شده است.

در نهایت نیز روند جاری پیش روی کانون‌های تفکر در ایالات متحده و همچنین فهرستی از کانون‌های تفکری که در عرصه جهانی فعالیت داشته و علاوه بر کشور آمریکا در سایر کشورها نیز استقرار دارند و نیز مأموریت، ساختار سازمانی، وضعیت مالی و نحوه تأمین بودجه ۲۵ کانون تفکر برجسته آمریکایی به اختصار شرح داده شده است.^۱

۱. مجموعه گزارش‌های کانون‌های تفکر که در «میز کانون تفکر» دفتر مطالعات بنیادین حکومتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهیه می‌شوند به منظور آشنایی با روش‌ها و عملکردهای این کانون‌هاست و نگاه اثباتی و ردی به موضوع و مسائل ندارند.

فصل اول - کلیات

پیشینه کانون‌های تفکر در آمریکا

کانون‌های تفکر باز یگران قدیمی و مهم در تدوین سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ایالات متحده بوده‌اند. خاستگاه و منشأ کانون‌های تفکر در آمریکا را می‌توان در سنت‌های عصر ترقی خواهی مانند اقدامات نوع‌دوستانه بنگاه‌های اقتصادی، جدایی کامل حوزه‌های قانونگذاری و اجرایی در حکومت، تمایل به وارد کردن دانش به عرصه تصمیم‌گیری‌های حکومتی و گرایش به اعتماد به بخش خصوصی برای یاری رساندن به عقلانیت حکومت مشاهده کرد.

باور بسیاری از پژوهشگران بر این است که خاستگاه کانون‌های تفکر، ایالات متحده و در طی جنگ جهانی دوم بوده است. در آن زمان این واژه به محلی گفته می‌شد که گروهی از افراد خبره نظامی و غیرنظامی برای مدیریت جنگ در آن گردهم می‌آمدند. پس از جنگ نیز به شرکت‌های پیمانکاری پژوهشی نظیر مؤسسه رند که ارزیابی برنامه‌ها و نقشه‌های پیچیده و بغرنج را برای ارتش انجام می‌دادند گفته می‌شد.

کاربرد واژه کانون تفکر در دهه ۱۹۶۰ گسترده‌تر شد و به‌طور کلی به همه گروه‌های خبره‌ای گفته می‌شد که توصیه‌های گوناگونی را در زمینه سیاستگذاری تدوین و ارائه می‌کردند. تا پیش از دهه ۱۹۷۰ نیز این واژه به آن گروه از مؤسساتی که بر سیاستگذاری‌های مربوط به امور خارجی و راهبردهای دفاعی و همچنین موضوعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متمرکز بودند، اطلاق می‌شد.

مورخان آمریکایی کانون‌های تفکر را مؤسسات برنامه‌ریزی و مشاوره‌ای با خاستگاهی آمریکایی توصیف می‌کنند که در حاشیه و کنار فرآیند رسمی سیاستگذاری آن کشور فعالیت دارند. با رشد عددی و بزرگی کانون‌های تفکر در آمریکا، برخی پژوهشگران و روزنامه‌نگاران شروع به بررسی دقیق عواملی کردند که موجب رشد و ازدیاد این مؤسسات شد.

برخی از این عوامل عبارتند از:

۱. تقسیم قدرت میان سه قوه؛ قانونگذاری، اجرایی و قضایی و همچنین سطح دولت‌های ایالتی و فدرال،
۲. نظامی سیاسی که احزاب سیاسی ضعیف با انضباط حزبی کمی دارد (یا فاقد انضباط حزبی است)،
۳. فرهنگ مدنی و انسان‌دوستانه بسیار توسعه‌یافته،
۴. اکثریت مردمی که به مقامات دولتی بدگمان‌اند و نقش محدودی را برای دولت ترجیح می‌دهند،
۵. شهروندانی که به جای پشتیبانی از احزاب سیاسی برای نشان دادن علائق و ترجیحات سیاسی خود گرایش به گروه‌های ذی‌نفع یا گروه‌های فشار^۱ دارند،

۱. Interest Groups گروه ذی‌نفع عبارت است از مجموعه‌ای از افراد که بر اساس علائق یا نیازهای مشترک گردهم آمده و تلاش می‌کنند بر فرآیند سیاستگذاری تأثیر بگذارند و البته تمایل ندارند که مانند حکومت از شکل‌های رسمی قدرت استفاده کنند (ماتیوس، ۱۹۸۰).



۶. نظام سیاسی که تعداد زیادی نقاط دسترسی به آن وجود دارد،
۷. تمایل عمومی برای پذیرش نظرات و دیدگاه‌های خبرگان و متخصصان به جای سیاستمداران و بوروکرات‌ها (دیوانسالاران).

پیشینه کانون‌های تفکر در بسیاری از کشورها محدود به ۳۰ یا ۴۰ سال اخیر است در حالی که ایالات متحده بیش از ۱۰۰ سال است که خانه کانون‌های تفکر بوده است.

شکل ۱ رشد کانون‌های تفکر در آمریکا را که براساس نتایج اولیه یک بررسی جهانی درخصوص کانون‌های تفکر است، نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار مشخص است، رشد شمار کانون‌های تفکر در طول قرن بیستم یکسان نبوده است. بیشتر کانون‌های تفکر روی موج وقایع و اتفاقات تاریخی بر پا شده‌اند. در حقیقت گرایش منحنی نمودار شکل ۱ متوسط رشدی را در هر پنج سال نشان می‌دهد که به وضوح امکان شناسایی ۴ دوره مشخص را برای رشد کانون‌های تفکر در ایالات متحده فراهم می‌کند:

۱. پایان جنگ جهانی اول،

۲. پایان جنگ جهانی دوم،

۳. آغاز دهه ۱۹۶۰،

۴. دهه ۱۹۸۰.

در دهه ۱۹۸۰ متوسط برپایی کانون‌های تفکر در هر سال تعداد ۳۵ مؤسسه بوده است که این دهه را در صدر رشد شمار کانون‌های تفکر در آمریکا در محدوده تاریخی بررسی شده (حدود صد سال) قرار می‌دهد. برعکس در طول آخرین دهه کاهشی شدید در میزان تأسیس کانون‌های تفکر در هر سال مشاهده می‌شود. دلیل این کاهش به روشنی مشخص نیست و لازم است علل آن در پژوهش‌های آتی روشن شود. هرچند که به‌طور شهودی می‌توان اشاره کرد که بخشی از جواب به اثر ازدحام خروج^۱ مربوط است که بر اساس آن مجاری اثرگذاری بر سیاست‌های جدید بر هزینه کانون‌های تفکر ترجیح داده می‌شود و میزان آن به قدری فراوان است که تازه واردها باید برای یافتن جایی برای خود تلاش کنند. به علاوه رکود اقتصادی اخیر و مشکلات مربوط به تأمین بودجه به‌طور حتم اثر سوئی بر ظهور کانون‌های تفکر جدید دارد، ضمن اینکه برای مؤسسات نو ظهور رقابت با سازمان‌های پایدار و تثبیت شده‌تر مشکل خواهد بود.

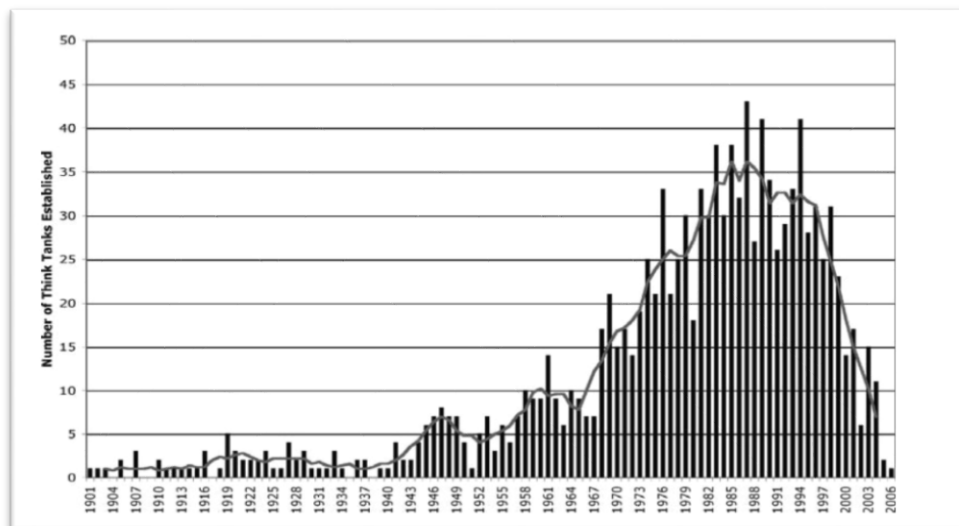
طبق آخرین مطالعه انجام شده در سال ۲۰۱۴ شمار کانون‌های تفکر در آمریکا ۱۸۳۰ مؤسسه بوده است.

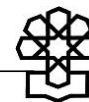
۱. Crowding out effect اثر برون‌رانی، اثر جایگزینی، اثر جبرانی؛ وضعیتی که در آن کسر بودجه دولتی موجب می‌شود سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش یابد.

جدول ۱. رشد بودجه برخی از کانون‌های تفکر ایالات متحده از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۵ و از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲

نام کانون تفکر	بودجه سال ۱۹۸۳ (میلیون دلار)	بودجه سال ۲۰۰۵ (میلیون دلار)	میزان رشد (درصد)	بودجه سال ۲۰۰۵ (میلیون دلار)	بودجه سال ۲۰۱۲ (میلیون دلار)	میزان رشد (درصد)
مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل	۷/۵	۲۷/۱	۲۶۱	۲۷/۱	۳۰/۱	۱۱
مؤسسه پژوهش‌های سیاسی منهن	۰/۹۲۵	۸	۷۶۵	۸	۱۱/۱	۳۸
مؤسسه کاتو	۱/۳	۱۴	۱۰۵۴	۱۵	۲۱/۷	۵۵
شورای روابط خارجی	۶/۶	۳۱/۳	۳۷۴	۳۱/۳	۵۰/۷	۶۱
مؤسسه بروکینگز	۱۳	۴۱/۵	۲۱۹	۴۱/۵	۹۰/۴	۱۱۸
بنیاد هریتیج	۸/۷	۳۷/۶	۳۳۲	۳۷/۶	۸۰/۳	۱۱۳
مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل	۷/۵	۲۷/۱	۲۶۱	۲۷/۱	۳۰/۱	۸۰
مؤسسه هوور	۹/۳	۳۰/۷	۲۳۰	۳۰/۷	۳۷/۱	۲۰
مؤسسه اقتصاد بین‌الملل	۱/۳	۸	۵۱۵	۸	۱۱/۳	۴۱

نمودار ۱. شمار کانون‌های تفکر تأسیس شده در هر سال را نشان می‌دهد. (از سال ۱۹۰۱ تا ۲۰۰۶)





تعریف کانون تفکر

کانون‌های تفکر یا مؤسسات پژوهنده، تحلیلگر و درگیر در سیاست‌های بخش عمومی، سازمان‌هایی‌اند که پژوهش‌ها، تحلیل‌ها و مشاوره‌های سیاست‌گرایانه‌ای (سیاست‌محور) برای موضوعات داخلی و بین‌المللی تولید می‌کنند تا سیاستگذاران و عموم را برای اتخاذ تصمیماتی که پشتوانه اطلاعاتی مناسبی دارند، یاری کنند.

درو^۱ کانون‌های تفکر را «سازمان‌های سیاست‌پژوه، طراح و تحلیلگر» معرفی می‌کند، در حالی که ویور^۲ آنها را «سازمان‌های غیرانتفاعی فعال در زمینه سیاست‌گذاری عمومی» تعریف می‌کند. فیشر^۳ نیز از کانون‌های تفکر به‌عنوان «خبرگان سیاسی» و «سازمان‌های ارائه‌کننده مشاوره در زمینه سیاست‌گذاری» نام می‌برد.

کانون‌های تفکر ممکن است وابسته به احزاب سیاسی، حکومت‌ها، گروه‌های فشار یا بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های خصوصی و یا نهادی مستقل و بدون وابستگی به حکومت (سمن یا NGO) باشند. این مؤسسات اغلب مانند پلی میان جوامع دانشگاهی و سیاستگذاران و به‌عنوان صدایی مستقل که پژوهش‌های کاربردی و بنیادی را به زبان و قالبی که قابل فهم، اعتماد و در دسترس سیاستگذاران و عموم مردم باشد، ارائه می‌کنند.

کانون‌های تفکر برخلاف هیئت‌ها یا گروه‌های پژوهشی که ساختاری موقت دارند، دارای ساختاری دائمی بوده و بخش مهمی از منابع مالی و انسانی خود را برای تولید و نشر پژوهش و انجام تحلیل‌های سیاسی در زمینه علوم اجتماعی، علوم سیاسی، اقتصاد، مدیریت بخش عمومی و امور بین‌الملل به‌کار می‌گیرد.

خروجی و برون‌داد اصلی این سازمان‌ها عبارتند از: کتاب، جزوه، مقاله، گزارش‌ها، خلاصه‌های سیاستی، همایش‌ها، گردهمایی‌ها، جلسات توجیهی و بحث‌های غیررسمی با سیاستگذاران، مقامات رسمی حکومتی و دیگر ذی‌نفعان کلیدی.

دسته‌بندی کلی کانون‌های تفکر

کوشش برای تعریف یا دسته‌بندی کانون‌های تفکر مباحثی را در خصوص معنی اصطلاحات پایه‌ای چون پژوهش‌های بخش عمومی، کانون تفکر و مدافعه^۴ مطرح می‌کند.

آیا کانون‌های تفکر نهادهایی آکادمیک (دانشگاهی)، مشاوره‌ای یا مدافعه‌ای‌اند؟ آیا بدون انجام امور مشاوره و مدافعه کانون‌های تفکر می‌توانند نهادهایی مؤثر و تأثیرگذار باشند؟

1. Dror, 1984.
2. Weaver, 1989.
3. Fischer, 1991.
4. Advocacy

این مباحث بازتاباننده تنش ذاتی میان جهان عقاید و سیاست و یا برخورد فرهنگ آکادمیک و سیاسی است. دسته‌بندی‌های زیر به منظور نشان دادن این تفاوت‌هاست تا بتوان با آگاهی بیشتری مباحث جدید را مطرح کرد.

کانون‌های تفکر در ایالات متحده یکی از شکل‌های زیر را دارند:

۱. **کانون‌های تفکر سنتی:**^۱ منابع خود را منحصرأ در زمینه پژوهش‌های علمی و سیاسی متمرکز می‌کنند. مانند مؤسسه هوور^۲ و مرکز وودرو ویلسون (مرکز دانش پژوهان وودرو ویلسون)^۳.
 ۲. **کانون‌های تفکر و اقدام:**^۴ پژوهش و تحلیل‌های سیاسی و آگاهی‌رسانی عمومی انجام می‌دهند. مانند مؤسسه بروکینگز،^۵ مؤسسه صلح بین‌الملل کارنگی،^۶ مؤسسه سیاست‌های اقتصادی،^۷ مؤسسه آمریکن انترپرایز،^۸ بنیاد هریتیج.^۹
 ۳. **کانون‌های اقدام:**^{۱۰} همه انرژی خود را صرف بسته‌بندی مجدد و انتشار عقاید و ایده‌ها و پیشنهادهای سیاستی دیگر کانون‌های تفکر می‌کنند. مانند مؤسسه دمس،^{۱۱} مرکز پژوهشی سرمایه^{۱۲} و بنیاد کنگره آزاد.^{۱۳}
- با وجود ویژگی‌های فوق، این مؤسسات در نوع وابستگی، ساختار سازمانی و فرهنگی و گرایش‌های فلسفی خود نیز تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند.

انواع وابستگی در کانون‌های تفکر

در بسیاری از کشورها کانون تفکر به‌طور سنتی و رسمی وابسته به حکومت‌ها، احزاب سیاسی و بنگاه‌های اقتصادی‌اند و بودجه آنها نیز به‌طور کامل از همین راه تأمین می‌شود. برخلاف این رویه در ایالات متحده گرایش به سوی کانون‌های تفکر مستقل، بدون وابستگی و غیرحکومتی است که از فکر، بودجه و امور قانونی مستقلی برخوردارند. توانایی ایجاد موقعیتی مستقل از حکومت یا بنگاه‌های اقتصادی عاملی است

-
1. Traditional Think Tank
 2. Hoover Institute
 3. Woodrow Wilson Center for Scholars
 4. Think and Do Tanks
 5. Brookings Institute
 6. Carnegie Endowment for International Peace
 7. Economic Policy Institute
 8. American Enterprise Institute
 9. Heritage Foundation
 10. Do Tanks
 11. Demos
 12. Capital Research Center
 13. Free Congress Foundation



که سازمان‌های مردم‌نهاد^۱ را بازیگران کلیدی جامعه مدنی ساخته است و در جامعه برای آنها اعتبار والایی کسب کرده است.

در ایالات متحده گرایش به سوی کانون‌های تفکر مستقل است حال آنکه در دیگر کشورهای جهان کانون‌های تفکر عمدتاً وابسته به احزاب سیاسی، حکومت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی‌اند. هرچند که شمار کانون‌های تفکر مستقل در دیگر کشورهای جهان در حال افزایش است، زیرا منافع و فایده پژوهش‌ها و تحلیل‌های مستقل در بخش عمومی روشن شده است.

استقلال یا فقدان آن در کانون‌های تفکر نقش اساسی در بی طرفی و در نهایت اعتبار این مؤسسات دارد. در حالی که کانون‌های تفکر وابسته به احزاب سیاسی در ایالات متحده تقریباً وجود ندارند، در میان کشورهای اروپایی الگوی قالب است. با وجود این ایالات متحده کانون‌های تفکر دیگری نیز دارد که وابسته به کنگره، سازمان‌های اطلاعاتی، دانشگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی‌اند.

فصل دوم - ویژگی‌های کانون‌های تفکر

ویژگی‌های سازمانی کانون‌های تفکر مستقل

کانون‌های تفکر مستقل سازمان‌های خودگردانند که توسط مردم و از طریق مشارکت‌های خصوصی پشتیبانی می‌شوند. برخی از کانون‌های تفکر مستقل ممکن است کمک‌ها و اعتباراتی را نیز از سوی حکومت دریافت کنند، ولی اکثریت قریب به اتفاق آنها این کمک‌ها را دریافت نمی‌کنند. کانون‌های تفکر مستقل شامل ۴ نوع سازمان ویژه‌اند:

۱. کانون‌های تفکر آکادمیک - چند تخصصی و آکادمیک - تک تخصصی،^۲
۲. سازمان‌های پیمانکاری پژوهشی،^۳
۳. کانون‌های تفکر مدافع‌های،^۴
۴. بنگاه سیاست.^۵

کانون‌های تفکر آکادمیک - چند تخصصی

کانون‌های تفکر آکادمیک - چندتخصصی گرایش به انجام پژوهش و تحلیل در گستره وسیعی از موضوعات سیاستی در حوزه‌های (نه محدود به آنها)؛ علم اقتصاد، سیاست خارجی و محیط زیست دارند. علاوه بر این موضوعات آنها به‌طور معمول:

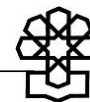
1. سمن یا NGO
2. Academic-diversified & Academic-Specialized
3. Contract Research Organization
4. Advocacy
5. Policy Enterprise

۱. برای جامعه دانشگاهی اعتبار، پشتیبانی و نفوذ فراهم کرده و باعث ایجاد حس احترام به پژوهشگر و پژوهش علمی می‌شوند.
 ۲. شبیه مؤسسات دانشگاهی و آکادمیک ولی معروف به دانشگاه‌های بدون دانشجو هستند.
 ۳. کارکنان این مؤسسات استادان و پژوهشگران دانشگاهی‌اند.
 ۴. با فرهنگ و ساختار سازمانی که شبیه دانشگاه است شناخته می‌شوند.
 ۵. رشته‌ها و تخصص‌های علمی دانشگاهی را دنبال می‌کنند.
 ۶. پژوهش‌های آنها افق‌های زمانی بلندمدت‌تری دارند.
 ۷. به جای گزارش‌های و خلاصه تحلیل‌های سیاستی، جزوه و مقاله، مقالات نشریه‌ای و مطالعاتی که تعداد صفحات آنها به اندازه یک کتاب‌اند را تولید می‌کنند.
 ۸. الگوهای مدیریتی دانشگاهی را که براساس اجماع در تصمیم‌گیرهاست، دنبال می‌کنند.
 ۹. دستمزدها و پاداش‌هایی که به کارکنان پرداخت می‌شود مانند مؤسسات دانشگاهی است.
- برخی از کانون‌های تفکر آمریکایی که می‌توان این ویژگی‌ها را در آنها دید عبارتند از: مؤسسه بروکینگز، مؤسسه آمریکن انترپرایز، مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل.^۱
- یکی از پژوهشگران مؤسسه بروکینگز می‌گوید: «ما پژوهش‌ها را برای سیاستگذاران انجام می‌دهیم، ولی توسط دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها خوانده می‌شود. ما پیرو موضوعات مورد بحث در زمینه قانونگذاری در کنگره و کاخ سفید نیستیم».

کانون‌های تفکر آکادمیک - تک تخصصی

- کانون‌های تفکری که در زمینه علمی خاصی فعالیت می‌کنند در بسیاری از ویژگی‌های خود مانند کانون‌های تفکری‌اند که در حوزه‌های تخصصی گوناگون و متنوع فعالند، هر چند که دامنه و تنوع این تخصص‌ها نیز در این قبیل مؤسسات متفاوت است. کانون‌های تفکر آکادمیک تک‌تخصصی برنامه پژوهشی محدودتر و مشتری محدودتری نیز دارند و به‌طور کلی روی شاخه علمی خاصی مانند اقتصاد یا زیر شاخه‌های آن مانند اقتصاد بین‌الملل متمرکزاند. همچنین این مؤسسات گرایش به تمرکز بر تک موضوعات (موضوعات منفرد) یا حوزه‌های مشخص در زمینه سیاست‌های بخش عمومی از قبیل، تجارت بین‌الملل، حقوق و اقتصاد، مهاجرت و یا اصلاحات رفاهی دارند. با وجود شباهت کانون‌های تفکر تک‌تخصصی به کانون‌های تفکر با تخصص‌های متنوع این مؤسسات ویژگی‌های خاصی نیز دارند. مانند:
۱. تفاوت‌های که به دلیل درجه ویژه کاریشان (میزان تخصصی بودن فعالیت‌ها) دارند.
 ۲. دارای دستورکار پژوهشی، تأمین‌کنندگان مالی و مشتریان مشخص و ویژه‌اند.

1. The Center for Strategic and International Studies (CSIS)



۳. دستور کار پژوهشی تک موضوعه و محدود (در زمینه خاص و دامنه مشخص) دارند.
نمونه این گونه از کانون‌های تفکر در ایالات متحده عبارتند از: اداره ملی تحقیقات اقتصادی^۱،
مؤسسه راهبردهای اقتصادی^۲ و مؤسسه اقتصاد بین‌الملل^۳.

سازمان‌های پژوهشی - مشاوره‌ای پیمانکاری

سازمان‌های پژوهشی - پیمانکاری که با نام مؤسسات مشاوره‌ای پیمانکاری نیز شناخته می‌شوند، اکثر پژوهش‌ها و تحلیل‌های خود را برای سازمان‌های دولتی انجام می‌دهند. این مؤسسات عموماً ویژگی‌های زیر را دارند:

۱. سازمان‌های مستقل و غیرانتفاعی که عضویت در هیئت مدیره آنها داوطلبانه است.
۲. گرایش سیاسی و ارتباط نزدیکی با سازمان‌های دولتی دارند.
۳. متکی به قراردادهای دولتی‌اند.
۴. به عنوان مشاوران سیاسی - برنامه‌ریزی خدمت می‌کنند.
۵. تحلیل‌های کمی ارائه می‌کنند.
۶. تمایل به انجام تحلیل‌های سیاسی به جای پژوهش دارند.
۷. پژوهشگران اختیار و آزادی محدودی برای انتخاب و تدوین دستورکار پروژه - پژوهش دارند و عناوین و دستورکار اغلب توسط سازمان کارفرما (سازمان دولتی) مشخص می‌شود.
۸. پژوهش‌های تولیدی و یافته‌ها جزء دارایی‌های سازمان دولتی است (کارفرما) و هیچ‌گونه تعلق به مؤسسه پژوهشی (پیمانکار) و پژوهشگر ندارد.
۹. کارهای تولیدی عمدتاً (اما نه منحصرأ) متعلق به سازمان دولتی (کارفرما) است و امکان توزیع و نشر آن بدون موافقت این سازمان‌ها وجود ندارد.
۱۰. تولیدات پژوهشی بازتاباننده شیوه‌های پژوهش (متدولوژی) سازمان کارفرما است.
۱۱. این کانون‌های تفکر اغلب در حوزه‌های علمی مختلف فعالیت می‌کنند.
۱۲. ساختار سازمانی و فرهنگی شرکت‌های مشاوره‌ای را دارند.
۱۳. دارای نظام پرداخت مالی، جدول زمانی تولید و محصولاتی است که جزئیات آن در قرارداد معین شده است.

1. The National Bureau of Economic Research (NBER)
2. The Economic Strategy Institute
3. The Institute for International Economics

نمونه سازمان‌های یاد شده در آمریکا مؤسسه رند^۱ است که نامش سرنام عبارت «پژوهش و تحقیق»^۲ به زبان انگلیسی است. این مؤسسه به‌عنوان کانون تفکر در زمینه امور دفاعی کار خود را آغاز کرد و هم اکنون قراردادهای گسترده و متنوعی با دولت دارد. سازمانی دیگر از نوع کانون‌های تفکر آکادمیک تک تخصصی؛ مؤسسه اربن یا مؤسسه شهری^۳ است که برای طراحی و مدیریت برنامه اجتماعی «جامعه بزرگ»^۴ تأسیس شد.

کانون‌های تفکر مدافعه‌ای

کانون‌های تفکر مدافعه‌ای را می‌توان در موقعیت‌های زیر دید:

۱. استدلال و ارائه دلیل برای نتایج خاصی که مبتنی بر موقعیت‌اند (سیاسی، زمانی و...) در برابر تحلیل‌های بدون چارچوب و غیرمبتنی بر موقعیت (مانند تحلیل‌های صرفاً علمی).
 ۲. به‌کارگیری روش‌های علمی عمدتاً برای نفوذ بر سیاست‌ها در جهتی که از نظر ایدئولوژیک ترجیح داده می‌شود.

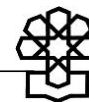
۳. تمرکز بر ایده‌های بازاری به جای پژوهشی.

از آنجا که روش علمی به‌طور کلی برای کانون‌های تفکر مشروعیتی از پیش انگاشته‌ای را فراهم می‌آورد، کانون‌های تفکر مدافعه‌ای اغلب در تقابل با معیارهای بی‌طرفی تصور می‌شوند. در نتیجه اگر کانون تفکری مدافعه‌ای به‌نظر رسد می‌تواند اعتبارش به خطر افتد، بنابراین برای کانون‌های تفکر ضرورت دارد که یک تعامل متعادل میان نظام سیاسی و روش علمی برقرار کنند.
 کانون تفکر می‌تواند از مشروعیتی که مدافعه‌ای بودن در میان هواداران ایدئولوژی خاصی ایجاد می‌کند سود ببرد. این رویکرد شاید برای افزایش تأمین مالی ضروری باشد، ولی می‌تواند برای سازمانی با مأموریت و دستور کار پژوهشی تأثیر ناهنجاری داشته باشد.

برخی دیگر از ویژگی‌های مشترک کانون‌های تفکر مدافعه‌ای عبارت است از:

۱. مأموریتی که با ایدئولوژی، اخلاق یا جهان‌بینی حزبی تعریف می‌شود.
۲. ترویج مستمر یک دیدگاه.
۳. داشتن هدفی محوری برای پیشبرد یک انگیزه، حوزه انتخابیه، ایدئولوژی یا حزب.
۴. پژوهش و تحلیل‌هایی که دارای گرایش شدید حزبی است.
۵. نیروی محرکه آن یک موضوع یا مسئله، فلسفه، حوزه انتخابیه است.
۶. برای تبلیغ و ترویج عقاید خود سازماندهی شده است.

1. RAND
 2. Research And Development
 3. The Urban Institute
 4. The Great Society



۷. رد رویکردهای روش آکادمیک و فن‌سالارانه (تکنوکراتیک) برای انجام تحلیل‌های سیاستی.
 ۸. پرداخت دستمزد براساس توانایی افراد برای پیشبرد انگیزه‌های مؤسسه.
 ۹. ارزیابی کارکنان از طریق تعیین میزان تعهد و التزام آنان به ایدئولوژی مؤسسه به جای در نظر گرفتن میزان اعتبار آکادمیک یا تعداد مقالات منتشره.
 ۱۰. خروجی مؤسسه براساس اینکه با رأی‌دهندگان حوزه‌های انتخابیه تا چه اندازه ارتباط برقرار می‌شد (تعامل، همسویی، همکاری، بازتاباندن نظرات آنان و...) و یا تا چه میزان موجبات پیشبرد فلسفه‌ای خاصی فراهم آمده باشد ارزیابی می‌شود.
 ۱۱. فرهنگ و ساختار سازمانی که شبیه سازمان‌های مدافع‌های است.
- مثال این‌گونه از کانون‌های تفکر عبارت است از: مؤسسه کاتو،^۱ مؤسسه شهروندان اقتصاد سالم^۲ و مؤسسه مطالعات سیاسی.^۳

کانون‌های تفکر بنگاه سیاست^۴

کانون‌های تفکر بنگاه سیاست گروه‌هایی هستند که رویکرد مبتنی بر کسب‌وکار و بازاری به تحلیل‌ها و مشاورها دارند. بدین جهت این‌گونه از مؤسسه‌ها مشابه کسب‌وکارهایی که قصد آنها شناخت بازار مربوط به خود و توسعه آن و نیز توزیع کالای خود در آن است، عمل می‌کنند. البته میان این مؤسسات و کانون‌های تفکر مدافع‌های به‌دلیل نوع مدیریت و رویکرد بازارگرایانه آنها می‌باید تمایز قائل شد. این مؤسسه‌ها سیاستگذاران را مانند مشتریانی که نیازها و ترجیحات ویژه‌ای دارند می‌بینند. بنابراین بنگاه‌های سیاست سازمان‌های ویژه‌ای برای تولید، بسته‌بندی و توزیع و انتشار عقاید سیاسی و پیشنهادها به بازار مربوطه یا بخشی از آن می‌باشند.

این‌گونه از کانون‌های تفکر ویژگی‌های زیر را دارا می‌باشند:

۱. با اثربخشی و کارایی یک شرکت سازماندهی می‌شود.
۲. شیوه‌ها و قواعد مدیریت، بازاریابی و فروش را برای پژوهش‌های سیاستی بخش عمومی به کار می‌برد.
۳. استدلال می‌کنند که گرایش سایر گونه‌های کانون‌های تفکر اشتباه است، زیرا نگاه آکادمیک آنها موجب می‌شود که نتوانند نیازهای سیاستگذاران را تشخیص دهند.
۴. فهم، شکل‌دهی و تدوین پژوهش‌ها به‌گونه‌ای است که نیازهای دیوان‌سالاران، سیاستمداران و سیاستگذاران پر مشغله را برآورده کند.

1. Cato Institution
2. Citizens for Sound Economies
3. Institute for Policy Studies
4. Policy Enterprise

۵. تولید مطالعات و پژوهش‌های کوتاه‌مدت که تمرکز آنها بر نگرانی‌های حوزه‌های قانونگذاری و سیاستی جاری است.
۶. محصولات منتشر شده از سوی این مؤسسه‌ها کیفیتی شبیه به مطالب و مقالات روزنامه‌ها دارد.
۷. مؤسسه دارای برنامه زمانبندی دقیق برای خروجی‌ها و محصولات خود است.
۸. فرهنگ و فرهنگ سازمانی شبیه به سازمان‌های بازاریابی دارد.
۹. پاداش به کسانی که بتوانند براساس جدول زمانی عمل کنند و خلاصه سیاستی عمل‌گرایانه تولید کنند، تعلق می‌گیرد.
- برای نمونه این گونه از کانون‌های تفکر می‌توان به بنیاد هریتیج^۱ و مرکز پیشرفت آمریکا^۲ اشاره کرد. جدول ۲، نمونه‌هایی را برای کانون‌های تفکر مستقل، زمان تأسیس، و مدل سازمانی کلی آنها در ایالات متحده نمایش می‌دهد.

ویژگی‌های سازمانی کانون‌های تفکر وابسته

کانون‌های تفکر وابسته سازمان‌های پژوهنده در زمینه سیاست‌های بخش عمومی‌اند که از طرق مدیریتی، مالی یا قانونی به یک سازمان وابسته‌اند.

میان کانون‌های تفکر و سازمان‌های دیگر چهار گونه وابستگی حزبی، وابستگی به حمایت دولتی، وابستگی خصوصی، انتفاعی و وابستگی به دانشگاه وجود دارد.

کانون‌های تفکر با وابستگی حزبی

کانون‌های تفکر با وابستگی حزبی به‌طور رسمی وابسته به یک حزب سیاسی‌اند. کانون‌های تفکر حزبی اغلب دارای گروه‌های پژوهشی و تحلیلی‌اند که فعالیت آنها تولید و سروکار داشتن با ایده‌ها و عقاید، سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که می‌توانند در طی یک کارزار انتخاباتی یا زمانی که دولت در اختیار حزب مربوطه قرار دارد به‌عنوان دستور کار حزب تلقی شود. این گونه از کانون‌های تفکر به‌طور مستقیم با رهبری حزب مرتبط‌اند. آنها به‌طور معمول:

- مسئول توسعه و بسط ایده‌ها و عقاید، سیاست‌ها و برنامه‌هایی‌اند که زیرساخت و خط‌مشی سیاسی حزب خواهد شد.
- بیشتر در میان کشورهای اروپایی یافت می‌شوند. یعنی جایی که همه احزاب سیاسی اصلی کانون تفکری دارند که به علایق حزب خدمت می‌کنند.
- دستور کار پژوهشی دارند که با علایق و فلسفه حزب یا رهبر آن محدود می‌شود.



جدول ۲. ساختار سازمانی و فرهنگ کانون‌های تفکر

سیاست‌های بخش عمومی مستقل

نوع ساختار	تاریخ تأسیس	سازمان
آکادمیک - چندتخصصی	۱۹۱۶	مؤسسه بروکینگز
آکادمیک - تک‌تخصصی	۱۹۲۰	اداره ملی پژوهش‌های اقتصادی
مشاوره‌ای - پیمانکاری	۱۹۴۸	مؤسسه رند
مدافعه‌ای	۱۹۶۳	مؤسسه مطالعات سیاسی
بنگاه سیاست	۱۹۷۳	بنیاد هریتیج

در ایالات متحده آمریکا تنها کانون تفکری که وابستگی حزبی دارد مؤسسه سیاست‌های مترقی^۱ است. این مؤسسه که در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد به‌عنوان بازوی پژوهشی شورای رهنبری دموکراتیک^۲ عمل می‌کند که یک گروه دموکراتیک میانه‌رو است که چارچوب فکری و سیاستی کارزار انتخاباتی بیل کلینتون را فراهم می‌کرد و پس از پیروزی و در طول دوره ریاست‌جمهوری ایشان نیز قول‌های انتخاباتی داده شده را پیگیری کرد. دموکرات‌های برجسته مانند بیل کلینتون و آل‌گور تا زمان آغاز به کارشان در این مؤسسه فعال بودند.

کانون‌های تفکر مورد حمایت حکومت

کانون‌های تفکر حکومتی بخشی از دستگاه رسمی حکومتی محسوب می‌شوند. این سازمان‌ها گروه‌های پژوهشی سیاستی درونی‌اند که برای حوزه‌های قانونگذاری و اجرایی دولت و براساس عناوین تعیین شده، اطلاعات، تحلیل‌ها و پژوهش فراهم می‌آورند. پژوهش‌های این نوع کانون‌های تفکر عموماً مرتبط با موضوعات قانونگذاری و سیاسی جاری‌اند.

کانون‌های تفکر مستقر در حوزه اجرایی فقط یک کارفرما (دولت) دارند و آن رئیس‌جمهور یا وزیر است. درحالی که در حوزه قانونگذاری؛ این مؤسسات دستور کارهای متعدد و علایق متنوع و گوناگونی را پشتیبانی می‌کنند.

آنها معمولاً:

- برای خدمت به حکومت سازماندهی شده‌اند.
- دستگاه سیاستگذاری را که به‌طور روزانه عمل می‌کند پشتیبانی می‌کنند.
- از سوی دستور کار حکومت محدود می‌شوند.

نمونه کانون تفکر مورد حمایت حکومت آمریکا مؤسسه خدمات پژوهشی کنگره^۱ است که در سال ۱۹۱۴ بنیانگذاری شد. این مؤسسه بخشی از کتابخانه کنگره آمریکا بوده و بازوی مستقیم حکومت است. این مؤسسه خدمات پژوهشی مستقل و بدون وابستگی به احزاب سیاسی را برای کنگره و سازمان‌های دولتی فراهم می‌کند.

کانون‌های تفکر خصوصی، انتفاعی

کانون‌های تفکر خصوصی، انتفاعی؛ تحلیل‌های سیاسی، ارزیابی برنامه‌ها و پژوهش‌ها را در مقابل دریافت پول انجام می‌دهند. تفاوت اساسی میان این سازمان‌ها و کانون‌های تفکر غیرانتفاعی مانند مؤسسه رند این است که تیم ریاستی کانون‌های تفکر غیرانتفاعی افرادی مستقل‌اند که از سوی جامعه پشتیبانی می‌شوند. به‌ویژه اینکه براساس قوانین اگر این‌گونه از مؤسسات تمایل داشته باشند تا از معافیت‌های مالیاتی دولت آمریکا بهره‌مند شوند لازم است از مشارکت گسترده بخش خصوصی برخوردار باشند. به‌طور معمول:

- کادر پژوهشی و سازماندهی آنها شبیه کانون‌های تفکر غیرانتفاعی است و اغلب همان خدمات را نیز ارائه می‌دهند، ولی به شرط خدمت در برابر دریافت پول.

- بسیاری از شرکت‌های برجسته در زمینه حسابداری در ایالات متحده برای سازمان‌های دولتی پیمانکار خود همچنین خدمات مشاوره‌ای که شامل مدیریت، ارزیابی برنامه‌ها و سیاست‌های اصلی‌شان است را نیز فراهم می‌کنند.

نمونه کانون‌های تفکر خصوصی، انتفاعی در ایالات متحده مؤسسه پژوهشی استنفورد^۲ است که در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد. این مؤسسه پژوهش‌ها و تحلیل‌های خود را در مقابل دریافت پول انجام می‌دهد و همچنین شرکت مشاوره‌ای است که در امر ارزیابی پژوهش، تحلیل و برنامه متخصص است.

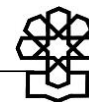
کانون‌های تفکر وابسته به دانشگاه

این کانون‌های تفکر به‌طور رسمی وابسته به دانشگاه یا کالج‌اند و اغلب تحت عنوان مراکز و مؤسسه‌های متمرکز بر مطالعات علوم اجتماعی دیده می‌شوند. آنها به‌طور معمول:

- با یکی از دپارتمان‌های دانشگاهی مرتبط‌اند. هر چند که برخی از آنها ضمن اینکه واحدی مستقل در دانشگاه‌اند، ولی کارکنانشان اغلب از دپارتمان‌های دانشگاهی جذب می‌شوند.

1. Congressional Research Service

2. The Stanford Research Institute



- در دانشگاه‌ها بیشتر در دپارتمان‌های علوم سیاسی، امور بین‌الملل، اقتصاد، تاریخ و سیاست‌های بخش عمومی دیده می‌شوند.

- خروجی‌های آنها کمتر نگران تحلیل مشکلات و مسائل سیاستی است و آنها دانش را صرفاً برای خود دانش تولید می‌کنند.

نمونه کانون‌های تفکر وابسته به دانشگاه در ایالات متحده مرکز پژوهش‌های آسیا و اقیانوس آرام^۱ است که در دانشگاه استنفورد در سال ۱۹۷۷ تأسیس شد. تولیدات این مرکز در زمینه‌هایی که اهمیت همیشگی و پایداری دارند چون اقتصاد، سیاست، راهبردهای فناوری و موضوعات اجتماعی متمرکز است. این مرکز در درون مؤسسه مطالعات بین‌المللی دانشگاه استنفورد^۲ سازماندهی شده است. سمت و سوی امور پژوهشی این مؤسسه به‌طور مستقیم به سوی مخاطبان آکادمیک است، ولی مزایای رو به پایینی نیز به سوی سیاستگذاران دارد. جدول ۳، نمونه‌هایی را برای کانون‌های تفکر وابسته، تاریخ تأسیس و الگوی سازمانی‌شان در آمریکا ارائه می‌دهد.

کانون‌های تفکر ترکیبی

ایالات متحده متنوع‌ترین گونه‌های کانون‌های تفکر در جهان را داراست. شماری از این مؤسسات ترکیبی‌اند. یعنی از دو یا چندگونه کانون تفکر که پیشتر از آنها یاد شد ترکیب شده‌اند. دو گونه از این مؤسسه‌ها کانون‌های تفکر ایالتی و شخصی‌اند. کانون‌های تفکر ایالتی مؤسساتی هستند که حوزه فعالیت‌های مطالعاتی و پژوهشی آنها صرفاً در محدوده ایالت‌هایی است که در آن مستقراند. در بخش مربوطه به‌طور مبسوط این‌گونه از مؤسسه‌ها تشریح خواهد شد.

کانون‌های تفکر شخصی یا موروثی مؤسساتی هستند که توسط افراد ثروتمند، مقامات رسمی مشتاق یا مقامات منتخب سابق (نمایندگان کنگره و رؤسای جمهور و وزرا) که پس از ترک پست‌های پیشین آرزوی پیشبرد اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیک خود را دارند بر پا می‌شود.

جدول ۳. کانون‌های تفکر سیاست‌های بخش عمومی وابسته، ساختار سازمانی و فرهنگ آنها

نوع ساختار	تاریخ تأسیس	سازمان
حزب سیاسی	۱۹۸۹	مؤسسه سیاست‌های متری
حکومت	۱۹۱۴	خدمات پژوهشی کنگره
خصوصی، انتفاعی	۱۹۴۶	مؤسسه پژوهشی استنفورد
آکادمیک	۱۹۷۷	مرکز پژوهش‌های آسیا اقیانوس آرام

1. The Asia Pacific Research Center

2. The Stanford University's Institute for International Studies

فصل سوم - ساختار سازمانی و نیروی انسانی

در ایالات متحده، عرف کانون‌های تفکر بزرگ این گونه است که توسط یک رئیس یا افسر (مدیر) ارشد اجرایی^۱ اداره شود. فرد مزبور ضمن اینکه ویتترین و چهره عمومی مؤسسه است، در عین حال به‌عنوان سخنگوی ارشد، کسب‌کننده بودجه و استراتژیست نیز مطرح است. برای کسب موفقیت در این سمت فرد مزبور باید دارای استعدادهای مافوق عادی مانند اعتبار دانشگاهی محکم، تجربه در زمینه مدیریت و روابط عمومی و همچنین دانایی و زیرکی سیاسی باشد.

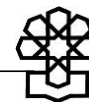
رئیس کانون تفکر به‌طور مستقیم پاسخگوی هیئت امنا یا هیئت رئیسه بوده و به آنها ارائه گزارش می‌کند. بیشتر رؤسای کانون‌های تفکر زمان کاری خود را در بیرون از مؤسسه و برای اموری چون گفتگو، جلسات، جذب و فراهم آوردن بودجه مورد نیاز می‌گذرانند و امور اجرایی را به دیگر مدیران ارشد می‌سپارند. این رؤسا از سوی یک یا چند معاون رئیس یا مدیران پژوهشی پشتیبانی می‌شوند.

هیئت رئیسه کانون‌های تفکر شامل شخصیت‌های برجسته در زمینه‌های اقتصادی، امور مالی و دانشگاهیان، اعضای پیشین کاخ سفید و کنگره و در برخی موارد اعضای دیگر کانون‌های تفکر خواهند بود. اعضای هیئت رئیسه به‌طور داوطلبانه خدمت می‌کنند و مسئول انتصاب رئیس کانون، تصویب بودجه، توسعه طرح‌های بلندمدت و اطمینان از انطباق برنامه‌ها با مأموریت‌های سازمان و همچنین حفظ استقلال آنند. به علاوه یکی از مهمترین وظایف هیئت رئیسه جذب بودجه و منابع مالی است، وظیفه‌ای که در محیط و شرایط فعلی فعالیت کانون‌های تفکر کلیدی است.

جدول ۴. مقایسه ویژگی‌های کانون‌های تفکر مستقل و وابسته

نوع کانون تفکر	فرهنگ	اهداف	محدودیت‌ها	حوزه خدمت‌رسانی	مؤسسه نمونه
آکادمیک	پژوهشی آکادمیک	وارد کردن دانش به سیاست‌های بخش عمومی	رویکرد نظری به مسئله، همیشه مرتبط با سیاستگذاری نیست	آکادمیک و سیاستگذاران	مؤسسه بروکینگز
مشاوره‌ای پیمانکاری	تکنوکراتیک	خدمت به حکومت	نظام و رویکرد کمی به تحلیل سیاستی قابلیت تعمیم به همه مسائل سیاستی و اولویت‌های مورد نظر مشتریان را ندارد	سازمان‌های حکومتی و بوروکرات‌ها	مؤسسه رند

1. Chief Executive Officer



نوع کانون تفکر	فرهنگ	اهداف	محدودیت‌ها	حوزه خدمت‌رسانی	مؤسسه نمونه
مدافع‌های	ایدئولوژیکی	تبلیغ ایدئولوژی ابراز عقیده	محدودیت‌های ایدئولوژیک و منافع محدود گروه	ایدئولوژی‌ها و مطالعات	مؤسسه سیاست
بنگاه سیاست	بازاری	بسته‌بندی و تبلیغ ایده برای بازار	گرایش پژوهش به علایق بازار (اهداکندگان و سیاستگذاران)	بازار	بنیاد هریتیج
انتفاعی	کسب و کار	گسترش مبتنی‌بر مشتری	منافع مشتری، رویکرد کسب‌وکارانه به پژوهش که موجب چشم‌پوشی از برخی ابعاد سیاست‌های عمومی می‌شود	بخش خصوصی	مؤسسه پژوهشی استنفورد
حزب سیاسی	سیاسی	پیروزی در انتخابات	چارچوب حزبی، عضویت حزبی گزینه‌های سیاسی را محدود می‌کند	حزب	مؤسسه سیاست‌های مترقی
حکومتی	بوروکراتیک	فراهم کردن اطلاعات برای تولیدات سیاستی	فرهنگ بوروکراتیک، دیدگاه قالب در قوای حکومتی و مشکل رقابت‌های اداری که برای گزینه‌های سیاستی و تحلیل‌ها محدودیت ایجاد می‌کند	قوای مجریه و مقننه	خدمات پژوهشی کنگره
دانشگاه	آکادمیک	پیشرفت دانش	آموزش و تولید دانش اولین اولویت است نه خط و مشی‌ها و سیاست‌های بخش عمومی	دانشگاهیان	مرکز پژوهش‌های آسیا اقیانوس آرام - دانشگاه استنفورد

چون بسیاری از اعضای هیئت مدیره جزء اهداکندگان مالی‌اند و هریک وابسته‌های مربوط به خود را نیز دارند (یعنی هریک به نوبه خود کمک‌ها را از این وابستگان کسب کرده و به مؤسسه تزریق می‌کنند)، بسیاری از مؤسسه‌ها سیاست‌هایی را در پیش می‌گیرند تا اطمینان دهند که همه تصمیمات و امور مالی مؤسسه برآمده از تضارب آرا و عقاید است.

همچنین بسیاری از کانون‌های تفکر هیئت مشاورانی را نیز دارند. در مؤسسه‌های آمریکن انترپرایز، هوور و بروکینگز اعضای این هیئت‌ها اغلب از پژوهشگران برخی دانشگاه‌های برجسته ایالات متحده تشکیل شده‌اند. البته در برخی مؤسسه‌ها نیز اعضای هیئت مشاوران از چهره‌های رده بالای اقتصادی،

سیاسی و همچنین اعضای کنگره‌اند. تعداد اعضای هیئت رئیسه در بین مؤسسات متفاوت است، ولی به‌طور متوسط تعداد این اعضا ۲۵ نفرند.

در ایالات متحده در میان جامعه کانون‌های تفکر نظام طبقه‌بندی پیچیده‌ای برای انواع متفاوتی از کارکنان تمام وقت و اعضای وابسته وجود دارد که از مؤسسه‌ای به مؤسسه دیگر نیز متفاوت است. به‌رغم این دامنه گسترده از عناوین، کارکنان پژوهشی عموماً با عناوینی چون پژوهشگر، تحلیلگر و پژوهشگر ارشد و غیره نامبرده می‌شوند. تمایزی نیز میان پژوهشگران مستقر (پژوهشگران در استخدام مؤسسه) و وابسته و همچنین پژوهشگران میهمان یا پاره‌وقت غیرمستقر وجود دارد (در جدول ۵ برخی از انواع کارکنان کانون‌های تفکر برجسته آمریکا به تفکیک پژوهشگران مستقر، میهمان و پاره‌وقت نشان داده شده است). اعضا یا پژوهشگران مستقر بخشی از کارکنان کانون‌های تفکر به‌شمار می‌روند که دارای دفتر یا اتاق کار بوده و عموماً استخدام تمام‌وقت بوده و قراردادهای ثابتی دارند.

از سوی دیگر اعضای غیرمستقر به شیوه پاره‌وقت یا حقوق ثابت استخدام می‌شوند و محل کار آنها می‌تواند هر جایی مانند دانشگاهی که در استخدام‌اند، محل کار ثابت و به شکل دورکاری از خانه باشد. اگرچه پژوهشگران وابسته یا پاره‌وقت جزء کارکنان تمام وقت کانون‌های تفکر نیستند با وجود این می‌توانند به‌طور منظم و مستمر برای چندین سال با یک یا چند مؤسسه از نزدیک همکاری کنند. نحوه پرداخت دستمزد به این اعضا هم وابسته به نوع کار بوده و در وضعیت‌های مختلف متفاوت است. قاعدتاً از پژوهشگران پاره‌وقت در حین انجام پروژه‌های مؤسسه پشتیبانی لجستیکی انجام شده و به آنها اتاق و تجهیزات اختصاص داده می‌شود.

در نهایت به پژوهشگران میهمان مبلغی به‌عنوان پژوهانه پرداخت می‌شود که معمولاً محدود به یک سال بوده و شامل دستمزد ثابت به اضافه فضای دفتری و پشتیبانی لجستیکی برای پیگیری پژوهش‌ها براساس برنامه کانون تفکر است.

برخی از این پژوهشگران میهمان ممکن است عضو ارتش، دولت یا صنعت باشند که کارفرمایان هزینه این همکاری را که به فرصت مطالعاتی مشهور است و به‌طور معمول چند ماه طول می‌کشد پرداخت می‌کنند.

مؤسسه رند به‌طور گسترده از این پژوهشگران وابسته استفاده می‌کند و در اداره ملی پژوهش‌های اقتصادی^۱ تقریباً همه پژوهشگران از نوع پژوهشگران وابسته‌اند که از سوی تعداد کمی از کارکنان تمام‌وقت مدیریت می‌شوند.

شورای روابط خارجی^۲ مؤسسه بروکینگز و مؤسسه هوور برنامه دقیقی را برای اعضای میهمان منتخب تدوین می‌کنند که همکاری ۵۰ پژوهشگر را برای مدت یک سال فراهم می‌آورد.

1. The National Bureau of Economic Research

2. The Council on Foreign Relation



جدول ۵. تعداد کارکنان پژوهشی و بودجه

نام مؤسسه	پژوهشگران مستقر*	پژوهشگران پاره وقت**	پژوهشگران میهمان***	مجموع	مجموع بودجه \$
مؤسسه پژوهشی سیاست‌های خارجی	۶	۶	۰	۱۲	۱,۳۳۸,۸۳۴
مرکز نیکسون	۶	۰	۰	۶	۱,۵۰۰,۰۰۰
بنیاد آمریکای نو	۲۰	۰	۰	۲۰	۲,۵۰۰,۰۰۰
مؤسسه سیاست‌های مترقی	۱۸	۱۸	۰	۳۶	۲,۷۴۰,۰۰۰
مؤسسه اقتصاد بین‌الملل	۱۸	۰	۰	۱۸	۶,۰۶۰,۵۷۷
مؤسسه هادسن	۵۰	۴۰	۰	۹۰	۷,۱۱۰,۰۱۱
مرکز اولویت‌های بودجه‌ای و سیاستی	۳۹	۰	۰	۳۹	۷,۷۳۶,۲۶۹
مؤسسه منابع آینده	۳۸	۱۸	۱۴	۷۰	۱۲,۰۰۹,۲۲۸
مؤسسه کاتو	۳۷	۳۱	۰	۶۸	۱۴,۰۴۵,۳۰۶
مؤسسه امریکن انترپرایز	۵۸	۰	۱۵	۷۳	۱۶,۳۰۰,۹۹۴
مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل	۹۴	۵۴	۰	۱۴۸	۱۶,۷۷۵,۴۵۳
موقوفه کارنگی صلح بین‌الملل	۴۸	۰	۴	۵۲	۲۰,۰۹۲,۸۸۳
اداره ملی پژوهش‌های اقتصادی	۰	۵۰۰	۰	۵۰۰	۲۳,۸۴۴,۳۵۷
شورای روابط خارجی	۶۵	۱۰۰	۲۰	۱۸۵	۲۵,۷۲۰,۵۰۰
مؤسسه هوور	۸۰	۳۰	۵۰	۱۶۰	۲۸,۴۰۰,۰۰۰
مؤسسه بروکینگز	۹۸	۱۷۳	۴۸	۳۱۹	۳۰,۲۲۷,۸۰۰
بنیاد هریتیج	۴۵	۴۳	۵	۹۳	۳۳,۴۸۱,۹۲۱
مؤسسه اربن	۲۶۳	۰	۰	۲۶۳	۶۴,۴۹۰,۸۲۱
مؤسسه رند	۶۴۰	۴۶۰	۰	۱۱۰۰	۹۲۵,۱۶۹,۰۴۶

* Resident

** Adjunct

*** Visiting

به‌طور کلی عناوین پژوهشی متنوعی به‌عضایی که در تعداد کمی از زمینه‌ها و حوزه‌های جغرافیای تخصص دارند واگذار می‌شود. میزان آزادی و اختیاری که به پژوهشگر داده می‌شود وابسته به ساختار فرهنگی آن سازمان است (فرهنگ آکادمیک، مشاوره‌ای، مدافع‌های و بنگاه سیاست). پژوهشگران در مؤسسات آکادمیک تقریباً کنترل کاملی بر علایق و اولویت‌های پژوهشی خود دارند، درحالی که تحلیلگران سیاستی در کانون‌های تفکر مشاوره‌ای و مدافع‌های از حداقل آزادی ممکن برخوردارند. به‌طور معمول کارکنان آکادمیک زمینه‌های حرفه‌ای متنوعی دارند و فرصت‌های شغلی موفقی را در زمینه‌های امور اقتصادی، مطالعات امنیتی، امور بین‌الملل، مدیریت بخش عمومی، روزنامه‌نگاری، امور حقوقی و یا در دانشگاه داشته‌اند. آنها غالباً درجه دانشگاهی دکترا دارند و در زمینه علمی خود متخصص به‌شمار می‌آیند. فعالیت‌های مطالعاتی و پژوهشی این پژوهشگران از سوی دستیاران اجرایی و پژوهشی، کارکنان کتابخانه، متخصصان روابط عمومی و روزنامه‌نگاران پشتیبانی لجستیکی می‌شود. اگرچه در بسیاری موارد ممکن است که انجام یک موضوع پژوهشی در قالب پروژه‌های خاص به یک پژوهشگر اختصاص داده شود، ولی کار تیمی که بیشتر اوقات در چارچوب برنامه پژوهشی گسترده‌تر که ممکن است میان‌رشته‌ای بوده و نه تنها

متخصصان خود کانون تفکر، بلکه پژوهشگران و کارشناسان دیگر مؤسسات را نیز دربرگیرد، معمول تر است. این گونه از همکاری‌ها حتی ممکن است به تعامل میان شماری از کانون‌های تفکر به شکل مراکز مطالعاتی مجزا نیز گسترش یابد. برای مثال مرکز مشترک مطالعات نظارتی مؤسسه‌های آمریکن انترپرایز و بروکینگز^۱ یا مرکز سیاست‌های مالیاتی مؤسسه‌های اربن و بروکینگز^۲ که در زمینه نزدیکی به سیاستگذاران (ارائه مشاوره، برگزار جلسات و انعکاس ایده‌ها و نظرات) و نخبگان رسانه‌ای موفق بوده‌اند. در سال ۲۰۰۵ این مراکز هر ۳ یا ۴ روز یکبار از سوی پنج روزنامه پرتیراژ ملی مورد ارجاع قرار می‌گرفت.

فصل چهارم - گرایش‌های سیاسی و فلسفی

کانون‌های تفکر را می‌توان به‌طور کلی در دسته‌بندی‌های محافظه کار، لیبرترین^۳، میانه‌رو، ترقی خواه - لیبرال قرار داد. این مرزبندی‌ها به سادگی قابل ترسیم نیستند. زیرا برای مثال می‌توان مؤسسات و پژوهشگرانی را یافت که خود را لیبرال می‌دانند، ولی در فعالیت‌های خود ایدئولوژیک نبوده و شواهد متفاوت و مخالف را قبول کرده و حتی نتایجی را که جهان‌بینی آنان را به چالش می‌کشد می‌پذیرند. بنیان سیاسی و فلسفی کانون تفکر می‌تواند نه تنها بر چشم‌اندازی که براساس آن پژوهشی اجرا می‌شود، بلکه بر نتایج آن نیز تأثیرگذار باشد.

برخی از کانون‌های تفکر بدون پرده‌پوشی و آشکارا سوگیری ایدئولوژیک خود را اعلام می‌کنند، ولی بیشتر آنها ترجیح می‌دهند حداقل به‌طور ظاهری بدون وابستگی فکری و حزبی به‌نظر رسند. براساس اظهارات رسمی یا گرایش پژوهشگران وابسته به آنها و همچنین نشریات مورد حمایت می‌توان برخی از با نفوذترین کانون‌های تفکر را در یکی از گروه‌های سیاسی یا فلسفی یاد شده قرار داد. کانون‌های تفکر محافظه‌کار به‌طور کلی از دیدگاه‌های اقتصاد بازار آزاد و سیاست‌های اجتماعی سنتی حمایت می‌کنند.

کانون‌های تفکر لیبرترین ضمن اینکه بر سیاست عدم مداخله دولت در امور اقتصادی به‌طور اساسی تأکید دارند، نقش دولت را نیز در سیاست‌های اجتماعی دلسردکننده می‌دانند. کانون‌های تفکر میانه‌رو امروزه به‌دلیل طیف گسترده دیدگاه‌های خود مانند تأکید بر رویکردهای حفظ فاصله با دولت و نداشتن وابستگی حزبی تا سیاست‌های که ترکیبی از عناصر محافظه‌کار و ترقی‌خواهانه‌اند، مورد توجه هستند.

1. The AEI-Brookings Joint Center for Regulatory Studies

2. The Urban Institute-Brookings Tax Policy Center

۳. لیبرترین‌ها یا پیروان مکتب لیبرترینسم معتقدند که هر انسانی مالک زندگی و اموال خویش است و در انتخاب نحوه زندگی و صرف مال خویش مختار و این حق را نیز برای دیگران به رسمیت می‌شناسند. مکاتب مختلف این فلسفه عبارتند از: نئوکلاسیک‌ها، آنارکو کاپیتالیزم‌ها، لیبرترین‌های سوسیالیست و مکتب اشتاینر-والنتین.



در نهایت ترقی خواهان به طور کلی از سیاست مداخله دولت و ایالت‌ها در اقتصاد پشتیبانی می‌کنند. ضمن اینکه همزمان از مداخله کمتر دولت در موضوعات اجتماعی حمایت می‌کنند. برخی از کانون‌های تفکری که در زمینه یا موضوع خاصی متمرکزند (کانون‌های تفکر دفاعی و امنیتی) با ظهور گرایش‌های اخیر محافظه‌کاران و لیبرال‌ها در آن زمینه‌ها، در دسته محافظه‌کاران و ترقی خواهان قرار می‌گیرند. کانون‌های تفکری که دنباله‌رو مکتب واقع‌گرایی یا نومحافظه‌کاری در حوزه‌های دفاعی یا سیاست خارجی‌اند تحت عنوان کلی محافظه‌کار دسته‌بندی می‌شوند، در حالی که آنهایی که بیشتر رویکرد لیبرال انترناسیونالیستی^۱ دارند، در دسته ترقی خواهان جای می‌گیرند. وابستگی کانون‌های تفکری که پیش از این توضیح داده شد ممکن است در طول زمان تغییر کند. با وجود این جدول ۶ ائتلاف‌های ایدئولوژیک جاری برخی از کانون‌های تفکر برجسته را در ایالات متحده نشان می‌دهد.

جدول ۶. تشکل سیاسی و فلسفی کانون‌های تفکر آمریکا

مؤسسه آمریکن اینترپرایز، مؤسسه هادسون	محافظه کار
مؤسسه کسب‌وکارهای رقابتی، مؤسسه منهن	
شورای پژوهش‌های خانواده مرکز ملی تحلیل‌های سیاسی	
بنیاد هریتیج، بنیاد توسعه و آزادی	لیبرتارین
مؤسسه کاتو، بنیاد ریزن ^۲	
مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل، مؤسسه سیاست‌های شرق دور واشنگتن ^۳	راست میانه
مؤسسه میلکن ^۴	
مؤسسه بیکر، ^۵ اداره ملی اقتصاد ^۶	میانه‌رو
شورای روابط بین‌الملل، مؤسسه پژوهشی سیاست‌های عمومی کالیفرنیا	
مؤسسه راهبردهای اقتصادی، ^۷ مؤسسه رند	
انجمن آزادی، ^۸ مؤسسه منابع آینده	
مؤسسه اقتصاد بین‌الملل	چپ میانه
مؤسسه بروکینگز، مؤسسه سیاست‌های مترقی	
موقوفه کارنگی صلح بین‌الملل، مؤسسه اربن	
مرکز کارتر بنیاد آمریکای نوین	

۱. رویکردی لیبرالیستی مبتنی بر همکاری، همبستگی و نزدیکی ملت‌های جهان و حفظ و رعایت مصالح آنها.

2. Reason Foundation

3. Washington Institute for Near East Policy

4. Milken Institute

5. Baker Institute

6. National Bureau of Economic

7. Economic Strategy Institute

8. Freedom Forum

مرکز توسعه آمریکا، مؤسسه سیاست‌های اقتصادی	ترقی خواه - لیبرال
مرکز اطلاعات دفاعی، ^۱ مؤسسه مطالعات سیاسی	
مرکز یکپارچگی ملی، ^۲ مرکز مشترک مطالعات سیاسی و اقتصادی	
مرکز اولویت‌های بودجه و سیاست، مؤسسه سیاست عدالت ^۳	
مؤسسه شهروندان برای عدالت مالیاتی، ^۴ مؤسسه ورلدواچ (دیده بان جهانی) ^۵	

شایان ذکر است جامعه کانون‌های تفکر در آمریکا صرفنظر از وابستگی‌ها و گرایش‌های حزبی و فلسفی هر یک از پژوهشگران، سنت پژوهشی را در این کشور به رسمیت می‌شناسد که براساس آن التزام به خدمت به منافع عمومی و گسترش سیاست‌هایی که به نفع عموم مردم است را مورد تأیید قرار داده و دنبال می‌کند. هرچند که هیچ یک از پژوهشگران و مؤسسه‌ها ۱۰۰ درصد مطابق این معیارها عمل نمی‌کنند، ولی سیاستگذاران و مؤسسه‌ها انتظار دارند که این پژوهشگران مطابق آن رفتار کنند.

فصل پنجم - کانون‌های تفکر ایالتی و شبکه‌ها

در طول دو دهه گذشته کنگره و کاخ سفید مسئولیت‌های قابل توجهی را به ایالت‌ها واگذار کرده‌اند، از این سیاست‌ها که از دولت‌های رونالد ریگان و جورج.اچ.دبلیو بوش آغاز شد به‌عنوان فدرالیسم نو^۶ یاد می‌شود. این تغییرات همراه با واگذاری قدرت سیاسی، اختیار قانونگذاری و مسئولیت مالی برای ایالت‌ها بود. در نتیجه این اقدامات امروز ایالت‌ها قدرت بیشتر و مسئولیت‌های بزرگ‌تر از پیش دارند.

اگر چه ایالت‌ها به‌طور مستمر با محدودیت‌های مالی و درخواست‌های فزاینده برای اجرای برنامه‌ها و خدمات دست و پنجه نرم می‌کرده‌اند، ولی وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تقاضاهای مالی پس از آن برای امنیت ایالت‌ها، وضعیت مالی آنها را تیره و تارتر و پیچیده‌تر از پیش کرده است.

تصمیم‌گیری درباره مالیات‌ها و هزینه‌ها در هر محیطی مأموریت مشکلی است و معمولاً سیاستگذاران را با چالش روبرو می‌کند ضمن اینکه آنان همزمان باید پاسخگوی مشکلاتی چون بهبود میزان بودجه، کیفیت تحصیلات و آموزش عمومی، اصلاح حوزه بهداشت و درمان و توسعه اقتصادی نیز باشند. برحسب ضرورت بسیاری از ایالت‌ها رویکردهای جدید و نوآورانه‌ای را برای تأمین بودجه برنامه‌ها، نیروی انسانی دولت و مدیریت اطلاعات توسعه داده‌اند. در سطح ایالت‌ها احتیاج مادر اختراعات بوده

1. Center for Defense Information
2. Center for Public Integrity
3. Justice Policy Institute
4. Citizens for Tax Justice
5. Worldwatch Institute
6. New Federalism



است و دولت‌های ایالتی در حال حاضر به آزمایشگاه نوآوری‌های سیاسی که بعداً از سوی ایالت‌های دیگر و دولت فدرال مورد پذیرش قرار خواهد گرفت، تبدیل شده‌اند.

این موارد و عوامل دیگر از چشم کانون‌های تفکر چپ و راست دور نمی‌ماند. شمار رو به رشدی از کانون‌های تفکر و مؤسسه‌های اهداکننده کمک‌های مالی لیبرال و محافظه‌کار تصمیم گرفته‌اند منابع خود را به جای کاخ سفید در دولت‌های محلی متمرکز کنند، به این دلیل که براساس گفته مارک اشمیت،^۱ رئیس مؤسسه حاکمیت و سیاست بخش عمومی در جامعه باز،^۲ بسیاری از اصلاحات سیاسی هیجان انگیز مانند بهداشت و درمان، اصلاحات رفاه اجتماعی و کارزارهای مالی در سطح ایالت‌ها انجام شده‌اند.

زمانی مؤسسه‌های سیاست‌های بخش عمومی در دو سوی رودخانه پاتوماک^۳ در جاده کمربندی شهر واشنگتن دی سی گسترده شده بودند که به آن پدیده جاده کمربندی^۴ گفته می‌شد.

واشنگتن دی سی، خانه ۳۹۶ مؤسسه سیاست‌های بخش عمومی است و مابقی ۱۴۳۴ سازمان مشابه دیگر در ایالات متحده در میان ۵۰ ایالت آن گسترده شده‌اند. به لطف درخواست‌های رو به رشد مطالعات و تحلیل‌های ایالتی که از سال ۱۹۷۰ آغاز شد تعداد زیادی از کانون‌های تفکر ایالتی برای کمک به دولت‌های محلی تأسیس شدند.

به‌نظر می‌رسد تکامل کانون‌های تفکر در ایالات متحده به موازات حوادث سیاسی و حرکت‌های اجتماعی کلیدی باشد با بررسی تاریخیچه برخی از کانون‌های تفکر قدیمی مانند مؤسسه بروکینگز و بنیاد راسل سیج^۵ دنبال کردن رد پای نحوه رشد این مؤسسه‌ها در ۷ دوره زمانی امکانپذیر خواهد بود.

دوره اول – ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۹ جنگ جهانی اول و رکود بزرگ.

دوره دوم – ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۵ جنگ دوم جهانی.

دوره سوم – ۱۹۴۶ تا ۱۹۸۰ جنگ سرد، جنگ ویتنام و جنگ در برابر گرسنگی.

دوره چهارم – ۱۹۸۹ پایان جنگ سرد.

دوره پنجم – ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ جنگ ایده‌های محافظه‌کاران.

دوره ششم – ۲۰۰۱ تاکنون جهانی شدن و جنگ در برابر تروریسم.

دوره هفتم – ۲۰۰۲ تاکنون جنگ ایده‌های لیبرال‌ها.

1. Mark Schmitt
2. Governance and Public Policy at the Open Society
3. Patomac
4. Beltway Phenomenon
5. Russell Sage Foundation

با توجه به تمرکز فراوان بر سیاست‌های داخلی و خارجی از سوی مؤسسه‌های پژوهشی بخش عمومی که در جاده کمربندی (شهر واشنگتن دی سی) قرار دارند نیاز به کانون‌های تفکری که متمرکز بر موضوعات محلی و ایالتی باشند در ۲۰ سال گذشته افزایش یافته است. در حالی که در طی سه دهه گذشته کانون‌های تفکر محافظه‌کار و لیبرال پشتیبانی مالی مستمری را دریافت می‌کردند، ولی لیبرال‌ها هیچ‌گاه از کمک‌های همه‌جانبه، متمرکز و هماهنگی که از سوی افراد و بنیادهای خصوصی به محافظه‌کاران شده است برخوردار نبوده‌اند.

جدول ۷. تعداد کانون‌های تفکر آمریکا به تفکیک ایالت (سال ۲۰۱۴)

ایالت	تعداد کانون‌های تفکر	ایالت	تعداد کانون‌های تفکر
آلاباما	۱۶	نبراسکا	۷
آلاسکا	۳	نوادا	۴
آریزونا	۲۱	نیو همپشایر	۱۳
آرکانزاس	۸	نیوجرسی	۳۵
کالیفرنیا	۱۷۳	نیو مکزیکو	۷
کلرادو	۳۱	نیویورک	۱۴۶
کنتیکت	۴۵	کارولینای شمالی	۲۳
دلور	۳	داکوتای شمالی	۴
فلوریدا	۳۱	اوهایو	۲۵
جرجیا	۲۹	اوکلاهما	۱۱
هاوایی	۱۲	اورگون	۱۶
آیداهو	۴	پنسیلوانیا	۴۲
ایلینویز	۵۵	رود آیلند	۲۰
ایندیانا	۲۱	کارولینای جنوبی	۶
آیوا	۱۰	داکوتای جنوبی	۵
کانزاس	۱۶	تنسی	۱۹
کنتاکی	۱۱	تکزاس	۴۷
لوئیزیانا	۱۰	یوتا	۷
مین	۲۰	ورمونت	۵
مربلند	۵۰	ویرجینیا	۱۰۵
ماساچوست	۱۷۶	واشنگتن	۲۳
میشیگان	۳۱	ویرجینای غربی	۶
مینی سوتا	۲۴	ویسکانسن	۲۲
میسی سی پی	۱۰	وایومینگ	۰
میزوری	۱۸	واشنگتن دی سی	۳۹۶
مونتانا	۸		
جمع کل کانون‌ها تفکر مستقر در ایالت‌ها ۱۸۳۰			



شگفت‌انگیز نیست که به دلیل راهبرد مالی سرمایه‌گذاری بر ایده‌ها و مؤسسه‌ها، جنبش محافظه‌کاری امروز نمود بیشتری دارند. کانون‌های تفکر اولیه لیبرال برای به چالش کشیدن واشنگتن دی سی و حمایت از «برنامه جامعه بزرگ»^۱ و دلایل گوناگون دیگر محیط زیستی و اجتماعی تشکیل شدند. در طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ «جنگ ایده‌ها»ی محافظه‌کاران آغازگر راهی بود برای کانون‌های تفکر در عرصه ایالتی و ملی برای به چالش کشیدن دولت رفاه و فعالان اجتماعی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰. با پیشرفت محافظه‌کاران و تأسیس کانون‌های تفکر محلی بیشتر لیبرال‌ها با سرعت افزون‌تری رو به ضعف گذاشتند. در سال ۱۹۹۰ لیبرال‌ها متوجه شدند که در حال از دست دادن انتخابات‌ها و کنترل بر دستور کار سیاسی حکومت‌اند، بنابراین شروع به جمع کردن نیروی خود و برانگیختن دوباره بنیادها و فعالان برای فتح مجدد واشنگتن دی سی کردند.

برای درک کامل تکامل کانون‌های تفکر لیبرال - ترقی‌خواه ضرورت دارد نگاه نزدیکی ببیندازیم به شبکه کانون‌های تفکر گروه‌های پژوهشی منافع عمومی^۲ یا پیرگز.

این گروه در سال ۱۹۷۰ به‌عنوان پیامد جنبش مصرف‌کنندگان^۳ به رهبری رالف نادر^۴ تأسیس شد. پیرگز در حال حاضر بخشی از جنبش ملی کانون‌های تفکر ایالتی است که اساساً مرتبط با موضوعات زیست محیطی، حمایت از مصرف‌کنندگان و عدالت سیاسی و اجتماعی است. با این حال پیرگز با دیگر کانون‌های تفکر متفاوت است. زیرا در زمان تأسیس خود و حتی امروز نیز بیشتر متکی به گروه‌های دانشجویی بوده است.

اولین پیرگز ایالتی در سال ۱۹۷۳ و نخستین پیرگز ملی نیز در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد. از آغاز پیرگز ایالتی اساساً بر ایجاد تأثیر محلی برای موضوعات ملی مانند مدافعه محیط زیستی^۵ و امنیت مصرف‌کنندگان متمرکز بوده است. همچنین کانون تلاش‌های مربوط به کارزارهای خود را در سطح توده مردم متمرکز کرده است. این گروه در واحدهای خود گروه‌های گسترده‌تری از مردم را در هر دو زمینه فعالیت‌های پژوهشی و مدافعه‌ای جای داده است. در مقایسه با کانون‌های تفکر ترقی‌خواه مستقر در واشنگتن این گروه ضمن اینکه در ارائه پیشنهادها خود پیشتاز بوده، در روش‌های ارتباط با مردم از طریق ارتباطات خانه به خانه و متقاعد کردن مردم و جلب آرای خیابانی از آن هم جلوتر بوده است. این اقدامات به این گروه کمک کرده است تا در ارتباط با نگرانی‌های مردم باشد و در مقایسه با هم‌تایان ملی خود جمعیت محلی را بهتر نمایندگی کند.

-
1. The Great Society
 2. Public Interest Research Groups (PIRGs)
 3. Consumer Movement
 4. Ralph Nader
 5. Environmental Advocacy

نمونه‌ای از پی‌یرگ‌های ایالتی پن پی‌یرگز^۱ است که در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد و دفاتری در شهر فیلادلفیا و هریس برگ ایالت پنسیلوانیا و یک لابی ملی نیز با نام یو اس پی‌یرگز^۲ در واشنگتن دی سی دارد.

بیانیه مأموریت این مؤسسه به قرار زیر است:

زمانی که اشتباه کاری شرکت‌ها و دولت، سلامت و امنیت ما را تهدید کند یا اصول بنیادین انصاف و عدالت را نقض کند، پن پی‌یرگز برای حمایت از مصرف‌کنندگان به پا خواهد خواست. ما پژوهش و تحقیقاتی را اجرا و گزارش‌هایی را منتشر و افشا خواهیم کرد. از تدوین قوانین جدید دفاع کرده و در صورت ضرورت شرکت‌های اشتباه کار و دولت غیر پاسخگو را به دادگاه خواهیم کشاند. پن پی‌یرگز در بسیاری از جبهه‌ها پیروز بوده و به‌عنوان نخستین نمونه از مؤسسه‌های پژوهنده در حوزه سیاست‌های عمومی ایالتی است که دستورالعمل‌های ترقی‌خواهانه را از طریق به‌کارگیری روش‌های بسیار مردمی پیش می‌برد.

الگوی ترقی‌خواهانه جالب دیگر در شبکه کانون‌های تفکر ایالتی مرکز سیاست‌های جایگزین^۳ است. گرچه این مؤسسه در شهر واشنگتن دی سی قرار دارد، ولی تمرکز آن منحصراً بر موضوعات مربوط به قانونگذاری در ایالت‌هاست. از شعارهای این مؤسسه «از، با، برای قانونگذاران ایالتی»^۴ است و از اقدامات آن تفکیک فعالیت‌های پژوهشی از اقدامات مربوط به توانمندسازی قانونگذاران ایالتی از طریق کمک به رشد و توسعه کیفیت رهبری و همچنین ساختمان شبکه همکاری است. این مؤسسه برای قانونگذاران موضوعات مورد بحث (موضوعاتی که لازم است در مورد آنها بحث و گفتگو شود)، خلاصه سیاستی، دستورکار ترقی‌خواهی (مجموعه‌ای از پیشنهادها برای به پیگیری، نگهداری و رعایت حقوق مردم)، که مانند کتابی مرجع برای قانونگذاران ترقی خواه است، فراهم می‌کند. نوآورانه‌ترین خصوصیت این مرکز تأکید آنها بر بهسازی مهارت‌هاست که از طریق تأسیس مؤسسه رهبری فلمینگ^۵ که اقدام به ارائه آموزش به قانونگذاران ایالتی در سراسر آمریکا می‌کند، به بهترین شکلی قابل مشاهده است. مرکز سیاست‌های جایگزین با تدوین راهبردی یکپارچه در تلاش است تا از طریق آموزش، فراهم کردن محتوای مورد نیاز و همچنین شبکه ضروری برای پیاده‌سازی سیاست‌ها، کلیه نیازهای قانونگذاران ایالتی ترقی‌خواه را برآورده سازد.

میان کانون‌های تفکر ترقی‌خواه و محافظه‌کار، کانون‌های تفکر میانه‌رو قرار دارد که گرایششان نه خیلی چپ و نه خیلی راست است. نمونه کانون تفکر میانه‌رو که الگویی شبیه به مؤسسه رند دارد مؤسسه

-
1. PennPIRGs
 2. USPIRGs
 3. Center for Policy Alternatives (CPA)
 4. Of, by and for State Legislators
 5. The Fleming Leadership Institute



سیاست‌های بخش عمومی کالیفرنیا^۱ است که به بهبود سیاست‌های بخش عمومی از طریق اهداف و پژوهش‌های بدون گرایش و وابستگی یاری می‌رساند. حوزه اصلی پژوهش‌های این مؤسسه، جمعیت، اقتصاد، حکومت و مالیه عمومی، همراه با موضوعاتی چون مهاجرت، رشد، زیرساخت و مشارکت سیاسی است. به منظور هماهنگی با الگوی مؤسسه رند این مؤسسه پژوهشگرانی را گرد آورده است که قابلیت پژوهش در چند حوزه علمی را داشته باشند و بتوانند از این دیدگاه‌های همگرا موضوعات سیاستی کلیدی خلق کنند. همچنین مؤسسه سیاست‌های بخش عمومی کالیفرنیا پژوهش‌هایی را برای شوراهای دولتی فراهم کرده و به‌طور منظم برای قانونگذاران شهادت می‌دهد. مهمتر اینکه مؤسسه یافته‌های خود را علاوه بر قانونگذاران در اختیار سازمان‌های غیرانتفاعی، انتفاعی، رسانه‌ها و همچنین معروض عموم می‌گذارد.

دیگر کانون تفکر میانه‌روی محلی و ایالتی، اتحادیه اقتصادی پنسیلوانیا^۲ نام دارد که در سال ۱۹۳۶ تأسیس شد و فعالیت آن منعکس‌کننده چالش‌های آن دوره و تمایل رهبران مدنی برای به‌کارگیری دانش در انجام امور ایالتی و مسائل و مشکلات سیاستی محلی بوده است. نیمی از بودجه این مؤسسه توسط حق عضویت هیئت رئیسه و نیمی دیگر از سوی سرمایه‌گذاری مشترک با دولت‌های محلی، بنیادها، بنگاه‌های اقتصادی و نهادهای رهبری‌کننده بخش خصوصی تأمین می‌شود. اتحادیه در پی ارتقای قدرت رقابتی محلی از طریق تجزیه و تحلیل تأثیر سیاست‌های بخش عمومی بر اقتصاد است. فراتر از بررسی و تحلیل سیاست‌های عمومی این مؤسسه از سیاست‌های که به نفع دیگر مناطق کشور است نیز مدافعه^۳ می‌کند و با رهبران اقتصادی، دولتی و حوزه جامعه مدنی برای ترویج نوآوری‌هایی که ایالت را محل مطلوب‌تری برای زندگی می‌سازد، همکاری می‌کند. به علاوه مؤسسه کوشش می‌کند برای تأثیرگذاری بر مردم، موضوعات و مسائل مهم جاری (اتفاقاتی که در ایالت رخ می‌دهد) را برجسته‌تر کند. اهداف اتحادیه اقتصادی پنسیلوانیا عبارتند از:

- ایجاد فرصت جهت اطلاع‌رسانی و درگیر کردن مالیات‌دهندگان در فرآیند توسعه و اجرای سیاست‌های مربوطه.
- حفظ شبکه‌ای از رهبران بخش خصوصی و کارکنان ارشد ایالتی به‌منظور شناسایی فرصت‌ها و مشکلات مرتبط با بخش عمومی.
- فراهم آوردن پژوهش‌ها، تحلیل‌ها و برنامه‌ریزی لازم برای شروع اقدامات از سوی مردم و رهبران بخش خصوصی.

1. The Public Policy Institute of California (PPIC)
2. Pennsylvania Economy League (PEL)
3. Advocacy

- همکاری با دولت، کسب و کارها و گروه‌های مدنی برای ایجاد اجماع و همچنین اقدام در خصوص برنامه‌ها و راه‌حل‌هایی که می‌تواند تأثیرگذاری ایالت و دولت محلی را افزایش داده و رقابت‌پذیری (قدرت رقابتی) اقتصادی و کیفیت زندگی در ایالت را بهبود بخشد.

به‌طور تاریخی، اتحادیه اقتصادی پنسیلوانیا کانون تفکری آکادمیک بوده است که تولیداتش عمیقاً ریشه در تحلیل‌های کمی و دانش اقتصاد داشته است. به هر حال این مؤسسه در سال‌های اخیر برخی راهبردها را که بیشتر از سوی کانون‌های تفکر سیاست‌گرا توسعه داده شده و نیز شیوه‌های نوآورانه‌ای را برای بسته‌بندی و انتشار پژوهش‌ها و تحلیل‌ها به خدمت گرفته تا بتواند به مخاطبان بیشتری دسترسی یابد.

از سال ۱۹۹۱ محافظه‌کاران شبکه‌ای از کانون‌های تفکر با نفوذ ایالتی را که کوشش آنها متمرکز بر موضوعات مرتبط با خانواده است، ایجاد کرده‌اند.

یکی از اهداف کانون‌های تفکر محلی نفوذ بر سیاست‌ها از طریق رسانه‌های شهری، ناحیه‌ای و ایالتی است. درحالی که همکاران آنها در واشنگتن دی سی سعی در نفوذ بر رسانه‌های ملی را دارند و هر دوی آنها از خط‌مشی محافظه‌کارانه یا ترقی‌خواه پیروی می‌کنند. بر این اساس کانون‌های تفکر ایالتی شبیه خواهر و برادرهای بزرگ‌ترند و برخی روش‌های عملیاتی مشابه را انجام می‌دهند.

طبق دیدگاه‌های لورنس سولی^۱، از دانشگاه مارکویت^۲، کانون‌های تفکر محافظه‌کار ایالتی پس از موفقیت زیاد مؤسسه آمریکان انترپرایز با درآمد سالیانه ۱۶/۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ و بنیاد هریتیج با درآمد سالیانه ۲۸/۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ و در طول دهه ۱۹۸۰ و پیش از دهه ۱۹۹۰ در سراسر آمریکا گسترش یافتند.

براساس آمار شبکه سیاست‌های ایالتی^۳ که برای کانون‌های تفکر ایالتی فرصت‌های آموزشی و شبکه‌ای فراهم می‌کند، ۴۹ کانون تفکر محافظه‌کار در ۴۲ ایالت آمریکا فعال‌اند. این مؤسسه خود را مرکز آموزش‌های رهبری و همچنین تهاتر منابع برای جامعه کانون‌های تفکر ایالات متحده معرفی می‌کند.

کانون‌های تفکر ایالتی عموماً با الگوبرداری از بنیاد هریتیج سازماندهی شده‌اند و از سوی بنیادهای دست‌راستی از قبیل برآدلی و اسکایف^۴ تأمین مالی می‌شوند. هرچند که کانون‌های تفکر ایالتی پدیده‌های نسبتاً نوظهورند با وجود این ابزاری برای پیاده‌سازی بسیاری از نوآوری‌های مهم سیاستی نظیر مزایای رفاهی بوده‌اند.

1. Lawrence Soley
2. Marquette University
3. The State Policy Network
4. Bradley and Scaife



نمونه‌ای از این قبیل مؤسسه‌ها و نفوذ آنها در جامعه، مؤسسه پژوهش‌های سیاستی ویسکانسین^۱ است که مدافع اصلی اعطای کمک هزینه تحصیلی به دانش‌آموزانی است که به جای مراکز آموزش دولتی در مدرسه‌های خصوصی تحصیل می‌کنند.

علاوه بر مؤسسه شبکه‌های سیاست‌های ایالتی که برقراری ارتباط میان کانون‌های تفکر محافظه‌کار را انجام می‌دهد شورای تبادل قانونگذاری آمریکا^۲ (یا به اختصار ال‌ک) که در سال ۱۹۷۳ توسط پال ویریح^۳ تأسیس شد نیز همین کار را دنبال می‌کند. این شورا که هدفش پیشبرد اصول جفرسونی^۴ در زمینه بازار آزاد، دولت محدود، فدرالیسم و آزادی فردی است، قانونگذاران ایالتی را گرد موضوعات و مسائل مرتبط با محافظه‌کاران جمع می‌کند. این مؤسسه برای دستیابی به این اهداف از سوی شرکت‌هایی چون فورد و تکزاکو پشتیبانی می‌شود. همچنین مؤسسه با مقامات دولتی ارشد مانند رونالد ریگان، تامی تامسون و نیوت گینگریج ارتباط نزدیک داشته است. این مؤسسه تلاش می‌کند تا محافظه‌کاران کنترل قدرت سیاسی را در سطح ایالتی و ملی در دست گیرند. در دوره زمامداری دولت رونالد ریگان، ال‌ک تیم ویژه‌ای را که متشکل از مقامات ارشد دولتی بود شکل داد و بر موضوع توسعه و پیاده‌سازی سیاست‌های بخش عمومی متمرکز شد. الگوی لوایح تدوینی این تیم ویژه به تدریج تبدیل به الگوی تدوین لوایح در کانون‌های تفکر دیگر شد.

یکی از بهترین نمونه‌های کانون‌های تفکر محافظه‌کار موفق مؤسسه هارت لندن^۵ است که در سال ۱۹۸۴ تأسیس شد و در شهر شیکاگو مستقر است. مأموریت هارت لندن کشف و نشر راه‌حل‌های بازار آزاد در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی است. راه‌حلهایی مانند انتخاب‌های والدین در زمینه تحصیلات، مسئولیت‌های فردی در حوزه بهداشت و درمان، رویکردهای مبتنی بر بازار برای حمایت از محیط زیست، خصوصی‌سازی خدمات عمومی، قانون زدایی در حوزه‌هایی که حقوق مالکیت و بازارها بهتر از بوروکراسی (دیوان‌سالاری) دولتی عمل می‌کنند. تحت رهبری هیئت رئیسه و رئیس، پژوهش‌های مؤسسه هارت لندن در میدوست^۶ به‌طور خاص بر موضوعات و مسائلی چون هزینه‌های دولت، مالیات بهداشت و درمان و همچنین مسائل سیاسی، متمرکز است. این مؤسسه شامل دو کمیته است که اعضای یکی از آنها را افراد آکادمیک تشکیل می‌دهند که پژوهش‌ها را هدایت و انجام می‌دهند و کمیته دیگر را مقامات رسمی منتخب تشکیل می‌دهند که عناوین پژوهشی را پیشنهاد و الگوی لوایح را تدوین می‌کنند. مؤسسه هارت

1. The Wisconsin Policy Research Institute
2. The American Legislative Exchange Council (ALEC)
3. Paul Weyrich
4. Thomas Jefferson
5. The Heartland Institute

۶. Midwest مناطق شمال و مرکزی آمریکا که شامل ۱۲ ایالت است.

لند با درک اهمیت اینترنت، وب سایت پالسی بات^۱ را که مرکزی برای تهاتر پژوهش‌ها میان این مؤسسه با دیگر کانون‌های تفکر محافظه‌کار از جمله بنیاد هریتیج است، ایجاد کرده است.

در وب سایت پالسی بات^۲ این سامانه بدین گونه تعریف شده است: پالسی بات بانک اطلاعاتی و موتور جستجوی رایگانی است که دسترسی سریع به بهترین پژوهش‌ها و دیدگاه‌های کانون‌های تفکر و گروه‌های مدافعه‌ای که در حوزه بازار آزاد فعالند را در قالب متن کامل، خلاصه و ارجاعات متن برای ۳۰,۰۰۰ گزارش، خلاصه سیاستی، پاد کست و فیلم فراهم می‌آورد. همچنین این وب سایت، محصولات مؤسسات و سازمان‌های انتشاراتی مختلف را در زمینه‌های یاد شده در قالب فایل‌های PDF و HTML در دسترس قرار می‌دهد. علاوه بر این هارت لند نشریات مختلفی را مانند اخبار اصلاحات مدارس و اخبار حوزه بهداشت و درمان^۳ منتشر می‌کند و همچنین دارای سه وب سایت است که در مجموع ماهیانه یک میلیون مراجعه‌کننده دارند.

مؤسسه هارت لند بودجه خود را از طریق افراد، بنیادها و بنگاه‌های اقتصادی تأمین می‌کند، بدین دلیل این امکان را دارد که بدون وابستگی به دولت یا دیگر گروه‌هایی که منافع خاصی را دنبال می‌کنند، فعالیت کند. همچنین این مؤسسه به‌طور گسترده و مؤثری از فناوری‌های گوناگون و دیگر گرایش‌های نوین برای دسترسی به مخاطبان بیشتر بهره می‌برد. این مهارت‌ها به مؤسسه هارت لند این امکان را می‌دهد که همسو و منطبق با جامعه مأموریت خود را ادامه داده و نیز الگویی برای دیگر مؤسسات باشد.

1. PolicyBot
 2. [Http://policybot.enginz.com](http://policybot.enginz.com)
 3. School Reform News , Health Care News



جدول ۸. گرایش سیاسی و فلسفی کانون‌های تفکر ایالتی

ایالت	محافظة کار	ایالت	ترقی خواه
اورگون	مرکز پژوهشی سیاست آبخاری ^۲	آلاباما	طرح سیاستی خیزش شهروندان ^۱
کلورادو	مرکز غرب نو ^۴	واشنگتن دی سی	مرکز سیاست‌های جایگزین ^۳
ایلینویز	مؤسسه هارت لند ^۶	ویرجینیا	دمکراسی جنوبی ^۵
کارولینای شمالی	بنیاد جان لاک ^۸	مین	اتحاد دیریگو ^۷
میشیگان	مرکز سیاست‌های عمومی مکینک ^{۱۰}	نوادا	ائتلاف رهبری ترقی خواه نوادا ^۹
نیویورک	مؤسسه منهتن ^{۱۲}	نیو مکزیکو	تجدیدنظر طلبان نیومکزیکو ^{۱۱}
ماساچوست	مؤسسه پیشگام در مطالعات سیاست‌های عمومی ^{۱۴}	اورگون	مرکز ایالت‌های غربی ^{۱۳}
جورجیا	بنیاد سیاست‌های عمومی ^{۱۶}	ویسکانسین	شورای کودکان و خانواده ویسکانسین ^{۱۵}
کنتیکت	مؤسسه سیاست‌های عمومی یانکی	نیو انگلند	مؤسسه اقدام شمال شرق ^{۱۷}

در حالی که به نظر می‌رسد، رشد انفجارگونه کانون‌های تفکر رو به کاستی گرفته، ولی در حقیقت عکس این موضوع رُخ داده است. با رشد سازمان‌های لیبرال و محافظه‌کار استمرار ازدیاد این مؤسسات تا اندازه‌ای تشدید شده است. گروه‌های فشار بیشتر و بیشتری به‌طور رسمی سازماندهی شدند و الگوهای کانون تفکری را برای دستیابی به اهداف خود پذیرفتند.

در جهانی با دگرگونی دائمی که مبتنی بر معرفی مداوم ایده‌های نو، پرسش‌ها و اطلاعات بیشتر است، به‌طور طبیعی برای پر کردن فاصله‌ها و شکاف‌های موجود در زمینه علم و دانش ضرورت دارد که مطالعه و پژوهش انجام گیرد.

1. Alabama Arise Citizens' Policy Project
2. Cascade Policy Research Institute
3. Center for Policy Alternatives
4. Center for the New West
5. Democracy South
6. Heartland Institute
7. Dirigo Alliance
8. John Locke Foundation
9. Progressive Leadership Alliance of Nevada
10. Mackinac Center for Public Policy
11. Revisioning New Mexico
12. Manhattan Institute
13. Western States Center
14. Pioneer Institute for Public Policy Research
15. Wisconsin Council on Children and Families
16. Public Policy Foundation
17. Northeast Action

همان‌گونه که مؤسساتی چون؛ پن پیرگز،^۱ مرکز سیاست‌های جایگزین،^۲ مؤسسه سیاست‌های بخش عمومی کالیفرنیا،^۳ اتحادیه اقتصادی پنسیلوانیا،^۴ شورای تبادل قانونگذاری آمریکا^۵ و مؤسسه هارت لند^۶ نشان دادند، گروه‌های فشار لیبرال، میانه‌رو و محافظه‌کار در آینده رقابت میان کانون‌های تفکر را شعله‌ور خواهند کرد. اثبات شده که جنبش کانون‌های تفکر ایالتی بسیار نوآورانه و در سطح محلی و ملی تأثیرگذار بوده است. هرچند که امکان تأمین و عرضه پژوهشگر و ایده در کوتاه‌مدت امکانپذیر نیست، ولی اگر منابع مالی مورد نظر همچنان در دسترس باشد، کانون‌های تفکر ایالتی جدید مطمئناً به چشم‌اندازهای نو فراتر از افق‌های کانون تفکر مستقر در جاده کمربندی واشنگتن دی سی به آن دست یافته‌اند، خواهند رسید.

فصل ششم – بازاریابی، روابط عمومی و مشارکت عمومی

وظیفه اصلی کانون‌های تفکر بزرگ در ایالات متحده تولید دانش مرتبط با سیاست‌ها و فراهم آوردن اطلاعات برای نخبگان سیاسی، اقتصادی و به‌طور کلی عموم مردم است. در طول ۲۰ سال گذشته کانون‌های تفکر تأکید روزافزونی بر نشر و توزیع پژوهش، حضور در رسانه‌ها و همچنین راه‌اندازی برنامه‌های آگاه‌سازی عمومی داشته‌اند. کانون‌های تفکر اغلب افرادی را که دارای تجربه بازاریابی و روابط عمومی بوده و در این کار حرفه‌ای‌اند را برای تسهیل نشر و توزیع اطلاعات به‌کار می‌گیرند. همچنین روش‌های گسترده‌ای را برای توزیع، انتشار اطلاعات و موارد زیر را به‌کار می‌گیرند:

گردهمایی‌ها، همایش‌ها و جلسات

کانون‌های تفکر تلاش‌های هوشمندانه‌ای را برای هدف قرار دادن مخاطبان خود با طیف وسیعی از گردهمایی‌ها، همایش‌ها، نشست‌های تخصصی و همچنین جلسات تبادل اطلاعات گروهی یا انفرادی اجرا می‌کنند. این گردهمایی‌ها، همایش‌ها و جلسات ممکن است جزء برنامه‌های که به‌طور رسمی از پیش اعلام شده‌اند باشد که در این صورت حضور در آنها برای عموم و مدعوین آزاد خواهد بود یا اعلام رسمی نشده باشند که عموم امکان شرکت در آن را نخواهند داشت. برای مثال طبق گزارش مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی^۷ هر ساله ۷۰۰ مورد، مرکز پیشرفت آمریکا^۸ ۱۵۰ مورد و مؤسسه آمریکن انترپرایز

1. PennPIRGs
2. The Center for Policy Alternatives
3. The Public Policy Institute of California
4. The Pennsylvania Economy League
5. The American Legislative Exchange Council
6. Heartland Institute
7. Center for Strategic and International Studies (CSIS)
8. Center for American Progress (CAP)



سالیانه ۲۰۰ مورد از این نوع برنامه‌ها را برگزار کرده‌اند. این برنامه‌ها اغلب برای بررسی موضوعات مهم و کلیدی، ارائه پیشنهادهای سیاستی به اعضای کنگره، قوه مجریه و رسانه‌ها، برپایی اجتماعاتی برای سیاستگذاران و عموم جهت دریافت بازخوردها برگزار می‌شود.

انتشارات

به‌عنوان یک قاعده عمومی، کانون‌های تفکر بزرگ آمریکا نقش مؤسسه‌های انتشاراتی بسیار مولد را هم ایفا می‌کنند. بخش انتشارات این مؤسسه‌ها نشریات سنتی و چندرسانه‌ای را توأم تولید می‌کنند.

مؤسسه انتشاراتی بروکینگز در حدود ۵۰ عنوان کتاب را در زمینه موضوعات سیاستی بخش عمومی در حوزه کسب‌وکار، اقتصاد، حکومت و امور بین‌الملل؛ انتشارات اِربِن ۱۰ عنوان کتاب جدید که نیمی از آن توسط پژوهشگران کانون تفکر خود تألیف شده است و انتشارات مرکز بین‌المللی وودرو ویلسون به‌طور متوسط ۱۲ عنوان کتاب که به‌طور سالیانه و منحصراً توسط پژوهشگران وابسته به مرکز تألیف می‌شود را منتشر می‌کنند. مؤسسه‌های آمریکن انترپرایز، اِربِن و مرکز وودرو ویلسون نویسندگان خود را به‌طور فعال تبلیغ می‌کنند و گردهمایی‌های مطبوعاتی و همایش‌هایی را نیز برای کتاب‌های منتشر شده برگزار می‌کنند. همچنین هر کانون تفکر مجله یا ژورنال‌های اختصاصی خود را نیز چندین بار در سال منتشر می‌کند. این مؤسسه‌های انتشاراتی از وجود تحلیلگران پژوهشگران آکادمیک بیرونی مانند مؤسسه سیاست خارجی، بنیاد صلح بین‌الملل کارنگی و مؤسسه امور بین‌الملل همچنین شورای روابط خارجی سود می‌برند.

همچنین این مؤسسه‌ها به سرعت و سادگی خبرنامه‌های الکترونیکی، بروشورهای اطلاعاتی و نیز خلاصه سیاستی را برای عناوین مشخص تولید می‌کنند. در نهایت برخی از کانون‌های تفکر خدمات اطلاعاتی را از طریق دورنگار و یا پست الکترونیکی تولید می‌کنند که شرحی را درباره تحولات سیاسی و اقتصادی روز ارائه می‌دهد.

چنین تحلیل‌های روزانه‌ای اغلب برای ادارات و سازمان‌های دولتی و مدیران ارشد کسب‌وکارها (بنگاه‌های اقتصادی) به‌طور رایگان فرستاده می‌شود.

یکی از مهمترین ابزارهای هر کانون تفکری وب سایت است. تقریباً همه کانون‌های تفکر میزان فراوانی اطلاعات برخط را منتشر می‌کنند که به‌دلیل ویژگی برخط بودن این اطلاعات به دست تعداد قابل توجهی از مخاطبان می‌رسد. اقلام اطلاعاتی موجود در بیشتر کانون‌های تفکر شامل سخنرانی‌ها، تفسیر و اظهارنظرهای پژوهشگران عضو، گزارش گردهمایی‌ها و برنامه‌ها، تحلیل‌های کوتاه و مختصر، چکیده کتاب، زندگی‌نامه متخصصان و پژوهشگران، اطلاعاتی درباره وقایع و پیشامدها و به‌طور روزافزونی کلیپ‌های صوتی و فیلم است که همه آنها به‌طور رایگان قابل کپی‌برداری‌اند. به علاوه این وب‌سایت‌ها اطلاعاتی در مورد عناوین پژوهشی، برنامه‌های پژوهشی و ساختار سازمانی خود نیز منتشر می‌کنند.

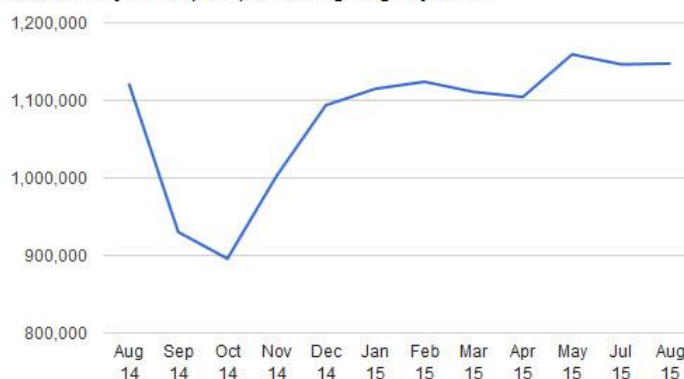
درحالی که شیوه‌های کسب اطلاعات درخصوص میزان مشاهده وبسایت‌ها میان مؤسسه‌ها متفاوت است، اعداد و ارقام زیر می‌تواند تصور روشنی از تعداد کاربرانی که برای کسب اطلاعات در زمینه موضوعات سیاسی به وبسایت آنها مراجعه می‌کنند، فراهم سازد.

از آغاز سال تا روز ۳۱ دسامبر ۲۰۰۵ میزان بازدید از وبسایت بنیاد هریتیج ۵,۲۷۲,۱۲۰ مورد بود که ۳,۹۰۷,۷۵۰ نفر از این مراجعه‌کنندگان فقط یکبار به این سایت مراجعه کرده‌اند. مؤسسه اِربن نیز در همین فاصله ۴۸ تا ۷۲ میلیون هیت^۲ داشته است که ۶ میلیون از آنها تنها برای یکبار بوده است. در زیر آمار ماهیانه تعداد دفعات مشاهده وبسایت بنیاد هریتیج از ماه آگوست سال ۲۰۱۴ تا آگوست سال ۲۰۱۵ نشان داده شده که از سایت ترافیک استیمیت به دست آمده است.^۳

نمودار ۲. مربوط به تعداد دفعات مشاهده وبسایت کانون تفکر هریتیج

Heritage.org Traffic Estimate

Estimated Monthly Traffic (visits) for Heritage.org - By Month



همچنین در نمودار زیر تعداد دفعات مشاهده وبسایت مؤسسه اِربن از ماه آگوست ۲۰۱۴ تا آگوست ۲۰۱۵ نشان داده شده است.

۱. آخرین آماری که درخصوص مراجعات کاربران به وبسایت‌های این مؤسسات وجود داشت مربوط به سال ۲۰۰۵ بود و متأسفانه آمار جدیدی در این خصوص یافت نشد.
 ۲. شاخص هیت (Hit) تعداد دفعات مشاهده صفحات وب بدون در نظر گرفتن سایر اجزای موجود در آن صفحه مانند تصاویر، فیلم و... است

3. <http://www.trafficestimate.com>



نمودار ۳. مربوط به تعداد دفعات مشاهده وبسایت کانون تفکر اربن

Urban.org Traffic Estimate

Estimated Monthly Traffic (visits) for Urban.org - By Month



رسانه‌ها

روزنامه‌نگاران در پی پر کردن هر سانتیمتر از ستون‌های گزارش‌ها یا بخش‌های برنامه خبری خود با دیدگاه‌های تخصصی پژوهشگران کانون‌های تفکرند. کانون‌های تفکر نیز به نوبه خود از این فرصت به‌عنوان جایگاهی مناسب برای اظهار عقاید خود سود می‌برند و برخی مواقع نیز از کنار افشاگری‌های رسانه‌ای شهرتی کسب می‌کنند.

تحلیلگران کانون‌های تفکر در رسانه‌های چاپی، برنامه‌های خبری تلویزیون، رادیو و همچنین برنامه‌های گفتگوی تلویزیونی به‌عنوان کارشناس شرکت می‌کنند. تعداد فراوانی از کارشناسان کانون‌های تفکر به‌طور منظم کارهای خود را در روزنامه‌ها در ستون‌های مربوط به خود یا جایی در مقابل ستون ویژه سردبیر چاپ می‌کنند. تعداد بسیاری از مجلات سیاسی برخط نیز وجود دارند که به‌طور فزاینده‌ای در حال اهمیت یافتن‌اند، این قبیل موضوعات را نشر می‌دهند. به‌طور مشابه نمونه‌های دیگری از رسانه‌های الکترونیکی نیز به وجود آمده‌اند که به‌طور فزاینده‌ای نقش مهمی در معرفی و ارائه فعالیت‌های کانون‌های تفکر و کارکنان آنها برعهده دارند.

برای مثال مرکز وودرو ویلسون برنامه‌های رادیویی منظمی به‌عنوان گفتگو (دیالوگ) دارد که از سوی ۱۶۰ ایستگاه رادیویی دولتی و تجاری در ایالات متحده پخش می‌شود و بیش از ۱۳۰,۰۰۰ شنونده دارد. همچنین برنامه رادیویی گفتگو، برنامه تلویزیونی مشابهی نیز دارد که در ساعات پر بیننده در سطح منطقه واشنگتن دی سی پخش می‌شود.

مؤسسه بروکینگز استودیو تلویزیونی ویژه خود را دارد و دو کارشناس از کانون تفکر بروکینگز هریک به‌طور جداگانه برنامه خاص هفتگی خود را در آن دارند که از ایستگاه تلویزیون دولتی آمریکا^۱ نیز بازپخش می‌شود.

بسیاری از همکاران کانون تفکری آنان نیز چندین بار در هفته به‌عنوان مفسران سیاسی در شبکه سی این ان^۱ و دیگر شبکه‌های خبری ظاهر می‌شوند. در تلاش برای سنجش تأثیرات کانون‌های تفکر اندرو ویچ و کنت ویور (۱۹۹۷)، دونالد ابلسون (۲۰۰۲)، میکائیل دالنی، (۲۰۰۵)^۲ داده‌هایی را از میزان استناد به کانون‌های تفکر در روزنامه‌ها، متن مورد استفاده در تلویزیون و رادیو که در بانک اطلاعاتی لگزیس-نگزیس^۳ ذخیره و نگهداری می‌شود، جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار داده‌اند.

براساس نتایج پژوهش سالیانه‌ای که از سوی رسانه‌ها در خصوص استنادهای صورت گرفته با عنوان «انصاف و صحت در گزارش‌ها» به منظور اندازه‌گیری نفوذ سازمان‌ها توسط میکائیل دالنی انجام شده است، از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ کانون‌های تفکر محافظه‌کار بر رسانه‌های الکترونیکی و چاپی تسلط داشته‌اند. همچنین این پژوهش نشان می‌داد که کانون‌های تفکر محافظه‌کار و میانه‌رو به ترتیب ۵۰ و ۳۳ درصد همه استنادات را در سال ۲۰۰۵ دریافت کرده‌اند، در حالی که تنها ۱۶ درصد استنادات به سوی کانون‌های تفکر ترقی‌خواه یا لیبرال بوده است.

این درحالی است که در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ کانون‌های تفکر میانه‌رو به‌طور متوسط با ۴۸/۲۵ درصد کانون‌های تفکر محافظه‌کار با ۳۲ درصد و کانون‌های تفکر ترقی‌خواه یا لیبرال با ۱۹/۷۵ درصد به ترتیب بیشترین تا کمترین استنادات را داشته‌اند.

آخرین بررسی‌های انجام شده که از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ را مورد بررسی قرار داده، نشان می‌دهد که کانون‌های تفکر میانه‌رو با ۴۶ درصد در سال ۲۰۱۱ و ۴۶ درصد در سال ۲۰۱۲، کانون‌های تفکر محافظه‌کار با ۳۴ درصد در سال ۲۰۱۱ و ۳۵ درصد در سال ۲۰۱۲ و کانون‌های تفکر ترقی‌خواه یا لیبرال با ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۱ و ۱۹ درصد در سال ۲۰۱۲ به ترتیب بیشترین تا کمترین استنادها را داشته‌اند. در جداول ۸ و ۹ استنادهای انجام شده از سوی رسانه‌ها به ۲۵ کانون تفکر برتر آمریکا به ترتیب رتبه آنها در این خصوص و همچنین استنادها به کانون‌های تفکر براساس ایدئولوژی‌های مختلف از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ نشان داده شده است. در جدول زیر (جدول ۹) در هر چارچوب ابتدا میزان استنادها و در ذیل آن رتبه کانون تفکر در آن سال نوشته شده است. برای مثال شورای روابط خارجی که در سال ۲۰۱۲ در رتبه ۵ جدول قرار گرفته در سال ۲۰۱۱ رتبه ۴ و در سال ۲۰۱۰ رتبه ۵ و در سال ۲۰۰۹ رتبه ۳ را به خود اختصاص داده است.

1. CNN

2. Andrew Rich , Kent Weaver , Donald Abelson , and Michael Dolny

3. Lexis-Nexis



جدول ۹. رتبه‌بندی کانون‌های تفکر براساس میزان استناد به آنها از سوی رسانه

رتبه	کانون تفکر	گرایش سیاسی	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸
۱	مؤسسه بروکینگز	میان‌رو	۲۶۳۲	۲۴۶۵	۲۴۳۲	۲۳۷۰	۲۲۷۱
۲	بنیاد هریتیج	محافظه‌کار	۱۵۴۸	۱۴۸۸	۱۲۶۰	۱۲۲۷	۹۷۱
۳	مؤسسه آمریکن انترپرایز	محافظه‌کار	۱۱۹۶	۱۳۱۱	۱۰۲۲	۹۴۶	۱۰۲۶
۴	بنیاد خانواده کایزر	میان‌رو	۹۹۴	۷۲۸	۱۰۰۱	۱۰۶۱	۵۸۴
۵	شورای روابط خارجی	میان‌رو	۹۱۲	۱۰۶۵	۹۵۴	۱۰۸۳	۹۵۱
۶	مؤسسه کاتو	راست‌میانه	۷۷۳	۷۸۷	۷۲۴	۷۰۵	۶۰۱
۷	مرکز ترقی آمریکا	چپ‌میانه	۷۵۶	۸۸۴	۸۹۸	۹۴۹	۷۳۰
۸	مؤسسه اربن	چپ میانه	۶۸۸	۵۳۲	۴۵۱	۵۳۵	۵۲۷
۹	مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل	محافظه‌کار	۶۱۳	۷۳۲	۶۳۶	۷۰۵	۷۷۸
۱۰	مؤسسه رند	میان‌رو	۵۳۷	۵۱۵	۴۵۱	۶۵۶	۷۶۱
۱۱	مرکز اولویت‌های بودجه و سیاست	ترقی‌خواه	۵۲۴	۵۷۹	۴۵۵	۴۱۰	۳۳۵
۱۲	مؤسسه سیاست‌های شرق نزدیک واشنگتن	محافظه‌کار	۴۶۶	۲۵۱	-	-	-
۱۳	مؤسسه سیاست‌های اقتصادی	ترقی‌خواه	۴۵۸	۶۱۰	۵۷۴	۵۲۹	۶۰۶
۱۴	مؤسسه هوور	محافظه‌کار	۳۶۴	۴۳۰	۳۱۰	۲۷۲	۲۹۹
۱۵	مؤسسه منهتن	محافظه‌کار	۳۳۹	۲۶۷	۲۵۹	۲۳۵	۲۸۶
۱۶	بنیاد آمریکای نو	میان‌رو	۳۳۳	۴۷۲	۴۷۵	۵۲۸	۳۴۹
۱۷	مرکز سیاست	میان‌رو	۳۲۱	۲۴۲	۲۹۶	-	۳۷۱
۱۸	موقفه کارنگی صلح بین‌الملل	میان‌رو	۲۹۵	۵۰۵	۶۳۶	۴۲۱	۳۰۰
۱۹	مؤسسه آلن گوتماخر	چپ میانه	۲۹۳	۲۶۵	-	-	-
۲۰	مؤسسه اقتصاد بین‌الملل	میان‌رو	۲۵۵	۲۷۸	۲۱۹	۲۷۱	۲۷۷

رتبه	کانون تفکر	گرایش سیاسی	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸
۲۱	مؤسسه سیاست‌های عمومی کالیفرنیا	میان‌رو	۲۴۲	۲۰۷	۳۵۱	۲۴۵	۲۷۹
۲۲	مؤسسه اسپن	میان‌رو	۱۸۲	۲۴۹	۱۷۹	-	-
۲۳	مرکز دانش پژوهان بین‌المللی وودرو ویلسون	میان‌رو	۱۷۹	۲۴۵	-	-	۱۷۷
۲۴	شورای آتلانتیک ایالات متحده	میان‌رو	۱۶۸	۱۱۲	-	-	-
۲۵	مرکز پژوهش‌های اقتصاد و سیاست	ترقی‌خواه	۱۶۴	۲۳۰	۲۸۲	۳۰۴	۳۵۰
۲۶	مرکز مطالعات مهاجرتی	محافظه‌کار	-	-	۳۰۱	۲۴۸	۲۸۱
۲۷	مرکز اطلاعات حریم خصوصی الکترونیکی	ترقی‌خواه	-	-	۲۷۲	-	-
۲۸	صندوق مشترک المنافع	میان‌رو	-	-	۱۷۴	۳۱۳	۱۹۳
۲۹	گفتگوی درون آمریکایی	میان‌رو	-	-	-	۱۸۸	۲۰۴
۳۰	مؤسسه لگزینگتون	محافظه‌کار	-	-	-	۱۷۱	۲۳۵
۳۱	مرکز مشترک مطالعات سیاسی و اقتصادی	ترقی‌خواه	-	-	-	-	۲۰۶

توضیح: در هر چارچوب ابتدا میزان استنادها و در زیر آن رتبه کانون تفکر در آن سال نوشته شده است.

جدول ۱۰. درصد استناد رسانه‌ها بر اساس ایدئولوژی کانون‌های تفکر

نوع ایدئولوژی	۲۰۱۲	درصد	۲۰۱۱	درصد	۲۰۱۰	درصد	۲۰۰۹	درصد	۲۰۰۸	درصد
محافظه‌کار یا راست‌میانه	۵۲۹۹	۳۵	۵۲۶۴	۳۴	۴۵۱۲	۳۱	۴۵۰۹	۳۱	۴۴۷۷	۳۳
میان‌رو	۷۰۵۰	۴۶	۷۰۸۳	۴۶	۷۲۲۷	۴۹	۷۴۹۶	۵۱	۶۵۴۰	۴۷
ترقی‌خواه یا چپ‌میانه	۲۸۸۳	۱۹	۳۱۰۰	۲۰	۲۹۳۵	۲۰	۲۷۲۷	۱۹	۲۷۵۴	۲۰
جمع	۱۵۲۳۲	۱۰۰	۱۵۴۴۷	۱۰۰	۱۴۶۷۴	۱۰۰	۱۴۷۳۲	۱۰۰	۱۳۷۷۱	۱۰۰

در جدول زیر رتبه کانون‌های تفکر براساس میزان استناد رسانه‌ها به آنها بر مبنای بودجه سال ۲۰۱۲ نشان داده شده است. همچنین استناد رسانه‌ها به کانون‌های تفکر به ازای هر ۱۰۰۰۰ دلار بودجه مؤسسه نیز، که می‌توان آن را معیاری برای ارزیابی میزان کارایی در نظر گرفت، ذکر شده است. روش



محاسبه عبارت است از عدد موجود در بخش مجموع استنادات ضرب در ۱۰۰۰۰ تقسیم بر بودجه مؤسسه مورد نظر.

جدول ۱۱. رتبه کانون‌های تفکر براساس میزان استناد رسانه‌ها به آنها بر مبنای بودجه سال ۲۰۱۲

رتبه	سازمان	گرایش سیاسی	بودجه دلار	مجموع استنادات	استناد به ازای هر ۱۰,۰۰۰ دلار هزینه
۱	مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی و سیاسی	ترقی‌خواه	۱,۹۰۵,۸۵۱	۱۶۴	۰/۸۶
۲	مؤسسه سیاست‌های اقتصادی	ترقی‌خواه	۶,۰۴۳,۰۴۲	۴۵۸	۰/۷۶
۳	مؤسسه مطالعات شرق نزدیک واشنگتن	محافظه‌کار	۸,۷۴۱,۲۳۹	۴۶۶	۰/۵۳
۴	مؤسسه آمریکن انترپرایز	محافظه‌کار	۳۲,۲۳۵,۸۵۳	۱۱۹۶	۰/۳۷
۵	مؤسسه کاتو	راست میانه	۲۱,۸۷۲,۰۰۰	۷۷۳	۰/۳۵
۶	مؤسسه بروکینگز	میانه‌رو	۹۱,۱۷۸,۰۰۰	۲۶۳۲	۰/۲۹
۷	مؤسسه منهن	محافظه‌کار	۱۳,۴۱۷,۳۱۳	۳۳۹	۰/۲۵
۸	مرکز ترقی آمریکا	چپ میانه	۳۴,۱۵۶,۷۷۸	۷۵۶	۰/۲۲
۹	مرکز اقتصاد بین‌الملل	میانه‌رو	۱۱,۶۷۶,۲۰۰	۲۵۵	۰/۲۲
۱۰	شورای آتلانتیک ایالات متحده	میانه‌رو	۱۲,۳۰۱,۴۷۳	۱۶۸	۰/۲۲
۱۱	بنیاد خانواده کایزر	میانه‌رو	۴۶,۰۰۲,۹۵۲	۹۹۴	۰/۲۲
۱۲	بنیاد آمریکای نوین	میانه‌رو	۲۱,۶۳۴,۸۳۱	۳۳۳	۰/۲۲
۱۳	مؤسسه بخش عمومی کالیفرنیا	میانه‌رو	۱۲,۳۶۴,۰۰۰	۲۴۲	۰/۲۰
۱۴	بنیاد هریتیج	محافظه‌کار	۸۰,۵۳۸,۰۵۰	۱۵۴۸	۰/۱۹
۱۵	مؤسسه آلن گوتماخر	چپ میانه	۱۵,۲۹۹,۹۸۴	۲۹۳	۰/۱۹
۱۶	مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل	محافظه‌کار	۳۳,۰۱۲,۲۷۳	۶۱۳	۰/۱۹
۱۷	شورای روابط خارجی	میانه‌رو	۵۳,۶۹۹,۲۰۰	۹۱۲	۰/۱۷
۱۸	مرکز اولویت‌های بودجه و سیاست	ترقی‌خواه	۳۱,۹۰۲,۲۷۷	۵۲۴	۰/۱۶
۱۹	موقوفه کارنگی	میانه‌رو	۳۰,۰۹۵,۱۴۸	۲۹۵	۰/۱۰
۲۰	مؤسسه وودرو ویلسون	میانه‌رو	۱۹,۲۵۶,۰۸۴	۱۷۹	۰/۰۹
۲۱	مؤسسه آرین	چپ میانه	۷۵,۳۱۰,۰۰۰	۶۸۸	۰/۰۹
۲۲	مؤسسه اسپن	میانه‌رو	۷۳,۵۴۸,۴۸۱	۱۸۲	۰/۰۲
۲۳	مؤسسه رند	میانه‌رو	۲۷۹,۴۳۰,۳۷	۵۳۷	۰/۰۲

جدول ۱۲. رتبه کانون‌های تفکر براساس میزان اثربخشی وب سایت آنها بر حسب بودجه سال ۲۰۱۲

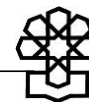
میزان ترافیک بر حسب یک میلیون بازدید کننده است

رتبه	سازمان	گرایش سیاسی	بودجه دلار	ترافیک وب	میزان اثربخشی وب سایت
۱	مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی و سیاسی	ترقی خواه	۱,۹۰۵,۸۵۱	۸/۷	۴/۵۶
۲	مؤسسه کاتو	راست‌میانه	۲۱,۸۷۲,۰۰۰	۵۵	۲/۵۱
۳	بنیاد هریتیج	محافظه‌کار	۸۰,۵۳۸,۰۵۰	۱۷۳	۲/۱۵
۴	مؤسسه سیاست‌های اقتصادی	ترقی خواه	۶,۰۴۳,۰۴۲	۱۲	۱/۹۹
۵	مؤسسه مطالعات شرق نزدیک واشنگتن	محافظه‌کار	۸,۷۴۱,۲۳۹	۱۱/۸	۱/۵۳
۶	شورای اتلانتیک ایالات متحده	میانه‌رو	۱۲,۳۰۱,۴۷۳	۱۴/۴	۱/۱۷
۷	شورای روابط خارجی	میانه‌رو	۵۳,۶۹۹,۲۰۰	۵۴	۱/۰۱
۸	مرکز ترقی آمریکا	چپ میانه	۳۴,۱۵۶,۷۷۸	۲۸/۷	۰/۸۴
۹	مؤسسه آلن گوتماخر	چپ میانه	۱۵,۲۹۹,۹۸۴	۱۲/۶	۰/۸۲
۱۰	مؤسسه بروکینگز	میانه‌رو	۹۱,۱۷۸,۰۰۰	۷۳	۰/۸۰
۱۱	بنیاد خانواده کایزر	میانه‌رو	۴۶,۰۰۲,۹۵۲	۲۸/۶	۰/۶۲
۱۲	مؤسسه وودرو ویلسون	میانه‌رو	۱۹,۲۵۶,۰۸۴	۱۱/۹	۰/۶۲
۱۳	مؤسسه آمریکن انترپرایز	محافظه‌کار	۳۲,۲۳۵,۸۵۳	۱۸/۱	۰/۵۶
۱۴	موقوفه کارنگی	میانه‌رو	۳۰,۰۹۵,۱۴۸	۱۵/۶	۰/۵۲
۱۵	مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل	محافظه‌کار	۳۳,۰۱۲,۲۷۳	۱۵/۱	۰/۴۶
۱۶	مؤسسه منهن	محافظه‌کار	۱۳,۴۱۷,۳۱۳	۳/۶	۰/۲۷
۱۷	مرکز اولویت‌های بودجه و سیاست	ترقی خواه	۳۱,۹۰۲,۲۷۷	۸	۰/۲۵
۱۸	مرکز اقتصاد بین‌الملل	میانه‌رو	۱۱,۶۷۶,۲۰۰	۲/۵	۰/۲۱
۱۹	مؤسسه اربن	چپ میانه	۷۵,۳۱۰,۰۰۰	۱۴/۱	۰/۱۹
۲۰	مؤسسه بخش عمومی کالیفرنیا	میانه‌رو	۱۲,۳۴۴,۰۰۰	۲/۳	۰/۱۹
۲۱	مؤسسه اسپن	میانه‌رو	۷۳,۵۴۸,۴۸۱	۱۱	۰/۱۵
۲۲	مؤسسه رند	میانه‌رو	۲۷۹,۴۳۰,۳۷۱	۳۰	۰/۱۱
۲۳	بنیاد آمریکای نوین	میانه‌رو	۲۱,۶۳۴,۸۳۱	۲/۲	۰/۱۰

مأخذ: گزارش انصاف و صحت (FAIR) گروه بین‌المللی نظارت بر رسانه‌ها.

ارتباط با سازمان‌های دولتی

کانون‌های تفکر آمریکا به‌طور خاصی به حفظ خطوط ارتباطی خود با اعضای کنگره و کارکنان آن، مقامات ارشد دولتی، قضات فدرال و نمایندگی‌های ایالت‌ها و هیئت‌های محلی علاقمندان. کارشناسان کانون‌های تفکر به‌طور منظم در جلسات کنگره اظهارنظر می‌کنند و نیز جلسات شخصی و انفرادی با اعضای کنگره، رؤسای دولتی و کارکنان آن برگزار می‌کنند. در عوض مقامات ارشد دولتی و اعضای کنگره نیز در مراسم و برنامه‌های کانون‌های تفکر دعوت می‌شوند که برای آنها فرصتی فراهم می‌کند تا



ایده‌ها و نوآوری‌های سیاسی را در زمینی بی‌طرف و در مقابل مخاطبانی که عموماً کارشناسان مرتبط هستند، مورد آزمون قرار دهند.

برای مثال، شورای روابط خارجی^۱ برنامه‌ای با عنوان کنگره و سیاست‌های خارجی دارد که اعضای کنگره را از هر دو حزب اصلی گرد هم می‌آورد. به علاوه اعضای کنگره به‌عنوان عضو هیئت رئیسه در بسیاری از کانون‌های تفکر خدمت می‌کنند و در حال حاضر نیز اعضای سابق کنگره به‌عنوان رئیس با سه کانون تفکر همکاری می‌کنند.

برخی از کانون‌های تفکر آمریکایی از روی برنامه و با نیت قبلی در پی ایجاد یا تقویت ارتباط با محافل سیاسی‌اند. زیرا بخش قابل توجهی از بودجه خود را از طریق انجام امور پیمانکاری (طرح‌های پژوهشی، انجام مطالعات، همکاری در تدوین قوانین) با سازمان‌های دولتی مختلف به دست می‌آورند مانند مؤسسه‌های رند و اربن.

روشن است که در این مرحله پرسشی منطقی مطرح می‌شود و آن این است که با توجه به هزینه‌هایی که صرف فعالیت‌های کانون‌های تفکر می‌شود، این سازمان‌ها به چه میزان بر سیاست‌های بخش عمومی تأثیرگذارند؟ در بخش بعدی به این پرسش پاسخ داده خواهد شد.

فصل هفتم – سنجش میزان نفوذ و تأثیرگذاری کانون‌های تفکر

دانشمندان حوزه سیاست کانون‌های تفکر را بخشی از نخبگان سیاسی یا مؤسسه‌هایی می‌بینند که به منظور دستیابی به منافع خاصی در یک چارچوب سیاسی کثرت‌گرا برای جلب نظر سیاستگذاران با یکدیگر رقابت می‌کنند. هیچ‌یک از این رویکردها کمکی به تعیین نوع و میزان تأثیرگذاری کانون‌های تفکر بر خط‌مشی‌ها یا سیاست‌ها، نمی‌کنند.

فرآیند سیاستگذاری را می‌توان به مراحل تعریف مسئله، درک مسئله، جلب توجه مردم به مسئله، انتخاب سیاست‌ها و تصویب آنها و پیاده‌سازی و اجرا تقسیم کرد.

دونالد اِبلسون^۲ نتیجه‌گیری می‌کند نفوذ و تأثیرگذاری بر واشنگتن دی سی (دولت آمریکا) می‌تواند الگوهای مختلفی داشته باشد. برای مثال درحالی که برخی از مؤسسه‌ها به‌طور موفقیت‌آمیزی کاملاً پشت صحنه و بدون سر و صدا و تبلیغات فعالیت می‌کنند، گروهی دیگر با رویکرد بازتری (رجوع به رسانه‌ها، تبلیغات، سخنرانی‌ها و...) سعی در دگرگون کردن عقاید و افکار دارند. او می‌گوید برای فهم بهتر مفهوم نفوذ و تأثیرگذاری و همچنین چگونگی سنجش آن ضرورت دارد در ابتدا نحوه کار کانون‌های

1. Council for Foreign Relation (CFR)

2. Donald Abelson

تفکر را بشناسیم و پس از آن مسیرهای نفوذ و تأثیرگذاری و در نهایت سنجش آنها را با شاخص‌های مستقیم و غیرمستقیم انجام دهیم.

در زیر شرح گام‌هایی می‌آید که برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و دولت طی می‌شود:

– **بیان مسئله:** سخن گفتن با افکار عمومی، میانجی‌ها مانند رسانه‌ها، نخبگان، دولت، هدایت جریان سیاسی (خط‌مشی)، شکل دادن به ائتلاف‌ها، تبدیل مسئله به موضوع بحث روز.

– **تدوین سیاست:** مطالعات، ارزیابی‌ها، جلسات، اظهارات و گواهی‌ها، مشورت‌ها، شبکه‌ها، پروژه‌های نمادین و نمایش تأثیر آنها.

– **پیاده‌سازی و اجرای سیاست:** پیمانکاری، مشاوره‌ای، رسانه‌ها، پشتیبانی از مقامات رسمی، آموزش، نگهداری از پایگاه داده‌ها.

به هر حال به‌ویژه در ایالات متحده که فرآیند سیاستگذاری شامل بازیگران خارجی که بیرون از نیرو و نفوذ دولت است نیز می‌شود، سنجش تأثیرگذاری و نفوذ حتی سخت‌تر از تعیین و مشخص کردن چیزی است که تأثیرگذاری و نفوذ تلقی می‌شود. اگر کسی نسبت به این ادعاها و ارزش چنین شواهدی بدبین باشد، راه‌های دیگری برای سنجش ارتباط فرآیند سیاسی با یک برنامه و نیروهای بالقوه شکل‌دهنده به نتایج و پیامدها وجود دارد:

– ارتباط و نزدیکی با سیاستگذاران - مجریان.
 – ارتباط اعضای هیئت‌ها (هیئت رئیسه)، مشاوران و غیره با سیاستگذاران.
 – گستردگی و کیفیت چرخه تولید پژوهش.
 – به‌کارگیری محصولات توسط سیاستگذاران.
 – به‌کارگیری محصولات توسط دیگر نخبگان با نفوذ، هیئت‌های تحریریه، ستون‌نویسان، مفسران رسانه‌ای.

– به‌کارگیری محصولات توسط گروه‌های فشار و سایر بازیگران مدنی.
 – مجموع ارجاع رسانه‌ها به محصول پژوهشی.
 – میزان ارتباطات یا تماس‌ها با سیاستگذاران یا اجراکنندگان سیاست‌ها.
 – میزان ارتباط میان اعضای هیئت رئیسه، مشاوران با سیاستگذاران.
 – میزان گستردگی یا کیفیت چرخه تولید پژوهش.
 – میزان به‌کارگیری محصولات پژوهشی تولیدی کانون‌های تفکر از سوی سیاستگذاران (میزان ارجاع از سوی عموم).

– میزان به‌کارگیری از سوی گروه‌های فشار^۱ و دیگر بازیگران مدنی.



- ارجاع تجمعی رسانه‌ها به محصولات پژوهشی.
- ارجاعات و تجزیه و تحلیل‌های انجام یافته از سوی ژورنال‌های علمی، رسانه‌های جدید و قضاوت‌های عمومی به پژوهش‌های تولیدی.
- دونالد ابلسون^۱ و دایان استون^۲ معتقدند، کانون‌های تفکر و شبکه‌ها، شیوه‌ها و معیارهای گوناگونی را برای فهم برآورد سهم خود در فرآیندهای سیاسی و ارتقای سطح مباحث عمومی دارند. از جمله این معیارها عبارتند از:
- اندازه ستون اختصاص داده شده یا تعداد ارجاعات از سوی روزنامه‌ها.
- تعداد دفعات مراجعه به وبسایت یا درخواست صفحه مربوط (از سوی کاربران سایت).
- تعداد دفعات مصاحبه‌های رادیویی یا تلویزیونی.
- تعداد نشریاتی که همزمان اقدام به نشر و تحلیل پژوهش و تحقیق ارائه شده کرده‌اند.
- میزان حضور سیاستمداران، افراد حرفه‌ای و عموم در برنامه‌ها، سخنرانی‌ها و همایش‌های مؤسسه.
- ایجاد برنامه‌های جدید، جذب نیروهای جدید، احیا و از سرگیری طرح‌ها.
- افزودن بر میزان جذب منابع مالی، انعقاد قراردادهای دولتی و منابع دیگر تأمین مالی در سال‌های گذشته.
- تعداد انتصاب‌های کارکنان پژوهشی به سمت هیئت‌های مشورتی دولتی.
- میزان پیشرفت حرفه‌ای پژوهشگران در سازمان‌های دولتی و بین‌المللی.
- در حالی که ۴ مورد اول (از موارد یاد شده در بالا) وسعت پذیرش میزان تقاضا برای خروجی‌های کانون‌های تفکر را نشان می‌دهد، ۴ مورد آخر میزان منابع در دسترس این سازمان‌های را تعیین می‌کند. الگوهای تحلیل سیستم‌ها (نظام‌ها) و بازار که در بررسی دقیق کانون‌های تفکر در سال ۱۹۹۰ به کار برده شد، به روشن شدن رابطه کانون‌های تفکر با جوامع تأمین‌کننده منابع مالی، سیاسی و آکادمیک کمک کرد. به ویژه از ارتباط میان این موجودیت‌ها و استفاده‌کنندگان از پژوهش‌های سیاست‌های بخش عمومی به عنوان نتیجه این کوشش یاد شده است.^۳ تشخیص اینکه اعطاکنندگان منابع مالی اغلب بازیگران ثالثی هستند و استفاده‌کنندگان مستقیم محصولات تولیدشده توسط کانون‌های تفکر نیستند، حائز اهمیت است.
- فهم الگوی تحلیل نظام و بازار که در کتاب «رقابت برای پژوهشگر، دلار و تأثیرگذاری: در صنعت پژوهش در حوزه سیاست‌های بخش عمومی» به ما توان توسعه گروهی از شاخص‌ها را می‌دهد که حس درست‌تری از نقش، تأثیر و نفوذ بر بازار ایده‌ها فراهم کند:

1. Donald Abelson
2. Diane Stone
3. McGann, 2007

شاخص‌های منابع: توانایی به خدمت گرفتن و حفظ پژوهشگران و تحلیلگران پیشرو؛ اندازه، کیفیت و ثبات پشتیبانی‌های مالی؛ نزدیکی و دسترسی به سیاستگذاران و دیگر نخبگان سیاسی؛ کارکنانی که توانایی شناخت، تحلیل و تولید پژوهش‌ها و تحلیل‌های به هنگام و تأثیرگذار را داشته باشند، ارزش و اعتبار مؤسسه، کیفیت و قابلیت اطمینان شبکه‌های همکاری و تماس‌های کلیدی با جامعه سیاستمداران، دانشگاهیان و رسانه‌ها.

شاخص‌های خروجی: تعداد و کیفیت پیشنهادهای سیاستی و ایده‌ها و همچنین نشریات تولید شده (کتاب‌ها، مقالات نشریه‌ای، خلاصه‌های سیاستی و غیره). مصاحبه‌های خبری، جلسات، همایش‌ها و گردهمایی‌ها و شمار کارکنانی که برای پست‌های مشاوره‌ای در دولت نامزد شده‌اند.

شاخص‌های به‌کارگیری: بیان عنوان‌های چون «سازمانی که دولت به آن متکی است» از سوی رسانه‌ها یا نخبگان سیاسی در واشنگتن دی سی؛ میزان ظهور و دیده شدن در رسانه‌ها و وب سایت‌ها، شهادت دادن در کنگره، برگزاری جلسات، انتصاب‌های رسمی، مورد مشورت قرار گرفتن از سوی مقامات رسمی یا سازمان‌ها و ادارات دولتی، نمایندگی‌ها؛ کتاب‌های فروخته شده، گزارش‌های توزیع شده و شمار حاضرین در همایش‌ها و گردهمایی‌های سازماندهی شده.

شاخص‌های تأثیرگذاری: طرح‌ها و توصیه‌هایی که از سوی سیاستگذاران یا مراکز سیاستگذاری مورد توجه قرار گرفته یا تصویب شده است؛ ایفای نقش‌های مشاوره‌ای برای احزاب سیاسی، کاندیداها، تیم‌های انتقالی، اعطاکنندگان جوایز، استندهایی که از سوی ژورنال‌های آکادمیک و رسانه‌ها انجام می‌شود؛ تأثیرگذاری از طریق وبسایت و پست الکترونیکی؛ موفقیت در به چالش کشیدن عقل عرفی و متداول و روش‌های اجرایی متعارف دیوانسالاران و مقامات رسمی منتخب در واشنگتن دی سی.

از آنجا که کانون‌های تفکر با لابیست‌ها تفاوت دارند و قوانین مالیاتی مربوط به سازمان‌های غیرانتفاعی در ایالات متحده آنان را از تلاش برای نفوذ بر بخش‌های معینی در زمینه قانونگذاری منع کرده است، بدین جهت کانون‌های تفکر به جای اغراق کردن تمایل به کم اهمیت نشان دادن میزان تأثیرگذاری خود بر مسائل مهم سیاستی دارند.

علاوه بر این با توجه به پیچیدگی فرآیند قانونگذاری و تعدد منافع در رقابت با یکدیگر در امور سیاسی آمریکا، مشکل است که یک بازیگر بتواند خود را مدعی داشتن مسئولیت واحد در سیاستگذاری‌های عمومی بداند (مدعی باشد که صرفاً تحت تأثیر او این سیاست اجرا شده است).

در نهایت از آنجا که هیچ تجزیه و تحلیل نظام‌مندی از کانون‌های تفکر و میزان نفوذ آنها بر سیاست‌های بخش عمومی وجود نداشته است، بدین جهت برای ارزیابی تأثیر کانون‌های تفکر باید متکی بر شاخص‌های غیرمستقیم بود.



بارزترین شاخص برای ارزیابی تأثیر اقدامات کانون‌های تفکر تصویب، تغییر و اجرای طرح‌ها و قوانین موجود است. اگرچه انجام مطالعه و به‌دست آوردن داده و اطلاعات در زمینه رابطه علت و معلول موارد اشاره شده با توجه به اینکه تأمین‌کنندگان مالی تمایلی به پشتیبانی از این‌گونه پژوهش‌ها را ندارند، مشکل است. به خاطر این محدودیت‌ها ناچار با اتکا به روایت‌ها، شهادت سیاستگذاران، شواهد محیطی (پیرامونی) به جای شواهد انکارناپذیر و متقن هستیم.

کانون‌های تفکر از طریق کمک به ایجاد شبکه‌های سیاستی و شکل دادن به ائتلاف‌ها (که جریان‌های سیاسی تأثیرگذار بر قوای قانونگذاری و اجرای حکومت را تغذیه می‌کنند)، نقش هماهنگ‌کننده را ایفا می‌کنند.

همچنین کانون‌های تفکر از راه‌های دیگری بر فرآیند سیاستگذاری، تأثیر می‌گذارند. یکی از این راه‌ها معرفی سیاستگذاران و کارکنان کلیدی برای تدوین و اجرای سیاست‌هاست که طی آن کارشناسان مستقر در کانون‌های تفکر در جایگاه مدیران ارشد قرار می‌گیرند و بالعکس این جابجایی‌ها نوعی وضعیت چرخشی (مانند درهای چرخان) ایجاد می‌کند که برای افراد شناخت بسیار خوبی از شرایط موجود هم برای پژوهش و تحلیل و هم برای تدوین و اجرا فراهم می‌کند.

سیاستگذاران، کانون‌های تفکر را به‌صورت علنی و آشکار برای ارائه ایده‌های سیاستی و پیشنهادها، اعلام سیاست‌های مهم و محوری یا دفاع از سیاست‌های موجود به‌کار می‌گیرند.

کانون‌های تفکری چون رند، مؤسسه اربن یا مؤسسه تحلیل‌های دفاعی^۱ به‌طور مستمر و به شکل پیمانکاری با سازمان‌های اجرایی کار می‌کنند و تمایل به دور کردن از سیاست‌های کنگره و توجه رسانه‌ها و فراهم ساختن پشتیبانی همه‌جانبه و گسترده از کارکنان دولت در همه سازمان‌های اجرایی در واشنگتن دی سی دارند.

به‌طور کلی کانون‌های تفکر آمریکایی از نوعی مزیت رقابتی برخوردارند که دلیل آن دسترسی این مؤسسه‌ها به سیاستگذاران و رسانه‌هاست که دسترسی و استفاده از پژوهش‌ها و تحلیل‌های آنها را از سوی سیاستگذاران ارشد و عموم افزایش می‌دهد.

برخی از کانون‌های تفکر آمریکایی به‌دلیل درجه آزادی بیشتر، محدودیت‌های قانونی و دیپلماتیک کمتر و شبکه‌های بهتر نسبت به ایالت‌ها، دولت‌ها و ساختارهای دیوان‌سالاری، در مقایسه با دیگر سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های خارجی حتی بر مقامات رسمی در حوزه‌های قانونگذاری و اجرای دولت نیز مزیت رقابتی دارند.

فصل هشتم - منابع مالی کانون‌های تفکر

متمایزترین ویژگی کانون‌های تفکر آمریکا استقلال آنهاست. برای درک طبیعت استثنایی کانون‌های تفکر در آمریکا کافی است در نظر داشته باشیم که تعداد ۱۸۳۰ کانون تفکر مستقل امروزه در ایالت متحده آمریکا فعال‌اند، یعنی بیش از هر کشور دیگر در جهان. شگفت‌انگیزتر این است که اکثریت گسترده‌ای از این سازمان‌ها از سوی بخش خصوصی پشتیبانی می‌شوند، چیزی که خلاف سایر کشورهای جهان است. یکی از دلایل این موضوع آن است که ایالات متحده از یک جامعه مدنی توسعه یافته و فرهنگ نوع دوستانه برخوردار است و همچنین در قوانین آن مجموعه‌ای از اعتبارات مالیاتی و مشوق‌هایی پیش‌بینی شده است که بنگاه‌های اقتصادی و افراد را برای پشتیبانی از کانون‌های تفکر و دیگر سازمان‌های مدنی تشویق می‌کند.

علاوه بر این کشور دیگری که دارای یک چنین فضای سیاسی باشد که توانایی پشتیبانی از این تعداد مؤسسه را داشته باشد، وجود ندارد.

هرچند که به وضوح برخی از این تأمین‌کنندگان مالی اهداف شخصی و سیاسی خود را دنبال می‌کنند، اما بسیاری از افراد نوع دوست هم هستند که علایق روشنفکری شخصی و تمایل به کمک به بهبود شرایط جهان، انگیزه اقدام آنهاست. مانند سازمان‌های که خصوصی اداره می‌شوند، کانون‌های تفکر نیز از وضعیت ویژه مالیاتی سازمان‌های غیر انتفاعی که آنها را از درآمدهای مالیاتی ایالتی و فدرال معاف می‌کند بهره‌مندند. این وضعیت همچنین امکانی را برای افراد و بنگاه‌های اقتصادی فراهم می‌کند که با سهیم شدن در فعالیت کانون‌های تفکر و تأمین مالی این قبیل از مؤسسه‌ها از کسورات و تخفیف‌های مالیاتی برخوردار شوند.

اندیشه‌های عصر ترقی خواهی که بخشی از آن دخیل کردن دانش و عقلانیت در تصمیم‌گیری‌های دولت بود، از سوی کمک‌های سخاوتمندانه افرادی چون رابرت بروکینگز^۱ دنبال شد و در سال ۱۹۲۷ او مؤسسه بروکینگز را تأسیس کرد که مؤسسه‌ای مستقل و پژوهشی است و به منظور حل مسائل و مشکلات دولتی و اقتصادی فعالیت می‌کند (و به همین منظور وقف شده است) و با ادغام دانشکده تحصیلات تکمیلی رابرت بروکینگز^۲ و مؤسسه علوم اقتصادی^۳ و همچنین مؤسسه قدیمی پژوهش‌های دولتی^۴ که در سال ۱۹۱۶ تأسیس شده بود، فعالیت پژوهشی خود را آغاز کرد.

-
1. Robert Brookings
 2. Robert Brookings Graduate School
 3. The institute of Economics
 4. The Institute for Governmental Research



همچنین به منظور پاسخگویی به پرسش‌های مربوط به جنگ و صلح، اندرو کارنگی هدیه سخاوتمندانه‌ای به مبلغ ۱۰ میلیون دلار را در سال ۱۹۱۰ اعطا کرد که منجر به تأسیس موقوفه کارنگی برای صلح بین‌الملل شد.

در طول قرن گذشته شمار بنیادهای خصوصی و میزان سرمایه آنها به‌طور چشمگیری از طریق نام‌های چون کارنگی،^۱ فورت مات،^۲ مک آرتور،^۳ پیو،^۴ راکفلر^۵ که با بسیاری از کانون‌های تفکر در آمریکا گره خورده است، گسترش یافت.

تازه واردهایی چون آنبرگ،^۶ باوفوت،^۷ گیتز،^۸ هیوبت،^۹ آلین،^{۱۰} پاکارد،^{۱۱} اسکافی،^{۱۲} و سورس^{۱۳} نام خود را با پشتیبانی از زنجیره‌ای از موضوعات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین مؤسسه‌ها اعتبار بخشیدند.

در حالی که بودجه کانون‌های تفکر نسبت به سهم سازمان‌های مذهبی، کالج‌ها و دانشگاه‌ها، تکه کوچکی از کیک بزرگ نوع دوستی و بخشندگی است، ولی این بودجه سوختی است که ایده‌های این صنعت را مشتعل می‌کند.

در آمریکا ۶۰۰۳۱ بنیاد خصوصی با سرمایه‌ای بالغ بر ۴۲۵,۱۰۳,۰۰۰ دلار وجود دارد. تعداد ۱۸۳۰ کانون تفکر در زمینه پژوهش‌های سیاست خارجی و جوامع مدنی در ایالات متحده شناسایی شده‌اند و براساس پژوهش‌های انجام یافته بیشتر این کانون‌های تفکر متوسط بودجه‌ای مابین ۵۰۰,۰۰۰ تا ۷۵۰,۰۰۰ دلار در سال دارند. از این داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مجموع کمک‌های ارائه شده به کانون‌های تفکر چیزی در حدود ۸۸۲,۵۰۰,۰۰۰ تا ۱,۳۲۳,۷۵۰,۰۰۰ دلار در سال است که بیشتر آن از سوی بخش خصوصی پرداخت شده است.

سهم تخصیص یافته به بنیادهای بزرگ اغلب عناوین اصلی خبری را به خود اختصاص داده و بر این حقیقت که بیشتر کانون‌های تفکر متکی به مهربانی و بخشندگی بخش کوچکی از نهادهای تأمین‌کننده مالی‌اند، سایه می‌افکند.

شایان توجه است که بیشتر پشتیبانی‌های خصوصی از کانون‌های تفکر از سوی افراد، بنگاه‌های اقتصادی کوچک و بنیادهای خصوصی کوچک تأمین می‌شود. به‌طور کلی کانون‌های تفکر هزینه

-
1. Carnegie
 2. Ford Mott
 3. MacArthur
 4. Pew
 5. Rockefeller
 6. Annenberg
 7. Buffet
 8. Gates
 9. Hewlett
 10. Olin
 11. Packard
 12. Scaife
 13. Soros

فعالیت‌های خود را با تأمین بودجه از سوی بخش خصوصی، شرکت‌ها، افراد، هدایای دولتی و قراردادهای و همچنین درآمد موقوفه‌ها به دست می‌آورند. به علاوه این سازمان‌ها از طریق فروش نشریات، برگزاری همایش‌ها و برنامه‌ها درآمد کمی هم کسب می‌کنند. ترکیب بودجه از مؤسسه‌ای به مؤسسه دیگر تفاوت دارد، ولی همه کانون‌های تفکر کوشش می‌کنند به منظور اجتناب از اتکالی کامل به جریان مالی یا اهدای خاص، منابع مالی گوناگون را برای خود فراهم کنند.

جدول ۱۳ دیدی کلی در خصوص سطح بودجه کانون‌های تفکر برجسته در ایالات متحده را نشان می‌دهد. در طول سالیان مسئله تأمین بودجه یکی از نگرانی‌های فزاینده اکثر کانون‌های تفکر بوده است.

جدول ۱۳. درآمدها و هزینه‌های برخی از کانون‌های تفکر آمریکا

نام مؤسسه	سال مالی	درآمد (دلار)	هزینه (دلار)
مرکز هنری ال. استیمسن	۲۰۱۳	۴,۸۹۶,۱۹۵	۵,۹۸۶,۳۴۱
بنیاد آمریکای نو	۲۰۱۳	۱۹,۸۷۴,۷۷۹	۱۹,۴۰۸,۳۶۹
مؤسسه سیاست‌های عمومی بیکر-دانشگاه رایس	۲۰۱۴	۹,۹۸۰,۰۰۰	۸,۵۴۰,۰۰۰
مرکز مشترک مطالعات سیاسی و اقتصادی	۲۰۱۱	۷,۱۳۶,۶۹۱	۶,۲۴۸,۰۹۲
مؤسسه سیاست‌های اقتصادی	۲۰۱۲	۵,۰۱۳,۱۵۹	۶,۰۴۳,۰۴۲
مؤسسه صلح ایالات متحده	۲۰۱۲	۳۹,۵۰۰,۰۰۰	-
مرکز نیکسون	۲۰۱۲	۱,۱۷۷,۷۴۷	۲,۸۱۵,۰۰۰
مؤسسه اقتصاد بین‌الملل	۲۰۰۴	۷,۳۵۶,۷۲۵	۷,۶۴۶,۰۷۵
مؤسسه هادسون	۲۰۱۲	۱۳,۸۴۴,۰۰۰	۱۰,۲۳۷,۰۰۰
مرکز اولویت‌های سیاسی و بودجه	۲۰۱۳	۳۷,۵۸۶,۷۶۰	۲۷,۳۸۳,۹۳۳
مؤسسه بروکینگز	۲۰۱۴	۱۰۷,۵۶۲,۰۰۰	۹۸,۹۸۴,۰۰۰
مؤسسه کاتو	۲۰۱۴	۲۹,۱۴۵,۰۰۰	۲۵,۲۹۰,۰۰۰
مرکز پژوهشگران وودرو ویلسون	۲۰۱۳	۱۵,۰۳۷,۴۶۱	۱۹,۱۶۱,۹۷۷
مؤسسه منابع آینده	۲۰۱۴	۱۰,۱۴۴,۹۳۴	۱۳,۶۷۴,۶۶۰
اداره ملی پژوهش‌های اقتصادی	۲۰۱۴	۳۷,۸۱۴,۳۱۴	۳۵,۶۶۹,۵۴۳
مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل	۲۰۱۳	۳۲,۳۰۰,۰۰۰	۳۲,۲۰۰,۰۰۰
موقفه کارنگی صلح بین‌الملل	۲۰۱۴	۲۶,۹۲۳,۷۶۴	۳۱,۴۶۸,۳۶۱
مؤسسه آمریکن انتر پرایز	۲۰۱۴	۶۴,۰۱۱,۵۰۵	۲۸,۵۷۵,۵۹۹
شورای روابط خارجی	۲۰۱۴	۶۱,۰۵۰,۱۰۰	۶۴,۷۲۲,۹۰۰
مؤسسه هور - دانشگاه استنفورد	۲۰۱۴	۵۶,۱۰۰,۰۰۰	۴۷,۲۰۰,۰۰۰
بنیاد جی یو هریتیج	۲۰۱۳	۱۱۲,۶۹۰,۱۴۷	۸۰,۱۶۱,۷۳۵
مؤسسه آربن	۲۰۱۳	۷۷,۳۶۸,۲۸۷	۷۷,۹۱۲,۵۵۷
مرکز کارتر	۲۰۱۳	۲۱۷,۷۰۹,۱۷۰	۲۰۵,۷۷۹,۱۴۸
مؤسسه رند	۲۰۱۴	۳۱۳,۲۰۰,۰۰۰	۲۹۷,۰۰۰,۰۰۰



زمانی که رشد شمار و انواع کانون‌های تفکر مقارن شد با تغییر سیاست‌های مالی بیشتر اهداکنندگان، این موضوع همه کانون‌های تفکر را مجبور به یادگیری - اینکه چگونه مؤسسه و ایده‌های آن را بسته‌بندی و عرضه نمایند - کرد. این رقابت فزاینده برای دریافت دلارهای اهدایی بسیاری از کانون‌های تفکر را مجبور ساخت برای اینکه به‌طور مؤثری از رقیبانشان متمایز شوند، دست به فعالیت‌های تخصصی بزنند.

بیش از دوسوم مؤسساتی که در ۲۰ سال اخیر پا به عرصه وجود گذاشته‌اند مؤسسات پژوهشی تخصصی بوده‌اند. این تخصص‌ها به‌طور کلی در دو شکل اصلی دیده می‌شوند:

۱. موضوعی (علوم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و...)

۲. ایدئولوژی (محافظه‌کار، ترقی‌خواه و...).

محیط رقابتی به سود پژوهشگران و مؤسساتی بوده که ویژگی کارآفرینانه بیشتری را نسبت به آنها که توانایی بسته‌بندی و فروش برنامه‌ها و محصولات خود را نداشته‌اند، دارا بوده‌اند.

درحالی که برخی از جنبه‌های رشد شمار کانون‌های تفکر و حرکت به سوی سازمان‌های تخصصی و موضوع محور مثبت بوده است، با وجود این، این مؤسسه‌ها بر سر همان منابع نادری رقابت می‌کنند که سازمان‌های پژوهشی چند منظوره (چند تخصصی) نیز به دنبال آن هستند.

کارشناسان معتقدند کمبود نقدینگی هنوز بر کانون‌های تفکر جناح راست و چپ به یک اندازه تأثیر نداشته است. از سوی دیگر کانون‌های تفکر جناح راست برنده جنگ به اصطلاح ایده‌ها بوده‌اند و این پیروزی به دلیل دسترسی آنها به پشتیبانی مالی گسترده‌تر بوده است. با این حال اگرچه مطالعات بی‌شماری سعی در سنجش میزان مبالغ مالی دریافتی از سوی سازمان‌های محافظه‌کار و ترقی‌خواه را داشته‌اند، ولی اثبات این موضوع کار مشکلی است.

با عنایت به تعداد قابل توجه کانون‌های تفکر و مشکل طبقه‌بندی بسیاری از آنها در طیف‌های گوناگون ایدئولوژیک، بسیاری از مطالعات از ارائه تعریفی معتبر در خصوص ظرفیت مالی کانون‌های تفکر محافظه‌کار و ترقی‌خواه عاجزاند. تحقیقات مرکز مطالعات جایگزین^۱ که چند بار تجدید شده، نشان می‌دهد که اکثریت کانون‌های تفکر محافظه‌کار در واشنگتن دی سی (مانند مؤسسه آمریکن انترپرایز، شورای مبادلات قانونی آمریکا و مؤسسه کاتو) در سال ۱۹۹۵ بودجه‌ای ترکیبی معادل ۱۰/۲ میلیون دلار داشته‌اند. بنابراین براساس این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که بودجه تجمعی^۲ کانون‌های تفکر محافظه‌کار برجسته بیش از چهار برابر کانون‌های تفکر ترقی‌خواه برجسته بوده است.

با این حال هنگامی که وضعیت مالی کانون‌های تفکر آمریکا مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند نباید صرفاً مطالعاتی مانند این به‌دلایل زیر مورد اتکا قرار گیرد:

1. The Center for Policy Alternatives

2. Cumulative Budget

اول - به این دلیل که تنها ۲۱ درصد از کانون‌های تفکر آمریکا در جاده کمربندی واشنگتن دی سی مستقراند (محل انجام تحقیق فوق) و این موضوع باعث محدود شدن دامنه مطالعه می‌شود. بسیاری از کانون‌های تفکر با نفوذ در خارج منطقه جاده کمربندی واشنگتن دی سی قرار دارند.

دوم - همان‌گونه که پیش از این گفته شد، طبقه‌بندی برخی از کانون‌های تفکر براساس گرایش ایدئولوژیکی خاص با وجود آن که آنها خود را مستقل و بدون وابستگی می‌دانند مشکل است.

سوم - اینکه هیچ تجزیه و تحلیلی نمی‌تواند کاملاً جامع و فراگیر باشد.

مطالعه فراگیر درخصوص بودجه کانون‌های تفکر می‌باید تفاوت میان انواع گوناگون کانون‌های تفکر در جناح چپ و راست را در نظر گیرد و توجه داشته باشد که برای نمونه کانون‌های تفکر مدافع‌های بیشتر در جناح راست قرار می‌گیرند در حالی که کانون‌های تفکر دانشگاهی عموماً دارای دیدگاه‌های ترقی‌خواهانه‌اند.

هنگامی که در مورد وضعیت بودجه‌ای کانون‌های تفکر بحث می‌کنیم یکی از موضوعات مهم روشی است که توسط آن بودجه‌بندی (تنظیم بودجه) انجام می‌گیرد و باید توجه کرد که میزان مبلغی که ازسوی مؤسسه‌ای خاص دریافت می‌شود، اهمیت چندانی ندارد. در همین زمینه به وضوح، میان کانون‌های تفکر محافظه‌کار و ترقی‌خواه تفاوت مهمی وجود دارد. ازسوی دیگر برای اینکه تأمین بودجه کانون‌های تفکر کارآمدتر شود ضرورت دارد که محک و معیارهای کلیدی معینی در نظر گرفته شود (تدوین شده). این واقعیت چیزی است که کانون‌های تفکر محافظه‌کار مدتی است به آن پی برده و به دنبالش هستند. آنها به‌منظور متقاعد کردن بنیادهای دست‌راستی و اهداکنندگان برای تأمین بودجه فعالیت‌هایشان دائماً به‌طور پیش‌دستانه‌ای عمل کرده‌اند. جی. سی. گودمن^۱ در مقاله «کانون‌های تفکر چه هستند؟» می‌گوید:

ایده‌هایمان را به وضوح از جهان کسب‌وکار کپی می‌کنیم. جایی که منشأ این دیدگاه و بینش آن است که ایده‌ها می‌توانند مانند محصولات در بازار عرضه شوند و کانون‌های تفکر می‌توانند مانند بنگاه‌های اقتصادی خود را به بازار عرضه کنند.

در راهبردی که به خوبی مستند شده است، گروهی از محافظه‌کاران با پشتیبانی برخی بنیادهای محافظه‌کار برجسته و پیشرو در اواخر دهه ۱۹۷۰ در ایالات متحده فعالیت موفق‌تری را برای پشتیبانی از شبکه‌ای ملی از مؤسسات و افراد که مؤسسات لیبرال را به چالش می‌کشیدند و سیاست‌های ملی را دگرگون می‌ساختند، اجرا کردند.



در زمانی که چپ‌ها در حال انشقاق بوده و در برخی موارد کانون‌های تفکر آنان در حال از میان رفتن بودند، راست‌ها بر روی راهبردی پیچیده برای صنعتی‌سازی ایده‌های محافظه‌کارانه سرمایه‌گذاری کردند.

گروهی از مطالعات پژوهشی و همچنین افشاگری‌های روزنامه‌ای کوشش کردند تا نشان دهند اهداکنندگان دست چپی در طول سال‌ها ترجیح داده‌اند پژوهش‌های غیرجنگالی را تأمین مالی کنند یا پول‌هایشان را به جای تأمین مالی کانون‌های تفکر تهاجمی، مشابه آنچه هم‌تایان محافظه‌کارشان انجام داده‌اند، به سازمان‌های خیریه پرداخت کنند.

کاوینگتن^۱ می‌گوید: در طول دو دهه گذشته ۱۲ مؤسسه برجسته یعنی بنیاد لیند و هری برادلی^۲، بنیاد کارتاژ^۳، بنیاد ارهارت^۴، بنیادهای چارلز جی. کوچ^۵، دیوید. اچ کوچ^۶ و بنیاد خیریه کلود آر. لمب^۷، بنیاد فیلیپ ام. مک کنا^۸، بنیاد جی. ام. بنیاد جان ام. آلین^۹، بنیاد هنری سالواتوری^{۱۱}، بنیاد سارا اسکایف^{۱۲} و بنیاد اسمیت ریچاردسون^{۱۳} کانال مالی به مبلغ ۸۰ میلیون دلاری را برای تبلیغات ضد دولتی و بی‌نظم کردن امور بازارها اختصاص دادند و ۲۷ میلیون دلار هم برای استخدام و آموزش نسل بعدی رهبران جناح راست در زمینه‌های مبانی و اصول حقوق و قانون، اقتصاد و بازار آزاد، روزنامه‌نگاری سیاسی و تحلیل‌های سیاسی هزینه کردند. ۴۱ میلیون دلار نیز برای ساختن دستگاه رسانه‌ای محافظه‌کاران، حمایت از سازمان‌های قانونی پشتیبانی‌کننده از بازار آزاد، تأمین مالی کانون‌های تفکر ایالتی و سازمان‌های مدافع‌ای و بسیج منابع نوع‌دوستانه جدید برای تغییر سیاست‌های محافظه‌کاران هزینه شده است.

ترقی‌خواهان برای همسو شدن با این واقعیت‌های جدید گُند بودند. جنبش‌های ترقی‌خواه حالا دیگر بسیج شده‌اند و آنها نیز راهبردی شبیه راهبرد محافظه‌کاران است که ۳۰ سال پیش آن را آغاز کرده بودند را دنبال می‌کنند.

-
1. Covington, 1998.
 2. The Lynde and Harry Bradley Foundation
 3. The Carthage Foundation
 4. The Earhart Foundation
 5. The Charles G. Koch
 6. The David H. Koch
 7. The Claude R. Lambe Charitable Foundations
 8. The Phillip M. McKenna Foundation
 9. The JM Foundation
 10. The John M. Olin Foundation
 11. The Henry Salvatori Foundation
 12. the Sarah Scaife Foundation
 13. The Smith Richardson Foundation

جنبش، با پول هنگفتی که از سوی جورج سورس^۱ و تیم گیل^۲ تأمین می‌شود تجدید نیرو کرده و باب استین^۳ که از استراتژیست‌های دمکرات است موجب ترقی جنبش شده است. باب استین جنبش محافظه‌کاران را به دقت مطالعه کرده و نتیجه گرفته که به این دلیل محافظه‌کاران بر دولت‌های ایالتی و ملی سلطه یافته‌اند که آنها با آگاهی از اینکه در کوتاه‌مدت بازده نخواهند داشت، تلاش کرده‌اند که به‌طور روشمند بر گروه‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که می‌توانند ایده‌های نو تولید کرده و دیدگاه عمومی را شکل دهند و فعالان محافظه‌کار را آموزش دهند.

فصل نهم – روند جاری پیش روی کانون‌های تفکر

در سال‌های اخیر برخی از تغییرات پیرامون جامعه کانون‌های تفکر ایجاد شد که به‌طور مؤثری توانایی ایفای نقش آنها را با چالش‌ها و فرصت‌های جدید روبرو کرد. در پی بروز این دگرگونی‌ها، در سال ۲۰۰۴ برنامه کانون‌های تفکر و جامعه مدنی^۴ از ۳۴ کانون تفکر پیشرو آمریکایی دعوت کرد تا در یک مطالعه زمینه‌یابی، در خصوص بررسی این دگرگونی‌ها مشارکت نمایند که ۲۳ مؤسسه برای همکاری در پژوهش فوق‌العاده اعلام آمادگی کردند. در پاسخ‌های داده شده، این مؤسسه‌ها انبوهی از دگرگونی‌ها را در جامعه کانون‌های تفکر طی ۵ تا ۱۵ سال گذشته معرفی کردند که پاسخ‌های آنان به‌طور کلی در ۶ گروه اصلی زیر جای می‌گیرند:

۱. تغییر در منابع مالی و تأمین بودجه.
۲. گسترش و تکثیر سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد-NGO) به‌طور کلی و کانون‌های تفکر به‌طور خاص.
۳. ظهور رسانه‌های ۲۴×۷^۵ طی پیشرفت و توسعه فناوری‌ها به‌ویژه تسلط اینترنت.
۴. سیاست‌هایی که به‌طور فزاینده‌ای وابستگی حزبی پیدا کرده‌اند.
۵. ظهور متخصصان (متخصصانی که به تنهایی کار می‌کنند و عضو کانون‌های تفکر نیستند) و کانون‌های تفکر کوچک.
۶. جهانی شدن.

پاسخ‌دهندگان برخی نتایج مثبت و منفی را برای این ۶ زمینه پیشنهادی مشخص کردند. تلاقی برخی از این امور تأثیر عمیقی بر نقش کانون‌های تفکر به‌عنوان مشاوران سیاسی داشته است. این مطالعه

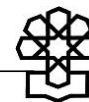
1. George Soros

2. Tim Gill

3. Bob Stein

4. The Think Tanks and Civil Society Program

۵. رسانه‌هایی در ۲۴ ساعت روز و ۷ روز هفته خدمات ارائه می‌دهند.



زمینه‌ها را بررسی می‌کند که چگونه تأثیر تجمعی سیاست‌های محدودکننده مالی از سوی اعطاکنندگان کمک‌های مالی، جهت‌گیری‌های سطحی و کوتاه‌مدت کنگره و کاخ سفید و گرایش سطحی و احساسی شبکه‌های خبری کابلی و رسانه‌های چاپی به‌عنوان عوامل تضعیف‌کننده کیفیت پژوهش‌های سیاسی و همچنین محدودکننده گستره گزینه‌های سیاسی در دسترس عمل می‌کنند.

نتایج بررسی و مصاحبه‌های متعاقب آن ۶ گرایش منفی را در برخی از حوزه‌ها آشکار ساخت که بیشتر موارد به نحوه به‌کارگیری بودجه در جامعه کانون‌های تفکر اشاره داشت.

۱. تغییر رویه حامیان مالی از پشتیبانی مالی بلندمدت نهادهای پژوهشی به کوتاه‌مدت و انجام پژوهش‌های خاص موجب تغییر در تمرکز و کاسته شدن از ظرفیت بسیاری از کانون‌های تفکر شد.
۲. تأمین مالی کوتاه‌مدت استقلال و نوآوری کانون‌های تفکر را به چالش می‌کشید، آن چنان‌که حامیان مالی پروژه‌های پژوهشی را تعیین می‌کردند و مانع از ورود کانون‌های تفکر به حوزه‌های پژوهشی و فکری جدید و ترک عادت جاری می‌شدند.

۳. به‌طور مشابه، رسانه‌های عمومی که تمرکز آنها به جای تحلیل‌های دقیق بر روی موضوعات پر سر و صداست کانون‌های تفکر را به پاسخ‌های سریع و تحلیل‌های مختصر وا می‌دارند.

۴. رشد اینترنت مشکل تأمین بودجه را تشدید کرده است، همان‌طور که کانون‌های تفکر به‌طور روزافزونی یافته‌های پژوهشی و مشاوره‌ها و توصیه‌های سیاستی خود را به‌طور برخط (در اینترنت) منتشر می‌کنند برای عموم، رسانه‌ها و کسانی که احتمال دارد آنها را از کمک‌های مالی برخوردار کنند نیز دسترسی رایگان به منابع مطالعاتی فراهم می‌شود.

۵. گرایش منفی دیگری که از سوی پاسخ‌دهندگان به تحقیق مطرح شده است، ظهور فزاینده گونه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای حزبی است که تحلیل‌های همسو با وابستگی خود تولید می‌کنند و از این طریق به استقلال و بی‌طرفی کانون‌های تفکر ضربه می‌زنند.

۶. این گرایش‌های منفی در آینده همراه با یکدیگر چالش‌های بزرگی را برای پایداری و تداوم فعالیت‌های کانون‌های تفکر به‌عنوان تولیدکنندگان مشاوره‌های با کیفیت و عمیق در زمینه سیاست‌های بخش عمومی ایجاد خواهند کرد. هرچند که این ۶ دگرگونی محیطی و محوری فرصت‌هایی را هم برای پیشبرد مأموریت‌های کانون‌های تفکر فراهم کرده است:

۱. ظهور رسانه‌های ۲۴×۷ و اینترنت موجب جلب توجه عمومی بیشتر و توانا کردن کانون‌های تفکر برای دسترسی به مخاطبین افزون‌تر در سطح گسترده‌تر و توزیع نشریات خود با هزینه کمتر در میان آنان کرده است.

۲. گسترش سازمان‌های غیرانتفاعی همکاری‌های بیشتری را بین کانون‌های تفکر و سایر سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح ایالتی و بین‌المللی تسهیل می‌کند.

۳. این شبکه امکان به کارگیری سازوکارهای جدید برای نفوذ مؤثر بر سیاست‌ها و دسترسی به مخاطبان گسترده‌تر را فراهم می‌آورد. به علاوه تأثیرات جهانی شدن مانند حوادث ۱۱ سپتامبر و بیماری سارس^۱ علایق بیشتری را در حوزه امور بین‌الملل، سیاست خارجی و امنیت ملی فراهم آورده است که اجازه می‌دهد بیش از پیش کانون‌های تفکر بتوانند بر این موضوعات متمرکز شوند.

۴. مجموعه کانون‌های تفکر کوچک برای پاسخگویی به موضوعات در حال ظهور در سطح ملی و جهانی شکل یافته‌اند. در حال حاضر کانون‌های تفکر در سطح محلی، ملی و بین‌المللی با گروه‌های فشار و سازمان‌های مدافعه‌ای مشارکت دارند. همه این گرایش‌ها طی کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۴ مورد توجه قرار گرفت. این فرصت‌ها کانون‌های تفکر را در پیشبرد مأموریت نهادی ویژه خود و همچنین نقش جامعه کانون‌های تفکر در کل توانمند ساختند.

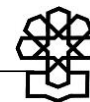
هدف اصلی این تحقیق روشن کردن این مسئله بود که کانون‌های تفکر چگونه از عهده رویارویی با تغییرات محیطی خود بر می‌آیند ضمن اینکه روابط، استقلال، کارآیی و پایداری خود را نیز حفظ می‌کنند. پاسخ‌های تحقیق به دو حوزه اشاره دارند که تغییرات را می‌توان بر پایه آنها انجام داد. اگر حامیان مالی به‌منظور ایجاد انعطاف‌پذیری بیشتر در زمینه پژوهش‌ها، جدول زمانی کمک‌های مالی خود را اصلاح کنند، کانون‌های تفکر امکان انجام تجزیه و تحلیل‌های کامل‌تر و تولید مشاوره‌های سیاستی بهتری را برای سیاستگذاران و رسانه‌ها خواهند داشت.

اگر تأمین‌کنندگان حمایت‌های سازمانی به‌طور متناظر بودجه بلندمدت‌تری را اعطاکنند، مؤسسه‌ها توانایی خواهند داشت، برای موضوعات و مشکلات پدیدار شده، نوآوری‌ها و تحلیل‌های مناسب‌تری ارائه کنند. تغییر در نحوه تأمین کمک‌های مالی به جامعه کانون‌های تفکر اجازه خواهد داد به نوعی از استقلال و نوآوری دست یابند که تجدید حیات و تقویت دوباره آنها را در پی خواهد داشت.

گسترش کانون‌های تفکر و دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد

شمار کانون‌های تفکر در ایالات متحده از دهه ۱۹۸۰ تاکنون دو برابر شده است. علی‌رغم بسیاری از بازخوردهای منفی که درباره گسترش کانون‌های تفکر و افزایش رقابت و تنش در درون این جامعه وجود داشت، ولی این پدیده موجب تسهیل همکاری و شراکت میان کانون‌های تفکر و سایر مؤسسه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد شد و به آنها اجازه داد تا به‌طور مؤثری در مقابل تغییرات جامعه عمل کنند. در حالی که کانون‌های تفکر ملی ایالات متحده امکان همکاری با یکدیگر را در میان طیف سیاسی موجود ندارند، ولی در سطح محلی و ایالتی با کانون‌های تفکر دیگر، سازمان‌های مدافعه‌ای، گروه‌های آموزشی و دیگر مؤسسات دانش‌بنیان در سطح بین‌المللی ارتباط و پیوستگی دارند.

1. SARS



این شبکه‌های گسترده، هم‌افزایی ایجاد کرده و دسترسی کانون‌های تفکر به مخاطبان بیشتر را فراهم کرده و آنها را بهره‌ورتر می‌سازد.

در حالی کانون‌های تفکر همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد را آغاز نموده‌اند که هنوز همکاری کاملی را در همه عرصه‌های که امکان مشارکت در آنها وجود دارد، مانند بین دو حزب و همچنین رشته‌های علمی با دیگر کانون‌های تفکر داخلی دنبال نکرده‌اند.

در عوض افزایش تعداد کانون‌های تفکر در آمریکا محیطی بسیار رقابتی را ایجاد کرده است که در آن شمار در حال رشدی از کانون‌های تفکر با یکدیگر برای تأمین بودجه و جلب توجه از سوی رسانه‌ها و سیاستگذاران رقابت می‌کنند.

به علاوه فشار برای انجام کارهای تخصصی، بسیاری از کانون‌های تفکر را مجبور کرده تا با به‌کارگیری شیوه‌هایی بین خود و دیگر مؤسسه‌های مشابه تمایز ایجاد کنند مانند دستور کار پژوهشی، خروجی‌های سیاستی، گرایش سیاسی و راهبردهای بازاریابی.

برخی از پاسخ‌دهندگان به ساخت و آفرینش طرح‌های سازمانی جدید مانند بنیاد آمریکایی نو به‌عنوان یکی از نتایج مثبت استمرار تغییرات رخ داده در جامعه کانون‌های تفکر اشاره کرده‌اند.

نیروی رقابتی در بازار ایده‌ها به روشنی منتج به دگرگونی‌های اساسی در نحوه عملکرد کانون‌های تفکر و تولید ایده‌های جدید شده است که جرقه یک بحث زنده و پرنرزی را در باره این موضوع زده است.

گسترش سیاست‌های حزبی

گرایش دیگر که در جامعه کانون‌های تفکر وجود دارد، افزایش قطب‌بندی (دو قطبی شدن) و فشار برای همسویی سیاسی است. در حالی که واشنگتن دی سی و فرآیند سیاست‌های عمومی ذاتاً سیاسی است و رقابت میان ایده‌ها از صفات بارز تجربه دموکراتیک آمریکایی است، وضعیت جاری حزب‌گرایی به اوج خود رسیده است و کانون‌های تفکر نیز داوطلب فراهم کردن مهمات این جنگ میان خوبی و بدی که به‌نظر می‌رسد بسیاری از سیاستمداران را درگیر کرده شده‌اند. اکنون سیاست‌های حزبی و جنگ ایده‌ها پیچیده‌تر شده است و مطابق با آن مؤسسات دارای وابستگی حزبی عمومیت بیشتری یافته‌اند، به‌گونه‌ای که تعداد زیادی از آنها هویت سیاسی خاصی را پذیرفته‌اند که ویژگی آن تنگ‌نگری در پژوهش‌ها و پذیرش توصیه‌های سیاستی است. نتیجه این وضعیت قرار گرفتن در یکی از دو سوی طیف سیاسی است. یعنی یک دوگانگی بزرگ میان سازمان‌های لیبرال از یکسو و سازمان‌های محافظه‌کار از سوی دیگر و شمار کمی هم مؤسسات میانه‌رو در مرکز.

بنابراین یافتن تحلیلی عینی در خصوص مسئله‌ای که به طیفی از ایده‌ها، عقاید و گزینه‌های سیاسی نظر داشته باشد به‌طور فزاینده‌ای مشکل شده است. همچنان که سازمان‌ها وابستگی حزبی بیشتری پیدا می‌کنند سطح و کیفیت مباحث درونی آنها کاهش می‌یابد.

مدیر اجرایی یکی از کانون‌های تفکر اشاره می‌کند که سیاست‌های حزبی و جنگ ایده‌ها وضعیتی را فراهم کرده که علاقه کمی به انجام تحلیل‌های جزئی‌نگر با در نظر گرفتن هر دو سوی یک مسئله وجود دارد و اگر گروهی به‌طور ۱۰۰ درصد از موضوعی پشتیبانی نکند به‌عنوان دشمن متحد تلقی خواهد شد. به‌طور کلی وجود این قبیل مسائل در کنار محیطی رقابتی، همکاری میان کانون‌های تفکر را که راهی است برای کاستن از گرایش‌های منفی تأمین بودجه مورد تهدید قرار می‌دهد. پاسخ‌دهندگان از طیف‌های مختلف سیاسی و ایدئولوژیک احساس می‌کنند که با وجود اینکه انجام مباحث جدی و دائمی میان کانون‌های تفکر درباره موضوعات گوناگون الزامی است، محیط جاری منجر به چنین تبادل و تضارب آرایبی نمی‌شود. سطح رو به گسترش سیاست‌های حزبی موجب محدود شدن امکان نوآوری کانون‌های تفکر می‌شود، زیرا اظهار عقاید غیرمرسوم در محیط دو قطبی فعلی مشکل است. یکی از پاسخ‌دهندگان اظهار می‌دارد که «شنیدن ایده‌هایی که خارج از چارچوب‌های چپ و راست باشد، مشکل شده است».

جدول ۱۴. بنیادهای لیبرال و محافظه‌کار برجسته و اصلی

لیبرال	محافظه‌کار
بنیاد آنی ای. کیزی*	بنیاد لیند و هری بردلی
بنیاد آرکا	بنیاد جان ام. آلین
بنیاد چارلز استورات مات	بنیاد ریچارد و هلن دوس
بنیاد فورد	بنیاد سارا اسکارف
بنیاد مک آرتور	بنیاد کارتاژ
بنیاد مک نایت	بنیاد شلبی کالم دويس
بنیاد مورییا	بنیاد چارلز جی. کوچ و دیوید اچ. کوچ
بنیاد ناتان کامینگز	بنیاد فلیپ ام. مککنا
بنیاد نویس	بنیاد ارهارت
مؤسسه جامعه باز	بنیاد خیریه کلود ار. لمب
اتحادیه خیریه پیو	بنیاد اسمیت ریچاردسن
صندوق برادران راکفلر	بنیاد هنری سالواتوری
بنیاد راکفلر	

* Annie E. Casey Foundation

رسانه‌های عمومی و گسترش اینترنت

گسترش پوشش رسانه‌ها، پدیده ۲۴×۷ و ظهور اینترنت برای کانون‌های تفکر تهدیدها و فرصت‌هایی را به دنبال داشت. تأثیر فناوری وب روشن است. امروز هر کانون تفکری به‌طور واقعی یا مجازی (قرارداد با



شرکت‌های تخصصی) به یک کارشناسی حرفه‌ای فناوری اطلاعات و یک وب مستر^۱ یا مدیر بخش وب برای به‌روز نگهداشتن وب سایت خود نیازمند است.

استفاده گسترده از اینترنت به کانون‌های تفکر اجازه انتشار آسان و گسترده ایده‌هایشان را داده است و در اوج گرفتن سود آنها سهیم بوده است. ظهور اینترنت و دیگر فناوری‌های ارتباطی موجب کاسته شدن از هزینه‌های انتشار پژوهش‌ها، گسترش انتشار اطلاعات، افزایش دسترسی به پژوهشگران، نشریات، گسترش مخاطبان و تأثیرگذاری بسیاری از کانون‌های تفکر شده است.

با وجود این استفاده گسترده از اینترنت مشکلاتی را هم به دنبال داشته است. برخی از کانون‌های تفکر استدلال می‌کنند که اینترنت کیفیت دیالوگ و گفتگو در خصوص برخی مسائل و موضوعات را تقلیل داده است. به طوری که هیچ مکانیسمی برای فیلتر کردن حقایق و اطلاعات در وب وجود ندارد. به‌طور مشابه رسانه‌های عمومی نیز چالش‌های جدیدی را برای کانون‌های تفکر به‌وجود آورده‌اند. ظهور شبکه‌های خبری کابلی^۲، حضور مفسران کانون‌های تفکر در همه شبکه‌ها را به شدت افزایش داده است. تأثیر این گرایش را می‌توان در برنامه‌های خبری که به‌طور منظم مفسران برجسته‌ای چون کن پولاک^۳ از مؤسسه بروکینگز در شبکه سی.ان.ان، راشل برانسون^۴ از مؤسسه شورای روابط خارجی در شبکه ام.اس.ان.بی.سی^۵، تونی کاردزمن^۶ از مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل در شبکه ای.بی.سی. و پیتر بروکز^۷ از مؤسسه هریتیج در شبکه فاکس در آنها حضور می‌یابند، مشاهده کرد.

خصوصیات رسانه‌های ۲۴×۷ پیگیری و ارائه مسائل احساسی و گفتگوها و گزارش‌های خبری کوتاه است. رسانه‌های آمریکایی عمدتاً گفتگوهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کوتاه را به جای تحلیل‌های موشکافانه و دقیق از مسائل، ارائه می‌دهند و بسیاری از وب‌سایت‌ها نیز بدون ارزیابی روش و سطح این‌گونه تحلیل‌ها آنها را بازتاب می‌دهند. ترکیب این دو رویکرد است که به‌طور مستقیم بر توانایی کانون‌های تفکر برای فراهم کردن پیشنهادات قابل ملاحظه، دقیق و همچنین درگیر شدن در مباحث مستدل، پیش از ارائه عمومی آن، تأثیر می‌گذارد.

این تغییر در نحوه انتقال اطلاعات به مردم بر کانون‌های تفکر فشار می‌آورد تا به جای تحلیل‌های دقیق، گزارش‌های کوتاه، مختصر و سطحی تولید کنند. ویژگی فوریت و بلادرنگ بدون اینترنت و رسانه‌های ۲۴×۷ کانون‌های تفکر را وسوسه کرده است که کنترل مهمترین سرمایه‌هایشان یعنی ایده، اطلاعات و تحلیل را به رسانه‌ها، وب (اینترنت) و حامیان مالی خود به سپارند.

-
1. Webmaster
 2. Cable News Channel
 3. Ken Pollack
 4. Rachel Bronson
 5. MSNBC
 6. Tony Cordesman
 7. Peter Brookes

گسترش کانون‌های تفکر کوچک و کارویژه (تخصصی)

پیشرفت تکنولوژیکی که در همه عرصه‌های اجتماع رخ داده، سیاستگذاران را برای درک بسیاری از مسائل سیاستی پیچیده امروز به چالش کشیده است. تحصیلات سیاستمداران در ایالات متحده عمدتاً در زمینه حقوق و سیاست است. بدین جهت آنان برای فهم زمینه‌های علمی نوظهور مانند فناوری زیستی، ژنتیک، انرژی اتمی و بیوسفر (زیست کره) مشکل دارند. در این صورت سیاستمداران نیازمند یاری پژوهشگران شاغل در کانون‌های تفکر بوده که در زمینه‌های تخصصی آموزش دیده و قابلیت تولید گزارش‌های دقیق و عمیق در این خصوص را داشته باشند.

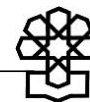
در نتیجه امروزه نیاز فزاینده‌ای برای انجام مطالعات و تحلیل‌های جدی در زمینه موضوعات بسیار تکنیکی و فنی توسط کانون‌های تفکر وجود دارد. این نیاز به افزایش بسیار زیاد شمار کانون‌های تفکر کوچک متخصص در موضوعات چند رشته‌ای منجر شده است. مسئله بغرنج در اینجا است که کانون‌های تفکر باید برای تعدادی از موضوعات سیاستی به جای به خدمت گرفتن پژوهشگران صاحب‌نظر که هر یک در چندین زمینه خیره باشند، تعدادی از تحلیلگران بسیار متخصص (متخصص تنها در یک رشته مشخص) را به خدمت بگیرند. با اینکه این رویه می‌تواند نیازهای حامیان مالی و سیاستگذاران را برآورده سازد، ولی دست مدیران اجرایی کانون‌های تفکر را که نیازمند به پاسخگویی به طیفی از موضوعات و نگرانی‌ها هستند می‌بندد. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون اکثریت بزرگی از کانون‌های تفکری که پا بر عرصه وجود گذاشته‌اند، تخصصی بوده‌اند.

جهانی شدن و تقاضای فزاینده برای ارائه مشاوره در زمینه سیاست‌ها

به‌طور کلی در سال‌های اخیر امکان تأمین بودجه به‌طور مستمر محدود و محدودتر شده و در پی خود محدودتر شدن استقلال و نوآوری فکری در کانون‌های تفکر را به همراه داشته است. این اتفاق درست در زمانی است که نیاز به تحلیل‌های مستقل و نوآورانه افزایش یافته است. جهانی شدن رابطه پیچیده‌ای را میان موقعیت (سرزمین)، ملت‌ها و موضوعات (مسائل و مشکلات) با بخش‌های آشکارتری از زندگی از طریق انتقال و توزیع دانش به‌وجود آورده است که آنها بر کانون‌های تفکر تأثیر می‌گذارند و از آنها و دیگر مؤسسه‌های دانش - اطلاعات بنیان تأثیر می‌پذیرند.

این مسئله نیاز به تحلیل‌های کامل‌تری از مسائل و توانایی بالقوه انجام واکنش و همچنین در نظر گرفتن احتمالات همه‌گزینه‌های سیاستی را به دنبال دارد.

از سوی دیگر بدون رویکردی خلاقانه‌تر برای تأمین مالی کانون‌های تفکر، پژوهش‌های سیاستی صادقانه و نوآورانه انجام نخواهد شد و پیامد این مسئله نیز ارائه مشاوره‌های سیاستی ضعیف و فاقد کفایت خواهد بود.



با این حال کیفیت مشاوره‌های سیاستی باید در بالاترین سطح حفظ شود، ضمن اینکه سیاست‌های خارجی فراملیتی و موضوعات داخلی یعنی جایی که علوم، اخلاق و سیاست در هم می‌آمیزند نیاز به تحلیل‌های با کیفیت دارد نه تحلیل‌های پر سر و صدا و مناسب تبلیغات.

از نگاه دیگر وقایع یازده سپتامبر این گرایش را تسریع کرد و در نتیجه سطح بالایی از علاقه در سیاست خارجی و امنیت ملی برای کانون‌های تفکر فرصت‌های بیشماری را برای آموزش سیاستگذاران، مردم، مؤسسه‌های غیرانتفاعی‌ها، رسانه‌ها و دیگر ذی‌نفعان در چنین موضوعاتی فراهم کرد. در نتیجه بسیاری از کانون‌های تفکر توانستند در زمینه پیوند ذاتی میان توانایی‌های فکری و علایق به اوج رسیده در حوزه سیاست‌های بخش عمومی سرمایه‌گذاری کنند.

این حقیقت مرتبط با این روند بوده که موضوعات سیاسی معاصر مستلزم روابط درونی و پیچیده و تازه‌ای‌اند که در بررسی‌های اولیه مشهود نیست. این موضوع به دلیل اینکه پارادایم‌ها و سیاست‌های جاری کیفیت لازم را نداشته یا قابل اجرا نیستند، سیاستگذاران را ملزم به فکر کردن خارج از چارچوب‌های مرسوم می‌کند. بنابراین فراملیت‌گرایی کانون‌های تفکر را در سطح نهادی (سازمانی) و همچنین در سطوح نشر و توزیع سیاست‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد. زیرا کانون‌های تفکر پیامدهای آنچه می‌گویند یا انجام می‌دهند را نمی‌توانند متوقف کنند.

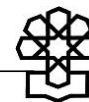
اتخاذ تصمیمات سیاسی و همچنین سازمان‌هایی مانند کانون‌های تفکر که در آمریکا مستقرند وقایع جاری در سایر نقاط جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و برعکس وقایع و تصمیمات سایر کشورها نیز بر ایالات متحده و کانون‌های تفکر آن اثر گذارند.

کانون‌های تفکر نیازمند یافتن و ارزیابی جایگزین‌های سیاستی و پیامدهای هر یک از آنها بر جهان و سپس انطباق آن با بافت محلی‌اند.

بنابراین از یک سو نیاز و تقاضای فزاینده برای یافتن راه‌حل‌های نوآورانه و از سوی دیگر تغییر در عرصه بین‌الملل و همچنین محدودیت‌های بودجه‌ای و نهادی وجود دارد که کانون‌های تفکر را از دستیابی به این راه‌حل‌های خلاقانه و نوآورانه باز می‌دارد.

جدول ۱۵. خلاصه‌ای از یافته‌های کلیدی تحقیق

پیامدهای مثبت	پیامدهای منفی
تغییر الگوی تأمین مالی؛ کوتاه‌مدت، کمک‌های مالی براساس طرح‌های پژوهشی خاص و نتیجه‌گرا	
۱. کانون‌های تفکر را مجبور می‌کند تا کارآمدتر عمل کنند و در عرصه‌ها مؤثرتر ظاهر شوند.	۱. فقدان پشتیبانی‌های نهادی و بلندمدت موجب می‌شود بسیاری از کانون‌های تفکر از مسیر بیانیه مأموریت و دستور کار پژوهشی خود منحرف شوند.
۲. موجب افزایش جهت‌گیری‌های سیاسی و تمرکز بر مسائل جاری و کارهای مرتبط با قوانین می‌شود.	۲. موجب محدود شدن سطح تحلیل‌ها و انجام نوآوری‌ها می‌شود.
۳. تمرکز بر نشر اطلاعات را بیشتر می‌کند.	۳. نفوذ اهداکنندگان کمک‌های مالی را بر طرح و نتیجه پژوهش‌ها افزایش می‌دهد.
۴. به اهداکنندگان کمک‌های مالی کنترل بیشتری بر نحوه استفاده از آنها می‌دهد.	۴. توانایی مؤسسه‌ها را در جذب و نگهداری پژوهشگران کاهش می‌دهد.
افزایش شمار کانون‌های تفکر و سمن‌ها	
۱. هر علاقه و موضوعی صاحب کانون تفکر مختص خود خواهد شد.	۱. رقابت بر سر تأمین مالی
۲. میزان همکاری‌های میان کانون‌های تفکر در سطح ایالتی، ملی و بین‌المللی افزایش خواهد یافت (یکپارچگی عمودی و افقی بیشتر).	۲. افزایش رقابت برای جلب توجه سیاستگذاران و رسانه‌ها برای استفاده از محصولات کانون‌های تفکر
۳. رقابت بیشتر موجب افزایش تولید و تمرکز کانون‌های تفکر خواهد شد.	۳. افزایش شمار سازمان‌های مدافعه‌ای با عنوان کانون تفکر موجب می‌شود استفاده‌کنندگان از تولیدات نتوانند بین پژوهش‌های مربوط به سیاست‌های بخشی عمومی و لابیگری تمایز قائل شوند.
۴. انرژی بیشتر و بازیگران با استعداد بیشتری وارد عرصه خواهند شد.	۴. افزایش رقابت میان پژوهشگران
ظهور رسانه‌های ۷×۲۴	
۱. درخواست بیشتر برای تولیدات کانون‌های تفکر	۱. تمرکز رسانه‌ها بر مباحث سیاسی انحرافی، برانگیزنده و مهیج
۲. فراهم آوردن مخاطبان بیشتر برای خروجی‌های کانون‌های تفکر	۲. اغوا شدن کانون‌های تفکر با امکانات خیره‌کننده رسانه‌ها و دنبال کردن پژوهش‌های پر سر و صدا به جای تحلیل‌های مستدل
۳. مرتبط کردن کانون‌های تفکر و دیگر نخبگان سیاسی با مردم	۳. افزایش گزارش‌های مختصر و یادداشت‌گونه به جای گزارش‌های عمیق و مغزدار
۴. موجب می‌شود کانون‌های تفکر بیشتر دیده شوند و قابل دسترس‌تر باشند.	۴. تغییر رویکرد کانون‌های تفکر از جزئیات به کلیات و نکات مهم
۵. موجب درگیر شدن رأی‌دهندگان بی‌تفاوت در موضوعات مهم ملی و بین‌المللی می‌شود.	



پیامدهای منفی	پیامدهای مثبت
سلطه اینترنت و پیشرفت تکنولوژی	
۱. کاهش کیفیت دیالوگ و گفتگو در خصوص موضوعات معین	۱. هزینه کم نشر اطلاعات
۲. فشار بر کانون‌های تفکر برای ایستادن در لبه فناوری و افزایش تعداد کارکنان شامل افراد حرفه‌ای در زمینه‌های مورد نیاز	۲. فراهم آوردن امکان دسترسی کانون‌های تفکر به مخاطبان بیشتر
۳. از دست دادن کنترل بر سرمایه‌های فکری و پژوهشی	۳. تسهیل سرعت و هزینه هماهنگی و همکاری میان کانون‌های تفکر
	۴. افزایش امکان دیده شدن کانون‌های تفکر که موجب افزایش نفوذ آنها می‌شود.
افزایش وابستگی‌های حزبی	
۱. دو قطبی شدن فزاینده جامعه کانون‌های تفکر.	۱. مباحث سیاسی در واشنگتن ایده‌های آزاد و متنوع‌تری دارد که اجازه می‌دهد خروجی‌های کانون‌های تفکر شنیده شود.
۲. فشار فزاینده برای انطباق سیاسی و مشکلات ناشی از عدم وابستگی.	۲. سیاست‌های حزبی برخی از کانون‌های تفکر را به سوی پژوهش‌ها و تحلیل‌های با تمرکز بیشتر و زمانبندی نشر و توزیع محتاطانه و دقیق‌تر هدایت می‌کنند.
۳. کاسته شدن از شمار سازمان‌های میانه‌رو.	
جهانی شدن: افزایش ارتباط میان موضوعات، مردم و ایده‌ها	
۱. تسهیل در افزایش شمار کانون‌های تفکر، محیطی شلوغ و رقابتی را به وجود می‌آورد.	۱. علاقه فزاینده به سیاست‌های خارجی، سیاست‌های بخش عمومی و موضوعات بین‌المللی
۲. عدم تناسب در میزان تمرکز بر موضوعات، مانند تمرکز بیشتر بر جنگ در برابر ترور و امنیت داخلی و چشم‌پوشی از دیگر مسائل داخلی و بین‌المللی مهم.	۲. پیچیدگی و روابط درونی جهانی شدن موجب می‌شود سیاستگذاران به‌طور فزاینده‌ای به منابع غیردولتی مانند کانون‌های تفکر روی نمایند.

فصل دهم - کانون‌های تفکر جهانی ایالات متحده

در سال‌های اخیر شاهد رشد انواع گوناگونی از کانون‌های تفکر به‌ویژه کانون‌های تفکر شبکه‌ای و جهانی هستیم. در حالی که کانون‌های تفکر بیشتری در حال ظهور در سرتاسر جهانند، کانون‌های تفکری نیز وجود دارند که همزمان با فعالیت‌های محلی در درون کشور خود فعالیت‌های جهانی نیز دارند. کانون‌های تفکر اخیر راهبردهایی را در پهنه جهانی اجرا می‌کنند که براساس آن از چندین مرکز فیزیکی عملیاتی (دفاتر اجرایی) بهره می‌برند. این مراکز می‌توانند به‌صورت محلی و در چند نقطه در داخل کشور یا خارج کشور مستقر باشند.

در جدول زیر کانون‌های تفکر آمریکایی که دارای ویژگی جهانی‌اند، همراه با نوع گرایش ساختاری آنها و زمان تأسیس هریک نمایش داده شده است.

جدول ۱۶. کانون‌های تفکر جهانی ایالات متحده

ردیف	نام مؤسسه	گرایش ساختاری	تاریخ تأسیس
۱	مؤسسه اسپن ^۱	مستقل و خودگردان	۱۹۵۰
۲	مؤسسه بروکینگز	مستقل و خودگردان	۱۹۱۶
۳	موقوفه کارنگی صلح بین‌الملل	مستقل و خودگردان	۱۹۱۰
۴	مرکز کارتر	وابسته به دانشگاه	۱۹۸۲
۵	مرکز توسعه جهانی	مستقل و خودگردان	۲۰۰۱
۶	مرکز بنگاه‌های خصوصی بین‌المللی	وابسته به دولت	۱۹۸۳
۷	مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی	مستقل و خودگردان	۱۹۶۲
۸	مرکز همکاری‌های بین‌المللی	وابسته به دانشگاه	۱۹۹۶
۱۰	مؤسسه (مرکز مطالعات) شرق غرب	مستقل و خودگردان	۱۹۸۰
۱۱	مؤسسه خانه آزادی ^۲	مستقل و خودگردان	۱۹۴۱
۱۲	مؤسسه فریدوم ورکز ^۳	مستقل و خودگردان	۱۹۸۴
۱۳	بنیاد هریتیج	مستقل و خودگردان	۱۹۷۳
۱۴	مؤسسه هوور	وابسته به دانشگاه	۱۹۱۹
۱۵	مؤسسه هادسن	مستقل و خودگردان	۱۹۶۱
۱۶	دیدبان حقوق بشر ^۴	مستقل و خودگردان	۱۹۷۸
۱۸	مؤسسه مطالعات اقتصادی	مستقل و خودگردان	۱۹۶۳
۱۹	مؤسسه صلح بین‌الملل	مستقل و خودگردان	۱۹۷۰
۲۰	مؤسسه اقتصاد بین‌الملل پترسون	مستقل و خودگردان	۱۹۸۱
۲۱	مؤسسه رند	مستقل و خودگردان	۱۹۴۸
۲۲	بنیاد تینکر	مستقل و خودگردان	۱۹۵۹
۲۳	مؤسسه ارین	مستقل و خودگردان	۱۹۶۸
۲۴	مؤسسه وودرو ویلسون	مستقل و خودگردان	۱۹۶۸
۲۵	مؤسسه بانک جهانی / مؤسسه توسعه اقتصادی	شبه مستقل	۱۹۵۵-۲۰۰۶

1. Aspen Institute
2. FreedomHouse Institute
3. FreedomWorks Institute
4. Human Rights Watch



فصل یازدهم - معرفی ۲۵ کانون تفکر برجسته ایالات متحده آمریکا

۱. مؤسسه آمریکن انترپرایز^۱

مأموریت

این مؤسسه که در زمینه سیاست‌های بخش عمومی پژوهش می‌کند در سال ۱۹۴۳ تأسیس شد و به منظور حفظ و تقویت بنیان‌های آزادی مانند محدود کردن اختیارات دولت، حمایت از بنگاه‌های خصوصی و مؤسسه‌های فرهنگی و سیاسی مهم و همچنین سیاست خارجی و دفاع ملی قدرتمند از طریق انجام پژوهش‌های علمی، مباحث باز (آزاد) و انتشارات، فعالیت می‌کند. مؤسسه کاملاً مستقل و بدون هرگونه وابستگی بوده و در اثنای مطالعه و پژوهش در خصوص قوانین یا مسائل سیاستی دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات هیچ نهادی را در نظر نمی‌گیرد.

ساختار

هیئت امنای مؤسسه آمریکن انترپرایز مشتمل بر ۳۰ عضو است که همگی آنان از مدیران پیشرو در عرصه‌های اقتصادی و مالی‌اند. مؤسسه ۵۰ پژوهشگر و دستیار رسمی و شبکه‌ای شامل بیش از ۱۰۰ پژوهشگر پاره وقت که همگی آنان از میان دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های سیاست پژوه آمریکایی‌اند در اختیار دارد.

بودجه

مؤسسه آمریکن انترپرایز سازمانی مستقل و بدون وابستگی است که از سوی بنیادها، شرکت‌ها و اشخاص پشتیبانی می‌شود. میزان بودجه این مؤسسه در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۶۴ میلیون دلار بوده است.

۲. مؤسسه سیاست‌های عمومی جیمز ای. بیکر III^۲

مأموریت

وابسته به دانشگاه رایس (Rice university) بوده و در زمینه سیاست‌های بخش عمومی فعالیت می‌کند. این مؤسسه به شدت بدون وابستگی حزبی بوده و اقداماتش دارای بالاترین معیارهای تعالی فکری و معنوی است و مانند پلی فاصله میان تئوری و عمل را در زمینه سیاست‌های بخش عمومی پر می‌کند همچنین متخصصین و دانشگاهیان، اعضای دولت، رسانه‌ها، فعالان اقتصادی و سازمان‌های غیرحکومتی را گرد هم می‌آورد. این همکاری‌ها به منظور توسعه ایده‌ها، نوآوری‌ها و اقدامات عملی برای بهبود وضعیت سیاست‌های بخش عمومی در همه سطوح حکومت طراحی شده است.

۱. آدرس وب سایت: www.aei.org پست الکترونیکی: info@aei.org.

۲. آدرس وب سایت: www.bakerinstitute.org پست الکترونیکی: bipp@rice.edu.

ساختار

مؤسسه بیکر بخشی از دانشگاه رایس است که درجه علمی اعطا نمی‌کند و اساساً اقدامات آن به پژوهش‌های مربوط به سیاست‌های بخش عمومی و برنامه‌هایی در زمینه موضوعات سیاست‌های داخلی و خارجی اختصاص دارد.

بودجه

مؤسسه در طول ۱۲ سال فعالیت‌های خود بالغ بر ۷۵ میلیون دلار جذب کرده است که ۵۲ میلیون دلار آن به شکل وقف بوده که به دلیل پشتیبانی از ۱۵ پژوهشگر و دستیار بوده که در حوزه سیاست‌های داخلی و بین‌الملل فعال بوده‌اند. بودجه این مؤسسه در سال ۲۰۱۲ مبلغ ۶,۷۶ میلیون دلار بوده است.

۳. مؤسسه بروکینگز^۱

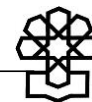
مأموریت

مؤسسه بروکینگز سازمانی خصوصی و غیرانتفاعی است که اقدامات آن به پژوهش‌های مستقل و نوآورانه برای یافتن راه‌حل‌های سیاستی اختصاص دارد. این مؤسسه که سال ۲۰۱۶ صدسالگی خود را جشن خواهد گرفت موضوعات و مسائل جاری داخلی و بین‌المللی را مورد بررسی قرار داده و ایده‌های جدیدی برای آن تولید می‌کند.

پژوهش در مؤسسه بروکینگز برای فراهم آوردن اطلاعات برای مباحث عمومی اجرا می‌شود و نه پیشبرد موضوعات سیاسی. پژوهشگران مؤسسه از میان آمریکایی‌ها و افراد خارجی که در زمینه‌های حکومتی و آکادمیک تجربه داشته و چندتخصصی باشند، انتخاب می‌شوند. مأموریت مؤسسه بروکینگز فراهم کردن تحلیل‌های با کیفیت بالا و ارائه توصیه برای تصمیم‌گیرندگان در ایالات متحده و خارج از آن در طیف وسیعی از چالش‌های جهانی که کشورها در آن به‌طور فزاینده‌ای به یکدیگر اتکا پیدا می‌کنند، است.

ساختار

هیئت امنای این مؤسسه مسئول نظارت کلی بر مؤسسه، تصویب چارچوب تحقیقاتی که باید انجام گیرد و نگرهبانی از استقلال کاری آن است. رئیس مؤسسه، مدیر ارشد اجرایی آن نیز است که مسئولیت او تدوین و تنظیم سیاست‌ها، توصیه طرح‌ها، پذیرش موارد که باید چاپ و نشر شود و انتخاب کارکنان است. بیش از ۱۴۰ پژوهشگر عضو و غیرعضو مؤسسه در نوشتن کتاب، مقاله و ارائه ایده، شهادت در



کمیته‌های کنگره و حضور در تعداد زیادی از مراسم عمومی که در طول سال برگزار می‌شود مشارکت دارند.

بودجه

مؤسسه بروکینگز از طریق وقف و همچنین بنیادها، شرکت‌ها و اشخاص انسان دوست پشتیبان مالی می‌شود. بودجه مؤسسه به انجام پژوهش و فعالیت‌های آموزشی اختصاص دارد. این مؤسسه همچنین از طریق انجام برخی مطالعات و براساس قراردادهای که با دولت منعقد می‌کند و حفظ حق انتشار یافته‌های پژوهشی نیز درآمدزایی دارد. بودجه مؤسسه بروکینگز در سال ۲۰۱۲ حدود ۹۱ میلیون دلار بوده است.

۴. مرکز نیکسون^۱

مأموریت

مرکز نیکسون در سال ۱۹۹۴ توسط رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون به‌عنوان مؤسسه‌ای فعال در حوزه سیاست‌های خارجی و بدون وابستگی حزبی تأسیس شد. مأموریت مرکز، ترویج تحلیل‌های عملگراییانه و عمیق درباره چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی آمریکا در عرصه بین‌المللی است.

این مرکز مجله نشنال اینترست (National Interest) که یکی از نشریات برجسته در حوزه سیاست خارجی است را منتشر می‌کند.

ساختار

این مرکز به‌طور برنامه‌ریزی شده اساساً مستقل از کتابخانه ریچارد نیکسون و بنیاد زادگاه او است و همچنین هیئت مدیره مستقل خود را نیز دارد. مؤسسه و نشریه (نشنال اینترست) روی هم رفته ۱۲ کارمند دارد. دفتر مرکزی مؤسسه در واشنگتن دی سی مستقر است.

بودجه

عملیات مرکز از سوی بنیادها، شرکت‌های تجاری و اشخاص و درآمد حاصل از وقف پشتیبانی می‌شود. بودجه سالیانه مرکز و مجله به‌طور سالیانه حدود ۳ میلیون دلار است.

۵. موقوفه کارنگی برای صلح بین‌المللی^۲

مأموریت

این مؤسسه که در سال ۱۹۱۰ تأسیس شد، سازمان خصوصی و غیرانتفاعی است که به پیشبرد همکاری‌های میان‌ملل و توسعه تعاملات فعال بین‌المللی از طریق ایالات متحده اختصاص دارد. از طریق

۱. آدرس وبسایت: www.nixoncenter.org پست الکترونیکی: mail@nixoncenter.org

۲. آدرس وبسایت: www.ceip.org پست الکترونیکی: info@CarnegieEndowment.org

پژوهش، انتشار، برگزاری همایش‌ها و برخی مواقع برپا کردن مؤسسه‌ها و شبکه‌های بین‌المللی جدید این مؤسسه شکل جدیدی از رویکردهای سیاسی را ارائه کرده است.

ساختار

هیئت امنای شامل ۲۳ رهبر اقتصادی و چهره اجتماعی‌اند که رهبری موقوفه را به عهده دارند و نوآوری‌های پژوهشی آن را هدایت می‌کنند. دفتر واشنگتن این مؤسسه ۱۰۰ کارمند دارند و در دفتر مسکو آن ۴۰ کارمند مشغول به کارند.

بودجه

بودجه این مؤسسه در سال ۲۰۱۲ حدود ۳۰ میلیون دلار بوده است. بودجه موقوفه از طریق کمک‌ها و نشر از جمله انتشار نشریه سیاست خارجی^۱ که یکی از مجلات برجسته در زمینه سیاست و اقتصاد بین‌الملل تأمین می‌شود.

۶. مرکز کارتر^۲

مأموریت

این مرکز با دانشگاه اموری (Emory University) همکاری می‌کند و تعهد بسیاری بر حمایت از حقوق بشر و تسکین دردها و رنج‌های بشریت دارد. مرکز کارتر در پی حل مناقشات، افزایش آزادی و دموکراسی و بهبود سلامت است.

ساختار

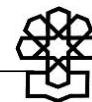
این مؤسسه در سال ۱۹۸۲ توسط رئیس‌جمهور آمریکا جیمی کارتر و همسر او خانم روزلین تأسیس شد. مرکز کارتر از سوی خانواده کارتر و هیئت امنای مستقل هدایت می‌شود و در زمینه مبارزه با بیماری‌ها، ایجاد امید، کمک به بهبود کیفیت زندگی برای انسان‌ها در بیش از ۶۵ کشور جهان فعالیت کرده است.

بودجه

کمک اشخاص، بنیادها و شرکت‌ها همراه با برنامه‌های کمک‌های توسعه چندجانبه، سالیانه بالغ بر ۵۰ میلیون دلار بودجه برای این مرکز فراهم کرده است.

1. Foreign Policy

۲. آدرس وبسایت: www.cartercenter.org پست الکترونیکی: carterweb@emory.edu.



۷. مرکز توسعه آمریکا^۱

مأموریت

به‌عنوان یک مرکز ترقی‌خواه مرکز توسعه آمریکا معتقد است که آمریکا باید کشوری بدون محدودیت برای فرصت‌ها باشد تا همه مردم این کشور بتوانند از طریق تحصیلات، کار سخت و آزادی توانایی‌های خود را ارتقا داده و رویاهای خود را دنبال کنند. این مرکز معتقد است این خواسته‌ها زمانی دست‌یافتنی خواهند بود که آمریکا دارای حکومتی باز و کارآمد، بهره‌مند از نیروی تنوع قومی، تأمین‌کننده حقوق و امنیت مردم خود باشد.

ساختار

۸ نفر به‌عنوان هیئت رئیسه، مرکز را هدایت و رهبری می‌کنند و مدیر ارشد اجرایی و معاون او به فعالیت‌های روزانه مرکز نظارت دارند. در دسامبر سال ۲۰۰۵ مرکز ۱۱۳ کارمند تمام‌وقت و ۳ کارمند پاره‌وقت داشت و همچنین تیمی متشکل از ۲۵ داوطلب. این آمار شامل ۶ پژوهشگر تمام‌وقت ۱۸ پژوهشگر پاره‌وقت غیرمقیم و ۳۰ کارشناس حوزه مطالعات سیاست‌های بخش عمومی بود.

بودجه

این مرکز در سال ۲۰۱۲ بودجه‌ای بالغ بر ۳۴ میلیون دلار داشته است که ازسوی اشخاص و بنیادها تأمین شده است.

۸. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل^۲

مأموریت

این مرکز در پی ارتقای سطح امنیت و زندگی انسان‌ها در عصر دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی از طریق فراهم آوردن بینش راهبردی و راه‌حل‌های عملی سیاسی برای سیاستگذاران است. مرکز شریکی برای برنامه‌ریزی راهبردی حکومت از طریق انجام پژوهش‌ها و تحلیل و تولید نوآوری‌های سیاستی با نگاه به آینده و پیش‌بینی تغییرات است.

ساختار

مرکز در سال ۱۹۶۲ توسط دیوید ام. اشایر و دریادار آرلی بورک^۳ تأسیس شد. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل سازمان دو حزبی (به هر دو حزب وابسته است) و غیرانتفاعی است که دفتر مرکزی آن در

۱. آدرس وبسایت: www.americanprogress.org پست الکترونیکی: progress@americanprogress.org.

۲. آدرس وبسایت: www.csis.org.

3. David M. Abshire & Admiral Arleigh Burke

واشنگتن دی سی قرار دارد و بیش از ۲۲۰ کارمند تمام وقت و شبکه‌ای بزرگی از متخصصین وابسته دارد.

بودجه

۸۰ درصد از بودجه مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل از سوی شرکت‌ها، بنیادها و اشخاصی تأمین می‌شود که کل بودجه آن در سال ۲۰۱۲ حدود ۳۳ میلیون دلار بوده است. ۲۰ درصد مابقی بودجه از طریق درآمد موقوفه‌ها، قرارداد با دولت و فروش اقلام قابل انتشار تأمین می‌شود.

۹. مرکز اولویت‌های بودجه و سیاست^۱

مأموریت

این مرکز مؤسسه‌ای فعال در زمینه‌های پژوهشی و سیاسی است که در حوزه سیاست‌های مالی و سیاست‌های بخش عمومی و برنامه‌هایی که اشخاص و خانواده‌های کم و متوسط درآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهد در سطح ایالتی و ملی فعالیت می‌کند. این مرکز پژوهش‌ها و تحلیل‌هایی را برای فراهم کردن اطلاعات در خصوص مباحث عمومی، پیشنهادهایی درباره سیاست‌های بودجه‌ای و مالیاتی انجام می‌دهد.

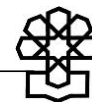
در میان موضوعاتی که این مرکز پیگیری می‌کند ارتقای وضعیت مالی دولت‌های محلی و ملی است همچنین داشتن درآمد کافی در کوتاه‌مدت و بلندمدت برای انجام اموری که اولویت بسیار دارند. مانند حمایت از اقشار کم‌درآمد و عموم مردم در کل.

ساختار

مرکز دارای ۱۷ عضو هیئت رئیسه، یک رئیس و یک معاون رئیس است. این مرکز حدود ۸۰ کارمند دارد که در زمینه‌های مالیات فدرال، سیاست‌های بودجه‌ای، موضوعات مالی ایالتی، سلامت و بهداشت، خانوارهای کم درآمد، بیمه اجتماعی، فرآیند درآمد و فقر و بودجه کاربردی بین‌المللی متخصص‌اند.

بودجه

مرکز اولویت‌های بودجه و سیاست سازمانی مستقل و غیروابسته است که از سوی بنیادها، اشخاص و فروش انتشارات کسب درآمد می‌کند. بودجه سالیانه این مؤسسه در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۳۷٫۵ میلیون دلار بوده است.



۱۰. بنیاد قرن^۱

مأموریت

بنیاد قرن، پژوهش‌هایی را در زمینه سیاست‌های بخش عمومی و همچنین تحلیل‌هایی را در زمینه اقتصاد، اجتماع و موضوعات سیاست خارجی انجام می‌دهد. این پژوهش‌ها عموماً در زمینه‌های تساوی، امنیت بازنشستگی، اصلاح انتخابات، مطالعات رسانه‌ای، امنیت کشور و امور بین‌الملل است. این بنیاد کتاب، گزارش و دیگر موضوعات انتشاراتی را تولید می‌کند، گروه‌های کاری، کمیته‌ها را گرد هم می‌آورد (تشکیل جلسه می‌دهد) و ۸ وب‌سایت را اداره می‌کند. این بنیاد در سال ۱۹۱۹ توسط ادوارد ای. فیلن (Edward A. Filene) تأسیس شد و بنیادی عملیاتی است که دفاتری در شهر واشنگتن دی سی و نیویورک دارد.

ساختار

۲۶ عضو هیئت‌امنا وظیفه رهبری و هدایت مؤسسه را بر عهده دارند.

بودجه

بنیاد قرن که در سال ۱۹۱۹ وقف شده، بودجه سالیانه‌اش از طریق موقوفه و برخی مواقع ازسوی بنیادهایی که پروژه‌ها را تأمین مالی می‌کنند، تأمین می‌شود.

۱۱. شورای روابط خارجی^۲

مأموریت

این شورا سازمانی مستقل، بدون وابستگی حزبی و فعال در زمینه نشر است. شورا در سال ۱۹۲۱ تأسیس شد. این مؤسسه برای تولید و نشر ایده‌ها برای اشخاص و اعضای همکار و همچنین سیاستگذاران، ژورنالیست‌ها، دانشجویان و شهروندان علاقمند به منظور شناسایی بهتر جهان و گزینه‌های سیاست خارجی که در برابر کشور آمریکا و دولت‌های دیگر قرار دارد به وجود آمده است.

ساختار

این شورا، مشتمل بر ۳۱ عضو هیئت‌رئیس است و حدود ۲۰۰ کارمند دارد که در دفاتر شورا واقع در واشنگتن دی سی و نیویورک مستقرند. ۴۴ نفر از کارکنان فوق کارکنان تمام وقت و رسمی‌اند.

۱. آدرس وب‌سایت: www.tcf.org

۲. آدرس وب‌سایت: www.cfr.org پست الکترونیکی: communications@cfr.org

بودجه

شورای روابط خارجی سازمانی مستقل، غیروابسته و دارای معافیت‌های مالیاتی است که بودجه آن از طریق حق عضویت و سهم اعضا، بنیادها و اشخاص، مشارکت شرکت‌ها و درآمد سالیانه موقوفه‌ها تأمین می‌شود. بودجه سالیانه این شورا در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۶۱ میلیون دلار بوده است.

۱۲. مؤسسه سیاست‌های اقتصادی^۱**مأموریت**

مأموریت این مؤسسه که در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد فراهم آوردن پژوهش و آموزش‌های سطح بالا، به‌منظور ارتقای سطح رفاه، انصاف و اقتصاد پایدار است. مؤسسه بر تحلیل دنیای واقعی و اهمیت دادن به استانداردهای زندگی افراد شاغل و در دسترس قرار دادن یافته‌ها برای عموم مردم، رسانه‌ها و سیاستگذاران تأکید دارد. کارکنان مؤسسه سیاست‌های اقتصادی و شبکه پژوهشگران آن اثبات کرده‌اند که سطح سواد و دانش بالا، توانایی بارز برای ارتباط با مخاطبان متنوع، تعهد به تبادل آرا، عقاید و ایده‌ها و مشتاق به چالش کشیدن افکار مرسوم‌اند.

ساختار

۱۹ عضو هیئت رئیسه شامل رهبران اقتصادی، اجتماعی و اتحادیه‌های تجاری، دانشگاهیان و نویسندگان‌اند که این مؤسسه را رهبری و هدایت می‌کنند. رئیس سازمان بر امور روزانه مؤسسه نظارت دارد. مؤسسه سیاست‌های اقتصادی ۵۰ کارمند دارد که شامل پژوهشگران سطح دکترا و همچنین افراد حرفه‌ای در زمینه‌های مدیریت ارشد ارتباطات، توسعه، اجرا و امور مالی می‌شوند. علاوه بر کارکنان رسمی داخلی، مؤسسه با شبکه‌ای از پژوهشگران برجسته ملی همکاری می‌کند.

بودجه

بودجه سالیانه مؤسسه حدود ۶ میلیون دلار است که بیشتر آن یعنی حدود ۶۰ درصد آن را از بنیادها و اهداکنندگان کمک‌های مالی دریافت می‌کنند. مؤسسه سیاست‌های اقتصادی همچنین از سوی اشخاص، شرکت‌ها، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های دولتی و سازمان‌های دیگر پشتیبانی مالی می‌شود.



۱۳. مؤسسه پژوهش‌های سیاست خارجی^۱

مأموریت

این مؤسسه که در سال ۱۹۵۵ توسط رابرت استراز هوپ (Robert Strausz-Hupé) تأسیس شد. به منظور فراهم کردن بینشی علمی برای توسعه سیاست‌هایی که موجب پیشبرد منافع ملی ایالات متحده می‌شود وقف شده است. مؤسسه پژوهش‌های سیاست خارجی با قرار دادن رویدادها و حوادث جاری در بستر فرهنگی و تاریخی گسترده‌تر سیاست‌های بین‌المللی بر ابعاد فکری و اطلاعاتی آنها می‌افزاید. مؤسسه در گستره‌ای از موضوعاتی چون امنیت داخلی و جنگ در برابر تروریسم تا نقش مذهب و تربیت در سیاست‌های بین‌الملل یا منشأ هویت غربی و پیامدهای آن برای ائتلاف ایالات متحده و حوزه اقیانوس اطلس پژوهش می‌کند. برنامه بخش تاریخ مؤسسه با نام «تعلیم معلمان» و یادداشت‌های الکترونیکی^۲ هفتگی این مؤسسه به دست ۲۵ هزار نفر از افراد کلیدی در ۸۵ کشور جهان می‌رسد و با پست الکترونیکی تحت وب (اینترنتی) هم به هزاران نفر ارسال می‌شود.

ساختار

۴۰ عضو هیئت رئیسه بر فعالیت‌های مؤسسه نظارت دارند. از میان پژوهشگران این مؤسسه می‌توان به معاونین پیشین ۳ وزیر خارجه، تاریخ‌دان برنده جایزه پولیتزر (Pulitzer Prize)، رئیس پیشین کالج سوارت مور، تاریخ‌دان برنده جایزه بانکرفت (Bancroft Prize) و کارمند عضو شورای امنیت ملی اشاره کرد. در میان هیئت‌امنا نیز یک وزیر خارجه پیشین و یک وزیر دریانوردی حضور دارند (در میان هیئت‌امنا پیشین نیز دو معاون وزارت دفاع سابق حضور داشتند).

همچنین مؤسسه پژوهش‌های سیاست خارجی با شبکه گسترده‌ای از پژوهشگران به‌ویژه گروه‌های مطالعاتی بین‌دانشگاهی که رشته‌های علمی متنوعی را از قبیل علوم سیاسی، تاریخ، اقتصاد، حقوق، مدیریت، مذهب، علوم اجتماعی و روانشناسی نمایندگی می‌کنند همکاری دارد.

بودجه

مؤسسه از طریق مشارکت هیئت رئیسه، بنیادها، شرکت‌ها، اعضا و درآمد حاصل از انتشارات تأمین بودجه می‌کند. بودجه این مؤسسه در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۱,۳ میلیون دلار بوده است.

۱. آدرس وبسایت: www.fpri.org پست الکترونیکی: fpri@fpri.org

۱۴. بنیاد هریتیج^۱

مأموریت

بنیاد هریتیج که در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد مؤسسه‌ای پژوهشی و آموزشی است که مأموریت آن تدوین و ترویج سیاست‌های بخش عمومی با در نظر گرفتن دیدگاه‌های محافظه‌کارانه براساس اصول بازار آزاد، دولت محدود، آزادی فردی، ارزش‌های سنتی آمریکایی و نظام دفاع ملی قدرتمند است. این بنیاد پژوهش‌ها و راه‌حل‌های خود را که سازگار با اعتقادات مؤسسه است برای فروش به کنگره، قوه مجریه، رسانه‌های خبری و دیگران عرضه می‌کند.

ساختار

۲۱ عضو هیئت‌امنا مؤسسه ۱۹۵ کارمند استخدامی این مؤسسه را که شامل ۸۰ کارشناس با تخصص‌های متنوع در زمینه‌های مختلف سیاست‌های عمومی و خارجی‌اند، رهبری و هدایت می‌کنند و وظیفه نظارت بر عملکرد روزانه مؤسسه برعهده رئیس آن است.

بودجه

بودجه این مؤسسه در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۱۱۳ میلیون دلار بوده است. بنیاد هریتیج از طریق مشارکت اعضا که شامل بنیادها، شرکت‌های تجاری و بیش از ۲۷۵ هزار نفر در سرتاسر ایالات متحده‌اند پشتیبانی می‌شود.

۱۵. مؤسسه هادسن^۲

مأموریت

مؤسسه هادسن که در سال ۱۹۶۱ تأسیس شد، سازمانی پژوهشی و آموزشی است که برای ارائه رویکردهای مستدل در زمینه سیاست‌های بخش عمومی طرح‌ریزی شد. این مؤسسه خوش‌بینی محتاطانه‌ای درباره آینده داشته و تمایل دارد سنت‌های مرسوم یا عقل متعارف جامعه را به چالش بکشد. مؤسسه هادسن معتقد به بازار آزاد، مسئولیت‌های فردی، توانایی فناوری برای یاری دادن به پیشرفت، ارزش سنت‌های آمریکایی و حفظ امنیت ملی آمریکاست.

ساختار

مؤسسه دارای ۳۰ عضو هیئت‌امنا است که فعالیت‌های کارکنان مؤسسه را رهبری و هدایت می‌کنند. رئیس مؤسسه نیز بر کار روزانه کارکنان نظارت می‌کند.

۱. آدرس وبسایت: www.heritage.org پست الکترونیکی: info@heritage.org.

۲. آدرس وبسایت: www.hudson.org پست الکترونیکی: info@hudsondc.org.



بودجه

بودجه سالیانه مؤسسه در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۱۴ میلیون دلار بوده است که با مشارکت اعضای هیئت امنا، بنیادها و شرکت‌های تجاری تأمین شده است.

۱۶. مؤسسه اقتصاد بین‌الملل^۱

مأموریت

این مؤسسه، سازمانی خصوصی و غیرانتفاعی، بدون وابستگی حزبی و پژوهشی است که به مطالعه در زمینه سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل می‌پردازد. از سال ۱۹۸۱ مؤسسه به تحلیل‌های بهنگام و بی‌طرفانه و همچنین ارائه راه‌حل‌های ملموس برای مسائل اقتصادی کلیدی جهان پرداخته است.

ساختار

مؤسسه اقتصاد بین‌الملل توسط هیئت مدیره و یک کمیته مشورتی هدایت می‌شود. مؤسسه ۵۰ کارمند دارد که بیش از ۲۴ نفر از آنان پژوهشگرند. دستور کار مؤسسه بر عناوینی چون اقتصاد کلان، امور مالی و پولی بین‌المللی، بازرگانی و مسائل اجتماعی مرتبط، سرمایه‌گذاری و پیامدهای بین‌المللی فناوری‌های نو تأکید دارد.

بودجه

بودجه مؤسسه در سال ۲۰۱۳ حدود ۱۳ میلیون دلار بوده است. مؤسسه از سوی شمار بسیاری از بنیادهای خیریه، شرکت‌های خصوصی و اشخاص و همچنین فروش (انتشارات) نشریات و صندوق سرمایه تأمین مالی می‌شود.

۱۷. مؤسسه مطالعات سیاسی^۲

مأموریت

مؤسسه مطالعات سیاسی سازمان پژوهشی است که با دیگر سازمان‌های شهروندی که در زمینه صلح، عدالت و محیط زیست فعالند مرتبط است. مؤسسه با دانشگاهیان ترقی‌خواه، سازمان‌های غیرانتفاعی، مسئولین منتخب محلی و اعضای کنگره همکاری دارد. روش اصلی تأثیرگذاری مؤسسه عبارت است از: ایجاد شبکه‌های جدید و ائتلاف‌ها در میان بخش‌های مختلف جامعه، در زمینه موضوعات و مرزها، سرعت بخشیدن و توانمندسازی جنبش‌های اجتماعی از طریق انجام پژوهش، حمایت از پروژه‌ها و تجربیات اجتماعی تا مبدل به سازمان‌های جدید شوند و بتوانند به سرعت به نیازهای توسعه‌ای و بحران‌های

۱. آدرس وبسایت: www.iie.com

۲ آدرس وبسایت: www.ips-dc.org

جدید پاسخ گویند، فراهم ساختن راه‌حل‌های جایگزین و ساخت پل میان جوامع مدافعه‌ای و دانشگاهیان ترقی خواه بوده است.

ساختار

مؤسسه توسط هیئت امنایی با ۲۰ عضو هدایت و رهبری می‌شود. سازمان با نظارت یک مدیر اداره می‌شود و شامل ۳۰ کارمند است که ۹ نفر از آنها غیر پژوهشی‌اند.

بودجه

مؤسسه مطالعات سیاسی، سازمان مستقل و معاف از مالیات است. دوسوم از بودجه ۲/۵ میلیونی آن از سوی بنیادها و اشخاص فراهم می‌شود.

۱۸. گروه بحران بین‌الملل^۱

مأموریت

گروه بحران در سال ۱۹۹۵ توسط گروهی از شخصیت‌های برجسته بین‌المللی و متخصصان حوزه سیاست خارجی که از شکست جامعه جهانی برای انجام اقدامی مؤثر در پاسخ به بحران‌های سومالی، بوسنی و رواندا وحشت زده شده بودند تشکیل شد. هدف این گروه ایجاد سازمانی جدید بود که مستقل از همه کشورهای جهان باشد و به همه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه جهانی به‌طور کلی کمک کند تا از وارد شدن به درگیری‌های مرگبار اجتناب کنند و در صورت بروز درگیری آن را حل کنند. هدف اصلی گروه بحران جلوگیری از درگیری‌ها و بحران‌های شدید و مقابله با وخیم‌تر و شدیدتر شدن آنهاست.

ساختار

گروه بحران سازمانی مستقل، غیرانتفاعی و غیردولتی است که در پنج قاره جهان تقریباً ۱۲۰ کارمند دارد که بر موضوعات منطقه‌ای و انجام مدافعه در سطح بالا برای جلوگیری و حل مناقشات مرگبار تمرکز دارند. رویکرد گروه بحران انجام مطالعه و پژوهش در محل بحرانی (محلی که شرایط بحرانی دارد) است. تیم تحلیلگر سیاسی در محل یا کشورهای همسایه که در شرف بروز جنگ، بحرانی شدن اوضاع یا بازگشت درگیری‌هاست، مستقر می‌شود. بر مبنای اطلاعات و ارزیابی‌های انجام شده از منطقه بحرانی تیم گزارش‌های تحلیلی را که شامل توصیه‌های عملی است و هدف از آن مطلع کردن تصمیم‌گیرندگان کلیدی بین‌المللی است تولید می‌کند.

۱. آدرس وبسایت: www.crisisgroup.org پست الکترونیکی: gevans@crisisgroup.org.



بودجه

این مؤسسه بودجه خود را از طریق کمک‌های کشورهای، بنیادهای خیریه، شرکت‌ها تجاری و کمک‌های اهدایی از سوی اشخاص تأمین می‌کند. درآمد این گروه در سال ۲۰۰۸ در حدود ۱۵ میلیون دلار بوده است.

۱۹. بنیاد آمریکای نوین^۱

مأموریت

مأموریت بنیاد آمریکای نوین که در ژانویه سال ۱۹۹۹ تأسیس شد، وارد کردن صدا و ایده‌های نو در میان مباحث عمومی ملی بوده است. با اتکا بر رویکرد سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر، بنیاد آمریکای نو بر افراد برجسته و ایده‌های سیاسی که امکان پیشی گرفتن از طیف‌های سیاسی متعارف و مرسوم را فراهم می‌کنند، سرمایه‌گذاری کرده است. این بنیاد از طیف گسترده‌ای از پژوهش‌ها، مقالات و کتب، کنفرانس‌ها و رویدادهای مهمی که در زمینه موضوعات سیاست داخلی و خارجی اتفاق می‌افتد پشتیبانی می‌کند.

ساختار

۲۴ عضو هیئت امنای شامل مدیران اجرایی کسب‌وکارها و مراکز مالی و پیشرو هدایت و رهبری مؤسسه و راهبری دستورکار پژوهشی آن را به عهده دارند و انتصاب در بنیاد از سوی شورای مشاوران آکادمیک که گروهی از پژوهشگران متمایز در بیرون مرکزند، بازنگری می‌شوند. رئیس مرکز بر انجام امور روزانه بنیاد نظارت دارد. مؤسسه حدود ۵۰ پژوهشگر و کارمند دارد. بنیاد آمریکای نو سازمانی مستقل، بدون وابستگی و غیرانتفاعی است که در زمینه سیاست‌های عمومی پژوهش می‌کند. هر چند دفتر مرکزی این بنیاد در واشنگتن دی سی مستقر است ولی یک دفتر ماهواره‌ای نیز در ایالت کالیفرنیا دارد.

بودجه

بودجه این مؤسسه در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۲۱,۶ میلیون دلار بوده است. این بنیاد از طریق اهدا و مشارکت با بنیادهای انسان دوست و همچنین اهدای اشخاص تأمین مالی می‌شود.

۲۰. اداره ملی پژوهش‌های اقتصادی^۱

مأموریت

اداره ملی پژوهش‌های اقتصادی، سازمانی پژوهشی، خصوصی، غیرانتفاعی، بدون وابستگی حزبی است که در زمینه ترویج فهم بیشتر از کارکردهای اقتصاد فعالیت می‌کند. این سازمان خود را موظف به اجرا و نشر پژوهش‌های اقتصادی بدون جهت‌گیری و بی‌طرفانه در میان سیاستگذاران حوزه عمومی، افراد حرفه‌ای در زمینه کسب‌وکار و جامعه آکادمیک می‌داند. اداره ملی پژوهش‌های اقتصادی سازمانی غیرانتفاعی، پژوهشی، برجسته و ملی فعال در زمینه اقتصاد است. ۱۶ تن از میان ۳۱ تن آمریکایی دریافت‌کننده جایزه نوبل در رشته اقتصاد و ۶ تن از رؤسای شورای مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور آمریکا پژوهشگران این سازمان بوده‌اند. ۶۰۰ تن استادان رشته اقتصاد و کسب‌وکار که در حال حاضر در دانشگاه‌های آمریکا مشغول به تدریس‌اند و در رشته خود سرآمدند از پژوهشگران این سازمان‌اند. این پژوهشگران بر چهار نوع پژوهش تجربی متمرکزند: توسعه سنجش‌های جدید آماری، ارزیابی الگوهای کمی رفتار اقتصادی، ارزیابی تأثیر سیاست‌های بخش عمومی بر اقتصاد ایالات متحده، پیش‌بینی تأثیر پیشنهاد‌های سیاستی جایگزین.

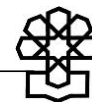
ساختار

این اداره از سوی هیئت مدیره و نمایندگانی از دانشگاه‌های پژوهشی برجسته ایالات متحده و سازمان‌های اقتصاد‌های بزرگ ملی هدایت و رهبری می‌شود. سایر اقتصاددانان برجسته در زمینه‌های اقتصادی، بازرگانی، اتحادیه‌ها و اعضای آکادمی همچنین در هیئت مدیره اداره حضور دارند. علاوه بر پژوهشگران مدعو و پژوهشگران داخل سازمان، اداره ۴۵ کارمند پشتیبانی را نیز به خدمت گرفته است. دفتر مرکزی اداره در کمبریج ایالت ماساچوست واقع است، ولی دفاتر دیگری نیز در شهرهای پالوآلتو، کالیفرنیا و نیویورک دارد.

بودجه

بودجه سالیانه اداره ملی پژوهش‌های اقتصادی ۲۵ میلیون دلار است که از طریق مشارکت با کسب‌وکارها و اشخاص و همچنین بنیادهای خصوصی و بنیاد ملی علوم و مؤسسه ملی سلامت تأمین می‌شود.

۱. آدرس وبسایت: www.nber.org پست الکترونیکی: info@nber.org.



۲۱. مؤسسه رند^۱

مأموریت

به مدت ۶۰ سال است که تصمیم‌گیران در بخش‌های دولتی و خصوصی به دلیل تحلیل‌های بی‌طرفانه و راه‌حل‌های مؤثر که چالش‌های پیش روی ملت‌ها و جهان را شرح می‌دهد، به سوی مؤسسه رند گرایش پیدا کرده‌اند. این چالش موضوعات بسیار مهم اقتصادی و اجتماعی چون تحصیلات، فقر، جنایت و محیط زیست و همچنین زنجیره‌ای از مسائل امنیت ملی را شامل می‌شود. امروزه، پژوهشگران و تحلیلگران رند با تصمیم‌گیرندگان بخش‌های خصوصی و دولتی برای اجرای مأموریت این مؤسسه یعنی کمک به بهبود سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها از طریق پژوهش و تحلیل همکاری می‌کنند.

ساختار

مؤسسه رند توسط هیئت امنای آن، که عموم مردم، کسب و کارها و جامعه آکادمیک را نمایندگی می‌کند، رهبری و هدایت می‌شود. هیئت امناء، مدیران ارشد مؤسسه را انتصاب می‌کنند و سیاست‌های کلی را که کارهای مؤسسه را هدایت می‌کند، پی‌ریزی می‌کنند. پژوهش‌ها در پنج واحد که موضوعات مربوط به سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی را در آمریکا و خارج آن پوشش می‌دهند و سه مرکز پژوهش و توسعه که به صورت فدرال اداره می‌شوند و بر سیاست‌های امنیت ملی متمرکزند، انجام می‌شود. این سه مرکز عبارتند از: مرکز اروپا، یک مؤسسه مستقل وابسته به مرکز، مؤسسه سیاسی رند - قطر که در دوحه پایتخت قطر مستقر است. همچنین این مؤسسه یک مدرسه تحصیلات تکمیلی کاملاً معتبر که مدرک دکترای در زمینه سیاست‌های بخش عمومی اعطا می‌کند، اداره می‌شود.

بودجه

مؤسسه رند یک سازمان پژوهشی مستقل و بدون وابستگی است. مرکز از طرف طیف گسترده‌ای از منابع، مأمور انجام پژوهش می‌شود. برخی از این منابع عبارتند از: دولت‌های فدرال، ایالتی و محلی ایالات متحده، شرکت‌های بخش خصوصی، بنیادها و دولت‌های خارجی و مشارکت با بنیادهای خیریه، شرکت‌های خصوصی، افراد و همچنین درآمد حاصل از موقوفات مرکز منبع مالی را که به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است، فراهم می‌کند. هرچند که میزان درآمد حاصل از موقوفات نسبتاً کم است، ولی انعطاف‌پذیری حیاتی را برای این مؤسسه پدید می‌آورد تا بتواند مسائل را به‌طور بی‌طرفانه و خارج از تأثیر جریان‌های جاری سیاسی تحلیل کند.

۲۲. مؤسسه اربن^۱

مأموریت

مؤسسه اربن تحلیل‌های مرتبط با سیاست‌های اجتماعی، جمع‌آوری داده، ارزیابی برنامه‌های اجتماعی و کمک به ارتقای دانش مردم و رسانه‌ها را بدون گرایش حزبی ارائه می‌دهد. این مؤسسه در سال ۱۹۶۸ تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در واشنگتن مستقر است. مؤسسه اربن سازمانی مستقل است که در ۵۰ ایالت آمریکا و ۲۰ کشور جهان فعالیت دارد که از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به فراهم آوردن اطلاعات برای مباحث مربوط به سیاست‌های دولتی و کمک به دولت‌ها، جوامع و سازمان‌های غیرانتفاعی تا به‌طور کارآمد و مؤثر انجام وظیفه و کار نمایند، اشاره کرد. پژوهش‌ها و دیدگاه‌های مؤسسه با سیاستگذاران، مدیران اجرایی برنامه‌ها، صاحب‌نظران، کسب‌وکارها، دانشگاهیان و عموم مردم به اشتراک گذاشته می‌شود.

ساختار

هیئت امنای مؤسسه به رئیس آن مشاوره ارائه می‌دهند. پژوهش‌ها در ۱۰ مرکز سیاستی انجام می‌شود. عناوین کلی مورد پژوهش عبارتند از: ارزیابی فدرالیسم نو، تحصیلات، بهداشت و سلامت، درآمد و سود، امور بین‌الملل، کار، خدمات انسانی و جمعیت؛ جوامع و مسکن شهری، امور غیرانتفاعی و انسان‌دوستانه و مالیات که به‌طور پی در پی و از زوایا و ابعاد مختلف مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد.

بودجه

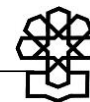
دولت فدرال بزرگ‌ترین تأمین‌کننده مالی مؤسسه است که در سال ۲۰۰۴، ۷۲ درصد بودجه آن را تأمین کرده است. ۲۶ درصد دیگر بودجه مؤسسه از طریق بنیادها حدود ۲ درصد از دولت‌های محلی و اشخاص تأمین می‌شود. بودجه مؤسسه در کل در سال ۲۰۱۲ معادل ۷۵ میلیون دلار بوده است.

۲۳. مؤسسه صلح ایالات متحده^۲

مأموریت

مؤسسه صلح ایالات متحده، سازمانی مستقل، بدون وابستگی و ملی است که در سال ۱۹۸۴ تأسیس شد. برنامه‌های این مؤسسه از سوی کنگره تأمین مالی می‌شود. مأموریت این مؤسسه کمک به جلوگیری، مدیریت و حل درگیری‌های بین‌المللی در کشورهای دیگر به‌وسیله دانش، مهارت و منابع و همچنین دخالت مستقیم مؤسسه در تلاش برای ایجاد صلح است.

۱. آدرس وبسایت: www.urban.org پست الکترونیکی: pubs@ui.urban.org
 ۲. آدرس وبسایت: www.usip.org پست الکترونیکی: usiprequests@usip.org



ساختار

مؤسسه ازسوی رئیس آن هدایت و توسط هیئت مدیره آن که توسط رئیس جمهور آمریکا نصب و ازسوی سنا تصویب می‌شود نظارت می‌شود. مؤسسه برای انجام مأموریت خود به منابع انسانی متعددی دسترسی دارد از جمله کارکنان مؤسسه، پژوهشگران ارشد بورس پژوهشی برنامه جنینگز رندالف (Jennings Randolph) و طیف گسترده‌ای از شرکای دولتی و غیردولتی. تعداد متخصصین مؤسسه ۱۰۰ نفر است که کارشناس امور جغرافیایی بوده و موضوع محورند. این کارشناسان که در رشته‌های خود سرآمد بودند از سازمان‌های دولتی، نظامی، سمن‌ها (NGO ها) و بخش خصوصی به این مؤسسه مأمور می‌شوند. زمینه اصلی کارهای مؤسسه انجام پژوهش‌های جدید و پیشرو در ارتباط با پویایی منازعات، موضوعات سیاستی و تخصصی، شناخت روش‌های بهینه مدیریت منازعات و توسعه برنامه‌های نوآورانه، فراهم کردن آموزش‌های مهارتی و حرفه‌ای - تخصصی در خصوص روش‌های حل درگیری و منازعات، آموزش نسل در حال ظهور مدیریت تعارض‌های بین‌المللی، پشتیبانی از سیاستگذاران، فراهم آوردن اطلاعات برای دانشگاهیان، رسانه‌ها و عموم از طریق زنجیره گسترده‌ای از مواد، نشریات و رویدادها.

بودجه

بودجه اختصاص داده شده ازسوی کنگره برای مؤسسه در سال مالی ۲۰۱۲ بالغ بر ۳۹ میلیون دلار بوده است.

۲۴. مرکز بین‌المللی پژوهشگران وودرو ویلسون^۱

مأموریت

مرکز ویلسون مؤسسه‌ای پژوهشی و بدون وابستگی است که درخصوص موضوعات مهمی چون علوم انسانی، علوم اجتماعی و سیاست‌های بخش عمومی تحقیق می‌کند. این مؤسسه در سال ۱۹۶۸ توسط کنگره برای یادبود بیست‌وهشتمین رئیس جمهور آمریکا، به‌منظور برقراری ارتباط میان جهان ایده‌ها و جهان سیاستگذاران برپا شد. پژوهشگران از سراسر جهان برای انجام تحقیقات عمیق درخصوص موضوعات خاص به این مرکز دعوت می‌شوند و از مزایای بیشمار منابع انسانی، تاریخی، بایگانی منابع آن برخوردار می‌شوند. از طریق این مرکز سیاستگذاران، پژوهشگران و سایر رهبران می‌توانند پا را از محیط سیاسی، آکادمیک و بازار بیرون گذاشته و به مسائل با دیدی بازتر و بلندمدت‌تر نگاه کنند.

در نتیجه بحث‌ها و گفتگوهای جدی که در مرکز به‌طور روزانه در می‌گیرد می‌توان تصمیمات بهتری را اتخاذ کرد و اقدامات مؤثرتری را نیز انجام داد. مأموریت مرکز ویلسون که حمایت از مباحث صریح، باز، منصفانه و کلیدی درخصوص موضوعات سیاست عمومی روز در تمام ابعاد تاریخی و بین‌المللی آن

۱. آدرس وبسایت: www.wilsoncenter.or

است، منعکس‌کننده موقعیت این مؤسسه به‌عنوان مرکز پژوهشی پیشرفته است. این موقعیت، مرکز را از سایر کانون‌های تفکر سنتی مستقر در واشنگتن متمایز می‌سازد.

ساختار

مرکز ویلسون از سوی ۱۷ عضو هیئت امنای هدایت و رهبری می‌شود، ۱۰ نفر از اعضای این هیئت از سوی رئیس‌جمهور و ۷ عضو دیگر از مقامات رسمی و پیشین‌اند. کارکنان مرکز حدود ۱۴۰ نفرند. علاوه بر این حدوداً ۲۵۰ نفر شامل دستیار، پژوهشگر و کارآموز نیز هر سال با این مؤسسه همکاری می‌کنند.

بودجه

مرکز ویلسون مشارکتی دولتی - خصوصی است و از تخصیص سالیانه بودجه از سوی کنگره برخوردار می‌شود که در حال حاضر پس از یک افزایش قدری کاهش یافته و به رقم ۲۵ میلیون دلار رسیده است. مرکز یک موقوفه به ارزش حدود ۳۵ میلیون دلار نیز در اختیار دارد.

۲.۵. مؤسسه منابع جهانی^۱

مأموریت

مأموریت مؤسسه منابع جهانی، سوق دادن جامعه بشری به سوی نوعی زندگی است که در آن محیط زیست زمین حفاظت شده و ظرفیت‌های آن نیازها و آرزوهای نسل جاری و آینده را فراهم می‌کند. از آنجایی که انسان‌ها از ایده‌ها الهام می‌گیرند و از دانش توانمند می‌شوند و با درک و فهم بیشتر، ترغیب به انجام تغییر می‌شوند، مؤسسه به این جهت اطلاعات بی‌طرفانه، پیشنهادهای عملی و تغییرات نهادی را که محیط زیستی سالم و توسعه اجتماعی عادلانه را ایجاد می‌کند، فراهم می‌آورد. ضمن اینکه به دیگر مؤسسات در این زمینه کمک می‌کند.

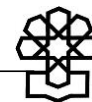
ساختار

مؤسسه منابع جهانی از سوی ۳۳ عضو هیئت مدیره رهبری و هدایت می‌شود. این مؤسسه علاوه بر ۱۲۵ کارمند خود از سوی سازمان‌های شریک بشماری که در سراسر جهان توزیع شده‌اند پشتیبانی می‌شود.

بودجه

مؤسسه سازمانی مستقل و غیرانتفاعی است که از سوی بنیادها، کمک‌های مالی دولت فدرال و دولت‌های جهانی و همچنین کمک‌های مالی شرکت‌ها، مشارکت‌ها، هدایای اشخاص و درآمد حاصل از وقف تأمین مالی می‌شود. بودجه این مؤسسه در سال مالی ۲۰۰۵ بالغ بر ۲۱/۴ میلیون دلار بوده است.

۱. آدرس وبسایت: www.wri.org پست الکترونیکی: abilal@wri.org.



نتیجه گزارش کانون‌های تفکر آمریکا در محورهای ذیل بیان می‌شوند:

۱. کانون‌های تفکر بازیگران قدیمی و مهم در تدوین سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ایالات متحده بوده‌اند. این کانون‌ها به‌عنوان مؤسسه‌های برنامه‌ریزی و مشاوره‌ای امروزه، در نظام تصمیم‌گیری سیاسی ایالات متحده جایگاه تثبیت شده و محکمی دارد و همواره در حاشیه و کنار فرآیند رسمی سیاستگذاری این کشور فعال بوده‌اند. به گفته برخی محققین ایالات متحده صد سال است که خانه کانون‌های تفکر بوده است. البته برخی نیز زمان شکل‌گیری آن را جنگ جهانی اول و دوم می‌دانند.
۲. پژوهشگران دلایل شکل‌گیری چنین مؤسسه‌هایی را ساختار و نظام سیاسی حکومت ایالات متحده، وجود سنت‌های نوع‌دوستانه در میان بنگاه‌های اقتصادی و فرهنگ عمومی در زمینه برپایی نهادهای دانشگاهی، علمی و پژوهشی در قالب موقوفه‌ها و اهدای کمک‌های مالی به این نهادها و همچنین عقلانی کردن تصمیمات اتخاذ شده از سوی حکومت در زمینه سیاست‌های بخش عمومی و امور خارجی می‌دانند.
۳. کانون‌های تفکر در آمریکا ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که در سایر کشورها کمتر به چشم می‌رسد. مانند میزان بالای استقلال و عدم وابستگی آنها به نظام حکومتی و دولت و همچنین در بسیاری نمونه‌ها حتی به احزاب سیاسی؛ نحوه تأمین مالی و بودجه این مؤسسه‌ها که عمدتاً از طریق اهدای کمک‌های مالی از سوی بنیادها، بنگاه‌های تجاری، شرکت‌های خصوصی، اشخاص و انجام فعالیت‌های مشارکتی تأمین می‌شود و به روشنی دلیل استقلال و عدم وابستگی کانون‌های تفکر را توضیح می‌دهد.
۴. ویژگی قابل توجه دیگر کانون‌های تفکر در ایالات متحده ساختار و نوع فعالیت‌های بسیار از آنهاست که شبیه به بنگاه‌های اقتصادی خصوصی است و همچنین نگاه مشتری‌گرایانه این مؤسسه‌ها به مصرف‌کنندگان محصولات پژوهشی و مطالعاتی. وجود ۱۸۳۰ مؤسسه در سراسر این کشور، تنوع، بزرگی و حجم سازمانی و بودجه بالای کانون‌های تفکر در آمریکا از دیگر موارد قابل ذکر است.
۵. کانون‌های تفکر در آمریکا را می‌توان به سه شکل مشاهده کرد:

الف) کانون‌های تفکر سنتی،

ب) کانون‌های تفکر و اقدام،

ج) کانون‌های تفکر اقدام.

۶. در ایالات متحده گرایش به سوی کانون‌های تفکر، مستقل، بدون وابستگی و غیرحکومتی است که از فکر، بودجه و امور قانونی مستقلی برخوردارند. کانون‌های تفکر مستقل شامل ۴ نوع سازمان ویژه‌اند: کانون‌های تفکر آکادمیک - چندتخصصی و آکادمیک - تک‌تخصصی، سازمان‌های پیمانکاری پژوهشی، کانون‌های تفکر مدافع‌های و بنگاه سیاست.

۷. کانون‌های تفکر وابسته در آمریکا سازمان‌های پژوهنده در زمینه سیاست‌های بخش عمومی‌اند که از طرق مدیریتی، مالی یا قانونی به یک سازمان وابسته‌اند. در این کشور چهارگونه وابستگی میان کانون‌های تفکر و سازمان‌های دیگر وجود دارد: وابستگی حزبی، حمایت دولتی، خصوصی-انتفاعی و همچنین وابسته به دانشگاه.

۸. در ایالات متحده، عرف کانون‌های تفکر بزرگ این گونه است که توسط یک رئیس یا مدیر (افسر) ارشد اجرایی اداره شود. فرد مزبور ضمن اینکه ویتترین و چهره عمومی مؤسسه است، در عین حال به‌عنوان سخنگوی ارشد، کسب‌کننده بودجه و استراتژیست نیز مطرح است. رئیس کانون تفکر به‌طور مستقیم پاسخگوی هیئت امنای هیئت رئیسه بوده و به آنها ارائه گزارش می‌کند. بیشتر رؤسای کانون‌های تفکر زمان کاری خود را در بیرون از مؤسسه و برای اموری چون: گفتگو، جلسات، جذب و فراهم آوردن بودجه مورد نیاز می‌گذرانند و امور اجرای را به دیگر مدیران ارشد می‌سپارند. این رؤسا از سوی یک یا چند معاون رئیس و یا مدیران پژوهشی پشتیبانی می‌شوند.

۹. هیئت رئیسه کانون‌های تفکر شامل شخصیت‌های برجسته در زمینه‌های اقتصادی، امور مالی و دانشگاهیان، اعضای پیشین کاخ سفید و کنگره و در برخی موارد اعضای دیگر کانون‌های تفکرند. اعضای هیئت رئیسه به‌طور داوطلبانه خدمت می‌کنند و مسئول انتصاب رئیس کانون، تصویب بودجه، توسعه طرح‌های بلندمدت و اطمینان از انطباق برنامه‌ها با مأموریت‌های سازمان و همچنین حفظ استقلال آنند. به علاوه یکی از مهمترین وظایف هیئت رئیسه جذب بودجه و منابع مالی است.

۱۰. در ایالات متحده در میان جامعه کانون‌های تفکر نظام طبقه‌بندی پیچیده‌ای برای انواع متفاوتی از کارکنان تمام وقت و اعضای وابسته وجود دارد که از مؤسسه‌ای به مؤسسه دیگر نیز متفاوت است. علی‌رغم این دامنه گسترده از عناوین، کارکنان پژوهشی عموماً با عناوینی چون پژوهشگر، تحلیلگر و پژوهشگر ارشد و غیره نامبرده می‌شوند. تمایزی نیز میان پژوهشگران مستقر (پژوهشگران در استخدام مؤسسه) و وابسته و همچنین پژوهشگران میهمان یا پاره وقت غیرمستقر وجود دارد.

۱۱. از نظر گرایش‌های سیاسی و فلسفی؛ کانون‌های تفکر را می‌توان به‌طور کلی در دسته‌بندی‌های محافظه‌کار، لیبرترین، میانه‌رو، ترقی‌خواه - لیبرال قرار داد. البته این مرزبندی‌ها به سادگی قابل ترسیم نیستند. زیرا برای نمونه می‌توان مؤسسات و پژوهشگرانی را یافت که خود را لیبرال می‌دانند، ولی در فعالیت‌های خود ایدئولوژیک نبوده و شواهد متفاوت و مخالف را قبول نکرده و حتی نتایجی را که جهان بینی آنان را به چالش می‌کشد، می‌پذیرند.

۱۲. در طول دو دهه گذشته کنگره و کاخ سفید مسئولیت‌های قابل توجهی را به ایالت‌ها واگذار کرده‌اند، از این سیاست‌ها که از دولت‌های رونالد ریگان و جورج اچ. دبلیو بوش آغاز شد به‌عنوان فدرالیسم نو یاد می‌شود. این تغییرات همراه با واگذاری قدرت سیاسی، اختیار قانونگذاری و مسئولیت مالی برای ایالت‌ها



بود. در نتیجه این اقدامات امروز، ایالت‌ها قدرت بیشتر و مسئولیت‌های بزرگ‌تر از پیش دارند. در سطح ایالت‌ها احتیاج مادر اختراعات بوده است و دولت‌های ایالتی در حال حاضر به آزمایشگاه نوآوری‌های سیاسی که بعداً از سوی ایالت‌های دیگر و دولت فدرال مورد پذیرش قرار خواهد گرفت، تبدیل شده‌اند. این موارد و عوامل از چشم کانون‌های تفکر چپ و راست دور نمانده است. لذا شمار رو به رشدی از کانون‌های تفکر و مؤسسه‌های اهداکننده کمک‌های مالی لیبرال و محافظه‌کار تصمیم گرفته‌اند منابع خود را به جای کاخ سفید در دولت‌های محلی متمرکز کنند. امروزه واشنگتن دی سی، خانه ۳۹۶ مؤسسه سیاست‌های بخش عمومی است و مابقی ۱۴۳۴ سازمان مشابه دیگر در ایالات متحده در میان ۵۰ ایالت آن گسترده شده‌اند. به لطف درخواست‌های رو به رشد مطالعات و تحلیل‌های ایالتی که از سال ۱۹۷۰ آغاز شد تعداد بسیاری از کانون‌های تفکر ایالتی برای کمک به دولت‌های محلی تأسیس شدند.

۱۳. وظیفه اصلی کانون‌های تفکر بزرگ در ایالات متحده تولید دانش مرتبط با سیاست‌ها و فراهم آوردن اطلاعات برای نخبگان سیاسی، اقتصادی و به‌طور کلی عموم مردم است. همچنین روش‌های گسترده‌ای را برای توزیع، انتشار اطلاعات و مواردی چون گردهمایی‌ها، همایش‌ها و جلسات، انتشارات، رسانه‌ها، ارتباط با سازمان‌های دولتی، به‌کار می‌گیرند.

۱۴. کانون‌های تفکر تلاش‌های هوشمندانه‌ای را برای هدف قرار دادن مخاطبان خود با طیف وسیعی از گردهمایی‌ها، همایش‌ها، نشست‌های تخصصی و همچنین جلسات تبادل اطلاعات گروهی یا انفرادی اجرا می‌کنند.

۱۵. تحلیلگران کانون‌های تفکر در ایالات متحده در رسانه‌های چاپی، برنامه‌های خبری تلویزیون و رادیو و همچنین برنامه‌های گفتگوی تلویزیونی به‌عنوان کارشناس شرکت می‌کنند. تعداد بسیاری از کارشناسان کانون‌های تفکر به‌طور منظم کارهای خود را در روزنامه‌ها در ستون‌های مربوط به خود و یا جایی در مقابل ستون ویژه سردبیر چاپ می‌کنند. تعداد زیادی مجلات سیاسی برخط نیز وجود دارند که به‌طور فزاینده‌ای در حال اهمیت یافتن‌اند و این قبیل موضوعات را نشر می‌دهند.

۱۶. کانون‌های تفکر آمریکا به‌طور خاصی به حفظ خطوط ارتباطی خود با اعضای کنگره و کارکنان آن، مقامات ارشد دولتی، قضات فدرال و نمایندگی‌های ایالت‌ها و هیئت‌های محلی علاقمندند. کارشناسان کانون‌های تفکر به‌طور منظم در جلسات کنگره اظهار نظر می‌کنند و نیز جلسات شخصی و انفرادی با اعضای کنگره، رؤسای دولتی و کارکنان آن برگزار می‌کنند. در عوض مقامات ارشد دولتی و اعضای کنگره نیز در مراسم و برنامه‌های کانون‌های تفکر دعوت می‌شوند که برای آنها فرصتی فراهم می‌کند تا ایده‌ها و نوآوری‌های سیاسی را در زمینی بی طرف و در مقابل مخاطبانی که عموماً کارشناسان مرتبط هستند، مورد آزمون قرار دهند.

۱۷. با توجه به پیچیدگی فرآیند قانونگذاری و تعدد منافع در رقابت با یکدیگر در امور سیاسی آمریکا، مشکل است که یک بازیگر بتواند خود را مدعی داشتن مسئولیت یکتا در سیاستگذاری‌های عمومی بداند

(مدعی باشد که صرفاً تحت تأثیر او این سیاست اتخاذ و اجرا شده است). در نهایت از آنجا که هیچ تجزیه و تحلیل نظام‌مندی از کانون‌های تفکر و میزان نفوذ آنها بر سیاست‌های بخش عمومی وجود نداشته است، بدین جهت برای ارزیابی تأثیر کانون‌های تفکر باید متکی بر شاخص‌های غیرمستقیم بود. ۱۸. کانون‌های تفکر از طریق کمک به ایجاد شبکه‌های سیاستی و شکل دادن به ائتلاف‌ها (که جریان‌های سیاسی تأثیرگذار بر قوای قانونگذاری و اجرای دولت را تغذیه می‌کنند)، نقش هماهنگ‌کننده را نیز ایفا می‌کنند.

۱۹. به طور کلی کانون‌های تفکر آمریکایی از نوعی مزیت رقابتی برخوردارند که دلیل آن دسترسی این مؤسسه‌ها به سیاستگذاران و رسانه‌هاست که دسترسی و استفاده از پژوهش‌ها و تحلیل‌های آنها را از سوی سیاستگذاران ارشد و عموم افزایش می‌دهد. برخی از کانون‌های تفکر آمریکایی، به دلیل درجه آزادی بیشتر، محدودیت‌های قانونی و دیپلماتیک کمتر و شبکه‌های بهتر (نسبت به ایالت‌ها، دولت‌ها و ساختارهای دیوان‌سالاری)، در مقایسه با دیگر سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های خارجی حتی بر مقامات رسمی در حوزه‌های قانونگذاری و اجرای دولت نیز مزیت رقابتی دارند.

۲۰. متمایزترین ویژگی کانون‌های تفکر آمریکا استقلال آنهاست. برای درک طبیعت استثنایی کانون‌های تفکر در آمریکا کافی است در نظر داشته باشیم که تعداد ۱۸۳۰ کانون تفکر مستقل امروزه در ایالت متحده آمریکا فعال‌اند. یعنی بیش از هر کشور دیگر در جهان. شگفت‌انگیزتر این است که اکثریت گسترده‌ای از این سازمان‌ها از سوی بخش خصوصی پشتیبانی می‌شوند، چیزی که خلاف سایر کشورهای جهان است. یکی از دلایل این است که ایالات متحده از یک جامعه مدنی توسعه یافته و فرهنگ نوع‌دوستانه برخوردار است و همچنین در قوانین آن مجموعه‌ای از اعتبارات مالیاتی و مشوق‌ها پیش‌بینی شده است که بنگاه‌های اقتصادی و افراد را برای پشتیبانی از کانون‌های تفکر و دیگر سازمان‌های مدنی تشویق می‌کند. علاوه بر این کشور دیگری که دارای یک چنین فضای سیاسی باشد که توانایی پشتیبانی از این تعداد مؤسسه را داشته باشد، وجود ندارد.

۲۱. بیشتر حمایت‌های مالی خصوصی از کانون‌های تفکر از سوی افراد، بنگاه‌های اقتصادی کوچک و بنیادهای خصوصی کوچک تأمین می‌شود. به طور کلی کانون‌های تفکر هزینه فعالیت‌های خود را با تأمین بودجه از سوی بخش خصوصی، شرکت‌ها، افراد، هدایای دولتی و قراردادهای و همچنین درآمد موقوفه‌ها به دست می‌آورند. به علاوه این سازمان‌ها از طریق فروش نشریات، برگزاری همایش‌ها و برنامه‌ها درآمد کمکی هم کسب می‌کنند.



1. 'Burgeoning Conservative Think Tanks: The Madison Group: Heritage Offshoots Seek to Influence State Legislation' (Spring 1991) Responsive Philanthropy. Online, available at: www.pfaw.org/pfaw/general/default.
2. 'Buying a Movement: Right-Wing Foundations and American Politics', 1996.
3. 'Buying a Movement' People for the American Way. 1996, Online, available at: www.pfaw.org/pfaw/general/default.aspx?oid = 2060 (accessed, 28 July 2006).
4. 'Foundation for Public Affairs' (Biannual) Public Interest Profiles, 1192–1993.
5. 'German Think-Tanks: Pennies for their Thoughts' (2 September 2004) The Economist: Europe. Online, available at: www.globalpublicpolicy.net/fileadmin/gppi/Economist_article.pdf (accessed, 30 August 2006). Legislative Resource Center, Office of the Clerk of the House of Representatives.
6. 'International Survey of Think Tanks', Philadelphia, PA: Foreign Policy Research Institute, August 1999.
7. 'Think Tanks and the Transnationalization of Foreign Policy', in M. T. Scanlin (ed.) 'US Foreign Policy Agenda', *An Electronic Journal of the U.S. Department of State* 7, 3: 13–18. Online, available at: <http://usinfo.state.gov/journals> (accessed 10 October 2003), 2002.
8. 'Thinking About the Future of Think Tanks', Philadelphia, August 1999.
9. Abelson, D. E. 'Think Tanks, Public Policy and Constitutional Politics in Canada', in Patrick James, 2002.
10. Abelson, D. E. Do Think Tanks Matter? Assessing the Impact of Public, 2002.
11. American Legislative Exchange Council (2006) Online, available at: www.alec.org (accessed 18 June 2006).
12. www.alec.org?oid = 2053&print = yes&unites = all (accessed, 29 August 2006).
13. Bast, J. L. (1 October 2002) 'Welcome to The Heartland Institute', Heartlander, Chicago, IL: The Heartland Institute. Online, available at: www.heartland.org.
14. Bothwell, R. O. 'What Has Philanthropy Done to Counter the Decline of Progressive Policy', *The Decline of Progressive Policy and the New Philanthropy*, Comm-Org, 2003, Online, available at: <http://comm-org.wisc.edu/papers2003/bothwell/what.htm> (accessed, 27 July 2006).
15. Cambridge, MA: The MIT Press.
16. Cambridge: Cambridge University Press.
17. Cost Effectiveness of the Most Widely Cited Think Tanks in 2011. Online available at :
18. Covington, S. 'How Conservative Philanthropies and Think Tanks Transform US Policy', *Covert Action Quarterly*. 1998, Online, available at: www.thirdworldtraveler.com/Democracy/ConservThinkTanks.html (accessed 27

July 2006).

19. Denham, A. and Stone, D. *Think Tank Traditions: Policy Research and the Politics of Ideas*, New York: Manchester University Press, 2004.
20. Denham, A., Stone, D., and Garnett, M. (eds) (1998) *Think Tanks Across Nations: A Comparative Approach*, New York: Manchester University, 1998
21. Dickson, P. *Think Tanks*, New York: Atheneum, 1972.
22. Dobell, P. *IRPP: The First 30 Years*, Montreal: Institute for Research on Public Policy, 2003.
23. Dolny, Michael (FAIR), "Think Tank Spectrum Revisited: Conservatives Gain Within Still-Narrow Spectrum", 2012.
24. Donald E. Abelson, and Michael Lusztig (eds) *The Myth of the Sacred: The Charter, the Courts and the Politics of the Constitution in Canada*, Montreal: McGill-Queen's Press
25. Dowie, M. *American Foundations: An Investigative History*, 2001.
26. Extra! http://www.fair.org/index.php?page=21&extra_issue_id=306 . FAIR used Nexis to determine media citations.
27. FAIR Study: *Think Tank Spectrum 2012*. . Online, available at:
28. Fischer, F. 'Policy Discourse and the Politics of Washington Think Tanks', in F. Fischer, F. and J. Forester, (eds) *The Argumentative Turn in Policy Analysis and Planning*, London: UCL Press, 1993.
29. <http://fair.org/extra-online-articles/fair%E2%80%88study-think-tank-spectrum-2012>.
30. <http://www.cepr.net/documents/publications/think-tanks-2012-06.pdf>
31. McGann, J. G. & Sabatini *Global Think Tanks: Policy Networks and Governance*, Routledge Press, 2011.
32. McGann, J. G. (December 1992) 'Academics to Ideologues: A Brief History of the Public Policy Research Industry US', *PS: Political Science and Politics* 25, 4: 733–40.
33. [org/Article.cfm?artId = 10582](http://www.fair.org/Article.cfm?artId=10582) (accessed, 4 August 2006).
34. PA: Foreign Policy Research Institute.
35. People for the American Way Online. Online, available at: www.pfaw.org/pfaw/dfiles/file_33.pdf (accessed, 29 August 2006).
36. Phone conversation 15 April 2006, concerning the number of lobbyists 1980–2005.
37. *Policy Institutes*, Montreal: McGill-Queen's University Press.
38. Rich, A. *Think Tanks, Public Policy, and the Politics of Expertise*, 2004.
39. *The Competition for Dollars, Scholars and Influence in the Public Policy Research Industry*, New York: University Press of America, 1995.
40. Washington, DC: Congressional Quarterly Press.
41. Weaver, R.K. "The Changing World of Think Tanks" *Political Science and Politics*, Sept, 1989.



عنوان گزارش: کانون‌های تفکر آمریکا

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: امیر کرمی

ناظر علمی: سید یونس ادیبانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

- | | |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱. کانون‌های تفکر | ۲. ایالات متحده |
| ۳. آمریکا | ۴. سیاست بخش عمومی |
| ۵. سیاست خارجی | ۶. کانون تفکر سنتی |
| ۷. کانون تفکر و اقدام | ۸. کانون اقدام |
| ۹. کانون تفکر آکادمیک - چند تخصصی | ۱۰. کانون تفکر آکادمیک - تک تخصصی |
| ۱۱. سازمان‌های پیمانکاری پژوهشی | ۱۲. کانون تفکر مدافع‌های |
| ۱۳. بنگاه سیاست | ۱۴. کانون محافظه‌کار |
| ۱۵. کانون لیبرتارین کانون میانه‌رو | ۱۶. کانون ترقی‌خواه / لیبرال |
| ۱۷. بروکینگز | ۱۸. رند |
| ۱۹. هریتیج | ۲۰. نیکسون |
| ۲۱. هادسن | ۲۲. کاتو |
| ۲۳. آمریکن انترپرایز | ۲۴. موقوفه کارنگی |
| ۲۵. شورای روابط خارجی | ۲۶. هوور |
| ۲۷. ارین | ۲۸. میلکن |
| ۲۹. بیکر | ۳۰. کارتر |
| ۳۱. بو. اس. پی‌رگز | ۳۲. پن پی‌رگز |
| ۳۳. هارت لند | ۳۴. وودرو ویلسون |
| ۳۵. اسپن | ۳۶. فریدوم هاوس |
| ۳۷. فریدوم ورکز | ۳۸. دیده‌بان حقوق بشر |
| ۳۹. شاخص منابع | ۴۰. شاخص خروجی |
| ۴۱. شاخص به‌کارگیری | ۴۲. شاخص تأثیرگذاری |
| ۴۳. کانون تفکر جهانی | |



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۰/۹